متن کامل

نطق آقای محمد درخشش

در مخالفت با

قرارداد نفت امینی - پیج

که در مجلس شورای ملی ایراد شده است

متن نطق از تندنویسی مجلس استخراج شده

چاپخانه مجلس

متن نطق

آقای محمد درخشش

رئیس جامعه لیسانسیه های دانشسرای عالی

و

نماینده مجلس شورای ملی

در رد قرارداد «امینی - پیج»

متن نطق آقای محمد درخشش

خدارا بشهادت میطلبم که درمطالبی که بعرض نمایندگان محترم میرسانم منافع شاه وملت ومملکت رادر نظر دارم و کوشش کرده‌ام که منطق وعقل‌را غالب بر احساسات خود قرار بدهم (نمایندگان انشاءالله) من یك معلم ساده‌ای هستم و برای این داخل در سیاست شدم که به مملکت و ملتم خدمت کنم (نمایندگان ـ انشاءالله) وجز این قصد و غرضی نـدارم و اگر نتوانم چنین عملی را انجام بدهم کار معلمی را بمراتب ترجیح میدهم معتقدم که در مملکت خائن وجود ندارد باستثنای یك اقلیت معدود که برای خارجی ها جاسوسی میکنند و افراد حزب توده هستند تمام افراد این مملکت میخواهند بملتشان ومملکتشان خدمت کنند تمام آقایان نظرشان این است منتهی درتشخیص‌راه سلیقه وعقیده مختلف است بنده تشخیص داده‌ام که بااین قرارداد بادلایلی که عرض میکنم مخالفت کنم درخاتمه قبل ازشروع به بیاناتم از آقای نخست وزیر تمنی میکنم تقاضا میکنم ، مطالب راجع به نفت را دستور بفرمائید تمامش را در رادیو بگویند بخوانند برای اینکه در این مرحله اخیر که موضوع نفت مطرح است عقاید مخالف و موافق در رادیو گفته بشود و تمام مردم از آن مطلع شوند .

آقایان محترم

من قسمتی از مطالبی راکـه در ضمن و یا در خاتمه عرایض خود میخواستم بگویم برای اجتناب ازهر گونه سوء تفاهم دراول عرایض خود ذکرمیکنم . مخالفت من بااین قرارداد ابداً بامخالفت آنهائی که دانسته برای حل نشدن مسئله نفت جدیت میکنند مشابهت ندارد (بعضی از نمایندگان انشاءالله) حتی من جداً با آنهائی که ندانسته باعث حل نشدن مسئله نفت ایران شده‌اند ویا میخواهند بشوند مخالف هستم بنظر من آنهایی که دانسته یا ندانسته نخواستند واقع بینانه مسئله نفت را حل کنند عده‌ای خیانتکاروعدهٔ دیگرخبط واشتباه سیاسی کردند من با تز اقتصاد بدون نفت برای همیشه و یا برای مدت دراز مخالف هستم من حتی با برنامه فروش مقدار کمی نفت و

صرفنظر کردن ازفروش کلی مخالف بوده و آنرا یك برنامه عقب‌مانده میدانم که سزاوار نهضت ملی مترقی ایران نمیباشد . من از روی واقع بینی به قدرت شرکت های نفت و ضعف وسائل خودمان توجه دارم و بهمین مناسبت حتی با تشکیل کنسرسیوم نفت برای خریدوتوزیع نفت ایران‌درجهان موافق میباشم ودرعین حال دادن یك تخفیف قابل ملاحظه برای خریدارانی که برای مدت چند سال مشتری مطمئنی برای نفت ما باشند و از مشتریان سابق نفت ایران باشند موافق بوده و تأدیه غرامت تأسیسات نفتی‌را نیزمطابق قوانین ملی شدن صنعت نفت ایران درعین‌توجه بحقوق حقه طرفین لازم وضروری میدانم مخالفت من با قرارداد کنونی از دونقطه نظر کلی واصولی است

اولا انتقال اختیار اکتشاف استخراج و تصفیه ویا بهره‌برداری از طرف دولت ایران وشرکت ملی نفت را به هرشرکت خارجی صلاح نمیدانم واصطلاح دیگراین انتقال اختیار اکتشاف و استخراج و بهره برداری را همان امتیاز میدانم که هم قانوناً ممنوع است وهم‌خلاف مصالحی است که موجب‌تصویب شدن قوانین ملی شدن صنعت نفت گردیده است وثانیاً بنظر اینجانب نه‌تنها این قرارداد بنابفرموده آقایان سپهبد زاهدی ودکترامینی ایده‌آل نیست بلکه درعین‌حال حداکثرمنافعی راکه درشرایط حاضر برای ما قابل حصول است تأمین نمیکند بنظر من طرف ایرانی این قرارداد بمشکلات ایران و بقدرت شرکتهائی که وسایل حمل ونقل وبازارهای جهان را در دست دارند خوب توجه فرموده‌اند ولی بموقعیت ایران و امکانهائی که برای ما وجود دارد توجه کافی مبذول نداشته‌اند .

موقعیت جغرافیائی وسوق‌الجیشی ایران‌برای مایك‌وضع سیاسی خاصی پیش آورده وما را باخطراتی ومشکلاتی مواجه ساخته است ولی همین خطرات ومشکلات در عین حال برای ما امکانهائی بوجود آورده است که اگرآن امکانها را آنطوریکه باید مورد استفاده و بهره برداری قرار دهیم و اگر چنانچه بارزش این موقعیت پی ببریم هم میتوانیم بخوبی به‌آن مشگلات وخطرات ناشی از موقعیت جغرافیائی غلبه کنیم وهم میتوانیم بااستیفای حقوق ملی خود برمشگلاتی از نوع دیگرغلبه کنیم .

بنظر اینجانب درحالیکه دولت حاضر بخصوص درماههای اخیر مبارزه مؤثر

باعمال بیگانه کرده وزمینه را برای تثبیت اوضاع ایران ازلحاظ اجتماعی واقتصادی آماده و مهیا کرده است میتواند از دول بزرگی که خود را علاقمند بحفظ استقلال ایران معرفی میکنند استفاده کند و از آنها انتظار داشته باشد که شرکتهای تابع را وادارند که پیشنهادات خود را برای حل مسئله نفت ایران لااقل نامساعدتر از آنچه در زمان دولت گذشته داده‌اند نکنند. در هر حال من در ضمن عرایض و در خاتمه آن راه حلی را پیشنهاد میکنم که باعث تأخیر حل مسئله نفت نیست و در عین حال سعی و کوشش مشروع برای تحصیل حداکثرحقوق ممکن‌الوصولی است که حقاً ما ذیحق در تقاضای استیفای آن حقوق هستیم.

مسئلهٔ نفت وموقعیت سوق‌الجیشی ایران

سیاست اقتصادی تراست‌های نفت سیاست استراتژیك دول بزرگ.

نیروی محرکه اغلب سیاستهای متضاد که متأسفانه سرنوشت ملت ما را در طی قرن تحت‌تأثیرخودقرارداده است‌سیاست اقتصادی‌ازطرفی‌وسیاست‌عمومی‌واستراتژیك دول بزرگ از طرف دیگر بوده است این سیاست ها در شرائط حاضر از لحاظ دول بزرگ غربی در دو سیاست یکی اقتصادی و دیگری سیاست عمومی و استراتژیك خلاصه میشود اولا سیاست اقتصادی درایران ازطرف شرکتها ویا تراستهای نیرومند دول بزرگ تعقیب میشود که البته مورد حمایت دول خود نیز میباشند. دوم سیاست عمومی و استراتژیك که ازطرف دول بزرگ غربی ومخصوصاً امریکا پیروی میگردد بنظر من فهمیدن جریانهای سیاست خارجی ایران که بامسئله نفت خواهی نخواهی ارتباط جدی پیدا کرده مربوط به‌توجه باین دوموضوع است باید دید که‌آیا سیاست اقتصادی تراستهای نفت با سیاست عمومی واستراتژیك دولتهای بزرگ موازی است ویا متناقض و روش دولت و مجلسین و ملت ایران در مقابل آنها چه باید باشد؟ پیش از جواب سؤال بالا البته بتشریح مختصر این دوسیاست یکی اقتصادی وبیشترمربوط به تراست های نفت، دوم عمومی استراتژیك و مربوط بدول بزرگ غربی ومخصوصاً امریکا میپردازیم.

سیاست اقتصادی شرکت ها و یا تراستهای نیرومند نفت در ایران و درکشورهای مشابه :

سیاست اقتصادی تراستهای نیرومند امروزهمان سیاست تکامل یافته شرکتهائی ازنوع شرکت هند واروپا است که ازقرن ۱۹ به بعد به کشورهای آسیائی وافریقائی روآوردند شرکتهای بزرگ صنعتی در قرن ۱۹ کشور های آسیا و افریقا را فقط بعنوان بازار کالاهای صنعتی میخواستند تسخیر کنند ولی دردوره‌ای ازصنعت تکامل یافته که متدرجاً تمرکز وتراکم سرمایه زیاد شد ومتدرجاً انحصارها بوجود آمدند و تراستها و کارتلها تجسم وتظاهر آن انحصارها گردیدند سیاست اقتصادی تراستها در کشور های آسیائی وافریقائی و غیره فرق کرد این بار دیگر تنها کالا های صنعتی را باین کشورها نمیفرستادند بلکه‌سرمایه‌هارا بکشورهای‌عقب مانده صادرمیکردند این صدور سرمایه برای آنـان فوائد زیادی داشت زیرا آنها اغلب مواد خام را از کشورهای آسیا وافریقا باروپا برده وتبدیل بکالا کرده و مجدداً برای بازارهای این کشورها پس میفرستادند مخارج حمل ونقل زیادبود ثانیاً مزدکارگران اروپا زیـاد بالا بود درصورتیکه در کشورهای عقب مانده دست مزد خیلی ارزان دراختیار آنان بوده ،آقایان محض رضای خدا ویا دوستی باایران نیست که پالایشگاه عظیم آبادان بوجود آمده است والاممکن بود نفت خام‌را ببرند در انگلستان وفرانسه وآمریکا تصفیه کنند زمین‌ارزان ، ودستمزد ارزان ، که درمقایسه باکارگران تصفیه‌خانهای‌اروپا وآمریکا مسخره وهیچ است ، آنهارا وادار بتأسیس تصفیه خانه درآبادان کرده . اگر اجازه دهند که متدرجاً سطح زندگی کارگر وکارمندان ایرانی بسطح زندگی کارگران انگلیسی‌وآمریکائی برسد دراینصورت عوض آنکه‌شرکت سابق‌ویالاحق فقط درحدود بیست میلیون لیره درآنجا خرج کند باید صدها میلیون لیره تبدیل به ریال کرده ودرآنجا خرج کند . شرکتهای بزرگ صنعتی در کشورهای عقب مانده بامدرن‌ترین‌وسائل استخراج وبهره‌برداری‌مجهزاند تابتوانند باعقب مانده‌ترین رژیم اجتماعی دست مزد وسطح زندگی‌را پائین نگاهدارند .

رئیس ـ عقب مانده شما چرااستعمال میکنید آقای درخشش استعمار عقب

مانده‌اینهاچیست ؟ (درخشش - برای‌ایران عرض‌نکردم کشورهای عقب‌مانده)درست مواظب مطالبتان باشید .

درخشش - ولی بزرگترین بدبختی وضرر اقتصادی فقط این‌نیست‌که‌شرکت سابق برای بر داشتن حداکثر سود سطح زندگی را در آبادان پائین نگاه میداشت بزرگترین ضرر اقتصادی کـه شرکتهای مشابه بکشورهای مشابه ایران میزنند و شرکت سابق نیز عمل میکردو کنسرسیوم نیز مطابق طبیعت تغییر ناپذیر واجتناب نا پذیر اینگونه شرکتها خواهدکرد اینستکه برای اینکه بتوان سطح زندگی کارگران آبادانی‌را پائین نگاهداشت تاحداکثر سود حاصل‌شود لازم‌است دستمزد در ایران پائین باشد اگر مثلا ایران صنعتی شود دستمزد بـالا میرود در تمام سال کارگران بیکارودرمانده ازکلیه‌بنادر جنوب‌وحتی‌از نقاط دوردست‌شمال‌وآذربایجان ورضائیه روبطرف‌آبادان نمیروند . آقایانی که دردوره شرکت سابق بآبادان‌مسافرت کرده‌اند میدانند که هر روز هزاران نفر در مقابل کارگزینی شرکت از اقصی نقاط کشور جمع میشدند وکارمی‌خواستند وشعب شرکت در نقاط مختلف شهرت میدادند که درآبادان کار هست ، ولی کارگزینی شرکت‌آنهارا برخ کارگران مشغول آبادان میکشید که خیال‌خام بالابردن‌دستمزدرا بخود راه ندهند . اگر کشور ایران‌صنعتی میشد اگر مدارس ودانشگاه‌های ماکارشناس تربیت میکردند ماامروز عوض ۱۰ میلیون تن نفت توسط‌کارشناسان خود سی‌میلیون‌تن نیز می‌توانستیم استخراج کنیم وبهانهٔ اینکه ایران ظرفیت صنعتی‌ندارد ازبین میرفت درهرحال هزاران میلیون‌لیره سود که شرکت سابق مستقیم وغیر مستقیم از ایران برده است جزء کوچکی ازضرر بزرگی است که بملت‌ما تحمیل شده است بعضی‌ها تصور می کنند این ضرر ها ناشی ازبدجنسی مدیران شرکت سابق نفت است ویاناشی ازماهیت انگلیسی آن شرکت است این اشتباه بزرگی است همان نفرتی‌را کـه ایرانیان از شرکت سابق دارند مردم اندونزی ازشرکت‌های هلندی دارند ومردم تونس ومراکش ازشرکتهای فرانسوی دارند ومردم گواتمالا وبرزیل وغیره‌ازشرکت‌های بزرگ آمریکائی دارند . بنابراین خاصیت طبیعی‌واجتناب ناپذیرسرمایه‌های بزرگ صنعتی که بشکل تراستهادرآمده

اینستکه برای تحصیل حداکثر سود دستمزد وسطح زندگی را پائین نگاه دارند . ثانیاً ازصنعتی‌شدن کشور جلوگیری کنند تاتحصیل سودخودرا ابدی ویاالاقل‌متمادی سازند سوم ازبیدارشدن افکار مردم واز پیشرفت فرهنگ که کارشناس تهیه کند جلوگیری کنند چهارم سیاست اقتصادی خاصی پیش بگیرند که پول وارز که‌بکشور صاحب معادن نفت وغیره داده میشود دوباره بکشور صاحب صنعت بر گردد وحتی‌ـ الامکان آن پولها برای کار تولیدی مصرف نشود . پنجم و از همه بالاتر برای تأمین منافع مذکور وغیر مذکور بادخالت درسیاست بتوانند حکومت ها ومجالس مقننه را تحت تأثیر قراردهند وازپیدایش جنبشهاونهضت‌های ملی جلوگیری کنند . آقایان بنابگفته آقای دکتر امینی دراعلامیه خاص خودشان این جرم سیاستمداران ایران نبود که مسئله نفت را با « شائبه‌سیاسی » مشوب کردند . من بآن اشتباه سیاسی که دردوره دولت گذشته پیش آمد اشاره خواهم کرد ولی دوقرن است کـه پـادشاهان صنایع واقتصادیات شائبه سیاست‌را برای تأمین حداکثر سود بـانفت و فولاد وخون توأم کرده‌اند . بین مأمورین جنائی مثلی‌است که باعذرخواهی از خانمها باید عرض کنم که میگویند در پشت سرهر جنایت زن را جستجو کنید . حالا این مثل بین سیاستمداران اینطور تغییرشکل پیدا کرده که پشت‌هر جنایت بین‌المللی یعنی پشت سرهر جنگ محلی یـاجهانی دست تراستهای بزرگ و مخصوصاً تراستهای نفت را جستجو کنید .

تنها ایران نیست ، بهر کجا که روید آسمان همین رنگ است . هدف‌مدیران شرکتهای بزرگ اعم‌ازنفت وفولادوبرق وغیره وغیره اعم‌ازاینکه آن‌مدیران شرکت ها خوش جنس باشند یا بدجنس باشند، اینست که برای تحصیل حداکثرسود که محرك‌صنعت خصوصی است سطح‌زندگی‌را پائین نگاهدارند واز ترقی وتکامل‌وجنبش ملی جلوگیری کنند وچرخ تکامل تمدن‌را مثلا برای‌چهل‌سال ! ازحرکت بازدارند ویاالاقل خیلی بطئی کنند .

آقایان همانطور کـه خاصیت غیر قابل اجتناب یك صنعت ملی ویاناسیونالیزه رفاه وآسایش تولیدکننده ومصرف کننده است همانطور که محرك صنعت ناسیونالیزه

بالابردن سطح زندگی وتمدن استمحرك وطبیعت ثانوی تراستها درکشورهای‌عقب مانده و پیشرفته تحصیل‌حداکثرسود برای‌مدت‌دراز وپائین نگاهداشتن‌سطح‌زندگی وصنعت و تمدن در کشور مورد امتیازاست، طبیعی است که وظیفه دولتهای مربوطه این شرکتهای بزرگ که منبع قدرت مالی وسیاسی‌شان همین تراستها هستند‌حمایت‌و تشویق آنان است ولی درمواردیکه سیاست هائی ازنوع استراتژیك ویاغیرآن تقاضا کند ممکن است سیاست دولتهای بزرگ موازی، ویا درجهت عکس سیاست سود جویانه ویاخرابکارانهٔ تراستها باشد ویالااقل درمواردی آنرا تعدیل کند واین‌مطلبی است که مطالعه‌ودقت درآن برای ماا‌همیت حیاتی دارد.

موقعیت استراتژیکی ایران واستفاده‌ای که از لحاظ سیاست عمومی میتوان از آن کرد

همانطورکه سیاست اقتصادی شرکتهای بزرگ صنعتی اعم از نفت وغیر آن اقتضا میکند که کشورهای مورد استفاده آنها کشور عقب مانده بماند وآنهابتدانند حداکثر سودرا از لحاظ دستمزد ارزان و غیر آن بدست آرند ممکن است موقعیت جغرافیائی وسوق‌الجیشی کشوری مانند ایران ازلحاظ دولتهای بزرك مقتضی باشد که ایران یك نقش مثبت ایفا نموده وقدرت معنوی کشور بالا برود واین بدون بالا رفتن قدرت مادی میسر نمیباشد. در صورتیکه کشوری مانند ایران نتواند سطح زندگی مردم خودرابالا ببرد وازفقرومسکنت وبدبختی جلوگیری کند طبیعی‌است که درموقع حساس جنگی نمی‌تواند آنطوریکه بایداز استقلال خود دفاع کند بنابراین اگر دولتهای بزرگ دراین مسئله ذینفع باشند که ایران بتواند در موقع لازم درمقابل مهاجمه یاتجاوزداخلی ویاخارجی کمونیسم ناشی‌ازمسکو مقاومت‌کند باید قدرت مادی‌ومعنوی مردم بالابرود واین‌بدون بالارفتن سطح زندگی‌ممکن‌نیست برای بالا رفتن سطح زندگی باید سیاست اقتصادی خاصی پیش گرفت که درست در جهت عکس سیاست اقتصادی تراستها یاشرکتهای نفت است.

درصورتیکه سیاست استراتژیکی دول بزرگ غرب وبخصوص امریکا درباره ایران سیاست‌مثبت باشد یعنی‌بخواهند که ایران واقعاً بتواند درصورت لزوم‌درمقابل

کمونیسم مهاجم مسکوئی مقاومت کند قاعدتاً باید یك سیاست اقتصادی در جهت عکس سیاست اقتصادی تراستهای نفت پیش بگیرند . بعضی ها اینطور اظهار عقیده میکنند که گویا سیاست استراتژیك دول بزرگ غرب با سیاست اقتصادی تراستها موازی میباشد یعنی چون ایران ازلحاظ سوق‌الجیشی بآسانی قابل دفاع نیست‌دول بزرگ میخواهند وضع اقتصادی واجتماعی ایران‌خراب باشد تادشمن نیزازاین‌نقطه نتواند استفاده کند بنظراینجانب این عقیده کاملا سخیف‌است زیراا گر اینطورمیبود که دول غرب بخواهند وضع اقتصاد واجتماعی ایران نوعی خراب باشد که رقیب‌هم درموقع لازم نتواند ازآن استفاده کند دراینصورت لازم میآید که رقیب آنها یعنی شوروی بخواهد که وضع اقتصاد واجتماعی ایران بهبودی حاصل کند در صورتیکه عکس این موضوع از اقدامات ستون پنجم آنان مشهود است و علاقه دول غربی و بخصوص امریکا به‌تحکیم مبانی اجتماعی ایران برای‌ایجاد قدرت مقاومت در مقابل کمونیسم متجاوز مسکو اظهرمن‌الشمس است .

آنچه‌بااین سیاست‌استراتژیکی دول‌بزرگ‌تقاطع‌میکند همان‌سیاست‌اقتصادی تراستهاست درحقیقت بین این دوسیاست دول بزرگ غربی درایران تناقض وجود دارد مواجه‌شدن این دوسیاست متناقض‌را درباره انگلستان وامریکا وگروه دیگردول غربی باید علیحده مورد توجه قرارداد . برای انگلستان سیاست اقتصادی شرکت سابق نفت وشرکت‌لاحق عضوکنسرسیوم باندازه‌ای‌اهمیت‌دارد که سیاست‌سوق‌الجیشی را تحت‌الشعاع قرار میدهد بهمین مناسبت‌است که سیاست خارجی بریطانیا درمقابل نهضت ملت‌ایران ودرمقابل ملی‌شدن‌صنعت نفت کاملاصریح وروشن ودرست درجهت خرابکاری اقتصادی واجتماعی بوده وهست‌از این گذشته‌انگلستان درسیاست عمومی خود دراغلب نقاط جهان باشورویها یك سیاست سازشکارانه دارد که لااقل در ایران بنفع کشورما تمام‌نمیشود . ولی این تناقض‌درسیاست امریکا کاملا آشکار وهویداست کمك فنی‌امریکا و کمك‌های نوع دیگرآن دولت درجهت عکس سیاست‌خرابکاری اقتصادیست که شرکت های نفت امریکا وانگلیس در ایران تعقیب میکنند . دولت امریکا ازطرفی سیاست شرکتها را پشتیبانی میکند ولی از طرف دیگر نمیخواهد

ایران آنطوریکه تراستها وانگلستان مایل است ازپا درآید زیرا دراینصورت ممکن است ایران عوض تسلیم شدن در مقابل تراستها درجهت دیگر تسلیم شود پر واضح است که شرکتهای نفت سیاست عمومی را فقط تا حدودی مراعات میکنند که سود بازرگانی مستقیم آنها آنرا تقاضا دارد ولی سیاست عمومی تررا بدول خودواگذار کرده‌اند دولت امریکا بعنوان نماینده کل صاحبان صنایع وتراستها بخود اجازه‌می دهد که باین سودجوئی تنك نظرانهٔ يك‌يا چندتراست اهمیت‌زیاد ندهد و درهرحال سیاست آنهارا باسیاست کلی که مورد نظر دولت امریکاست سازش دهد .

دراینجاست که دولت‌وملت ایران‌میتواندوباید استفاده کند . درمیزان‌سازشی که سیاست عمومی واستراتژیك دول بزرگ و بخصوص امریکا باید باسیاست سود-جویانهٔ اقتصادی تراستها سازش کند درجات مختلف وجود دارد اگر مقاومت ملت و دولت ایران‌بیشتر باشد ودولت امریکادرمقابل يك واقعیت سرسخت واقع شودگذشت بیشتر، بنفغ ملت وبضررتراستهابعمل میآیدولی‌اگرمقاومتی‌وجود نداشت این‌سازش درجهت منافع تراستها پیش میرود .

يك مطالعه دقیق وجدی نشان میدهد که تراستهای نفت امریکا بعکس آنچه معروف است وحزب توده آنرا ترویج داده علی‌رغم احتیاج وحرص‌شان نسبت بنفت ایران رقابتی باشرکت سابق‌نفت نکردند و هرگز کوچکترین‌کارشکنی برای این شرکت بعمل نیاوردند بلکه همه‌جا سیاست شرکت سابق‌را تأیید کرد . اگر دخالت جدی دولت امریکا نبود شاید تراستهای امریکا منافع نفتی‌را درایران بهمان شرکت سابق واگذار میکردند زیرا تراستهای متحد کنونی برای اجتناب ازرقابت که‌بنفع مصرف کننده‌های‌جهان وشرکتهای‌کوچك نفت‌است منابع نفتی دنیارا صلح‌جویانه! بین خود تقسیم میکنند . تازه حالاهم که شريك شدند ضررهای شرکت سابق راهم بشکل غرامت وهم بعنوان تأدیه ششصد میلیون دلار عدم‌النفع جبران کرده‌اند ودر تأسیس کنسرسیوم نیز امتیازات بزرگی برای شرکت سابق قائل‌شده‌اند که ازجمله آنها تأدیه سهم ایران به‌لیره وهمچنین ثبت شدن کنسرسیوم را در لندن می‌توان نام برد .

شرکتی که درلندن به‌ثبت میرسد واحتیاجات فنی دو شرکت هلندی تصفیه واستخراج‌را دردسترس آنها قرار میدهد یك‌امتیاز مهمی‌است که ازطرف کنسرسیوم بانگلستان و شرکت سابق داده شده است این همان رسم معمول شرکتهای بزرگ صنعتی برای پائین آوردن سهم کشورامتیاز دهنده یاصاحب‌نفط است که شرکتهای مستقل در کشور امتیاز گیرنده تأسیس میکنند. این شرکت که درلندن ثبت‌میشود لابراتوارهای تحقیقات علمی‌دارد «پاتنت‌ها» را بشرکتهای‌استخراج وتصفیه میفروشند وحقوقهای گزاف تأدیه میکند و بحساب هزینه تولید میآورد تاسهم ایران کم شودو همچنین‌ماشین‌آلات وغیره درلندن تهیه میشود و منافعی برای شرکت مستقل بدست میآیدوهزینه تولید درایران بالا میرود تاحق ایران عملا از ۵۰ درصدکم شود منظور اینست که شرکتهای‌امریکائی‌نوعی وضع شرکت سابق‌را بهبودی بخشیده‌اند که بقول مجله سپکتاتور انگلیسی « وضعی که درپایان بوجود آمد از بسیاری لحاظ بهتر از وضعی‌است که درابتدای‌شروع آن وجود داشت» منظور اینستکه‌کنسرسیوم‌باندازه وضع شرکت سابق را بهبودی بخشیده است که نه تنها اکثریت در کنسرسیوم دارد ودارای سایر امتیازات است بلکه درنتیجه این مساعدتها باز بقول مجله سپکتاتور انگلیسی « بسیاری ازمطلعین اقتصادی عقیده دارند که ارزش حقیقی سهام شرکت نفط ایران وانگلیس ازاین پس درحدود ۲۰ لیره میباشد ».

مدتی پیش ازاین قیمت سهام اسمی یك لیره شرکت سابق درلندن ۵ لیره بود ترقی‌آن به‌۲۰ لیره‌درتمام‌شرکتهای نفط بی‌سابقه استواین ترقی درنتیجه مساعدتهای گرانبهای تراستهای نفط امریکا باشرکت سابق است که اضافه اعتبارآن شرکت را درحدود سه هزار ملیون لیره یاسه میلیارد بالابرده‌است واینهاهمه بعنوان عدم‌النفعی است که تراستهای دیگر بشرکت سابق در ازاء ۶۰ درصد که بآنها واگذار کرده تأدیه میکند.

منظور، نشان‌دادن این‌حقیقت‌است‌که ملی‌شدن‌صنعت نفت ایران ابداًمحصول رقابت تراستهای نفط امریکا نبود زیرا تراستهای متحد با هم همواره یك کنسرسیوم ثبت‌نشده بوجودآورده وجهانرا بین‌خودتقسیم کرده‌اندوازرقابت باهم چشم‌پوشیده‌اند

درغیر اینصورت نمی‌توانستند ممیزی حمل ونقل وتولیدنفت‌جهان‌را تاحدود نزدیك بصددرصد بخود اختصاص دهند.

اگر تراستهای بزرگ نفت امریکا در کار نفت ایران دخالت میکنند. واگر تسریعی درحل مسئله نفت بعمل‌آمده همه اینها ازلحاظ علاقه سیاسی واستراتژیکی است که دولت امریکا برای توسعه نفوذ خود وجلوگیری از کمونیسم دارد.

اگرسیاست عمومی و سیاست استراتژیکی ایران وجود نداشت و حل مسئلهٔ نفت فقط بخود تراستها واگذار میگردید شاید هنوز عجله بخرج نمیدادند و یك یا دو ویا چند سال نیزصبرمیکردند تا باصطلاح بسر نفط ایران بزنند و آنرا حتی با شرائط بدترمعامله کنند، شکی نیست که تدبیرومساعی شبانه روزی نمایندگی‌ایران نبود که حلّ‌مسئلهٔ نفت را تسریع کرد، بلکه علاقه دول غرب بخصوص‌امریکا بودکه نفت را بنفع تراستها حلّ کرد وبمناسبت هدفهای سیاسی خود درایران درحلّ مسئلهٔ نفت تسریع کردوباندازهٔ‌تراستهاهنوزحوصله‌بخرج نداد. من در فصول‌آینده احتیاج مبرم جهان وتراستها را بذخائرنفت ایران شرح خواهم داد ولی لازمهٔ این احتیاج مبرم این نبود که آنها عجله بخرج بدهند دولت وآقای امینی قدرت تراستها رابرخ ما میکشند واقعاً هم این تراستها خیلی نیرومند هستند ومن ازقدرت و نفوذ بی‌مانند آنها که باید موجب نگرانی ما باشد بحث خواهم کرد ولی از طرف دیگر موقعیت جغرافیائی ما اگرخطراتی را برای ما ایجادکرده است درعین‌حال امکانها وموقعیتی را بما داده است که اگربارزش واهمیت‌آن پی ببریم وبلد باشیم که ازموقعیت خـود استفاده کنیم میتوانیم با قدرت عظیم تراستها مواجه شده وواقع بینانه حق خود را با استفاده ازسیاست مذکوراستراتژیك تأمین کنیم.

بنظرمن اگردرگذشته برای ملی شدن صنعت نفط از این سیاست عمومی و استراتژیکی استفاده شد و پیروزیهائی بدست آمد متأسفانه دولت گذشته نتوانست نتیجهٔ نهائی را ازاین سیاست که ممکن بود بگیرد، ودولت حاضر نیز نتوانسته ازاین موقعیت مهم که بنفع ماست استفاده کند با این فرق که دولت سابق باصطلاح ازآن طرف‌پشت‌بام ودولت لاحق‌ازاینطرف پشت‌بام پائین افتاده‌اند ولی پیش ازاینکه‌اشتباه

دولت گذشته وحاضررا برای استفاده از تناقض این دوسیاست اقتصادی واستراتژیکی وسیاست عمومی شرح دهم باین نکته باید اشاره کنم که اگرما بحث ازسیاست عمومی وسیاست استراتژیکی دول بزرك درایران میکنیم منظوراین نیست که حقی بـرای آنها قائل شویم که درکارهای مادخالت کنند ویا منظورابداً این نیست که آیا ماجزء یك پیمان دفاعی خاورمیانه باشیم یانباشیم وحتی منظوردراینجا این نیست که ما در یك تأمین دسته‌جمعی مستقل ازدوبلوك شرق وغرب شرکت کنیم ویا نکنیم البته اینها مطالبی است که بتنهائی ودرارتباط بامسائل ما نحن‌فیه باید مورد توجه ودقت وبحث کامل قرار گیرد ولی منظورمن دراینجا بحث دراین موضوع است که سیاست عمومی دول وسیاست اقتصادی‌واستراتژیکی آنها نسبت‌بکلیهٔ نقاط‌جهان وازجمله ایران وجود دارد آنها این حق را داشته باشند ویا نداشته باشند درهرحال این حالت وجوددارد، درنتیجه تکامل وسائل حمل ونقل وفنون و صنعت دنیا دارد بیك واحد تبدیل میشود علی‌رغم حق ویا ناحق بودن این‌موضوع درپایتختهای بزرك جهان‌خوابهائی برای‌تمام دنیا میبینند استقلال‌طلبی این نیست که ماآن سیاستهای جهانگیرانه را ندیده گرفته وبگوئیم غلط میکنند وحق مداخله ندارند بلکه برای حفظ استقلال خودمان باید این سیاستها را بشناسیم روابط سیاستهای جهان را با یکدیگروتناقض‌ها وتوازی‌آنها را درك کنیم وبا منافع خود بسنجیم اگر بی‌طرفی امکان‌پذیربود بهترین‌وزیباترین سیاستی بود که ماپیش بگیریم ولی متأسفانه هم موقعیت جغرافیائی ما و هم ضعف ما اجازه نمیدهد که دریك جنك احتمالی بتوانیم بی‌طرفی خودرا حفظ کنیم بنابراین اگرنمیتوانیم بی‌طرفی را حفظ کنیم ولی میتوانیم استقلال خودرا از دوبلوك جهانی حفظ کنیم وباملل ودولی که‌آنهاهم‌مصمم بحفظ استقلال خود ازبلوکهای‌متخاصم‌اند وحدتی ویا بلوك سومی تشکیل دهیم درهرحال من دراینجا درصددبحث وتحقیق‌در این‌مسئله نیستم‌ولی اطمینان دارم که اگر دریك‌جنك احتمالی آینده دوتابلودرشمال وجنوب نصب کنیم که ورود اکیداً ممنوع است ومابی طرف هستیم همانطور که در جنك گذشته‌آن بی‌طرفی را محترم نشمردند این بارهم‌بطریق‌اولی‌محترم نخواهندشمرد ولی اگرما دنباله‌رواین ویا آن بلوك نبودیم و حتی‌الامکان برای حفظ صلح تجزیه

ناپذیر که بنفع دول کوچك است سعی کردیم بهتر میتوانیم حقوق خودرا حفظ کنیم ودرصورتیکه وضع فوق‌العاده پیش آمد استقلال ما ازطرفی مورد تجاوزقرار گرفت میتوانیم‌ازطرف دیگر برای حفظ استقلال خود کمك‌بگیریم درهرحال دروضع‌حاضر هردولتی که‌برای تثبیت اوضاع ایران ازلحاظ اقتصادی واجتماعی علاقمند باشد باید از آن استفاده کنیم بنظرمن برای حل مسئله نفت ما می‌توانستیم وهنوزهم‌اگر مجلس بخواهد می‌توانیم استفاده بیشتری کرده وهم حقوق اقتصادی خود را حفظ کنیم و هم شرائطی بوجود آریم که نتوانند استقلال ملی ما را متدرجاً تحت تأثیر و نفوذ قرار دهند.

امکان حل مسئلهٔ نفت با شرایط مساعدتر ازقرارداد حاضر :

مخالفتی که من با این قرارداد دارم با مخالفت منفی بافان مطلق از طرفی و یا مخالفت منفی افرادی ازنوع دیگرمتفاوت است من جداً بحل شدن مسئله نفت‌ایران علاقمند هستم و آنرا مطابق آمال‌ملّی نیز امکان‌پذیر میدانم ولی‌راه حل آقای‌دکتر امینی را نه با حداقل آمال ملی منطبق دانسته و نه با حداکثر منافعی که برای ایران در شرائط حاضرقابل تحصیل است منطبق میدانم من حتی با تشکیل شدن کنسرسیوم برای خرید نفت شرکت ملی ایران وتوزیع آن درجهان با وسائل حمل و نقلی که تقریباً بطورانحصاری دراختیارتراستهای تشکیل‌دهنده کنسرسیوم است موافق هستم ولی با واگذاری اختیارات ازطرف دولت ایران وشرکت ملی نفط برای اکتشاف و استخراج وتصفیه وبهره‌برداری بآنها مخالف بوده وبا صحت ودقت نشان میدهم که‌این تفویض اختیارات هم مخالف قوانین‌ملی‌شدن صنعت نفط وهم مخالف سایرقوانین‌وبالاتر ازهمه مخالف مصالح ایران ودرست درجهة عکس مصالح و مساعی استکه بقول خود آقای‌دکتر امینی مردم «درسه سال پیش» برای آن «مردانه بپاخاستند تا یکی از پر ثروت‌ترین منابع عایدی خود را در دست گرفته و با تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفط‌درسراسر کشورراه‌را جهة بکارانداختن این صنعت عظیم وتحصیل عایدات‌بیشتری ازآن وامکان ظهوروبروزلیاقت جوانان ایران صاف کردند»

من بخلاف آنهائیکه اقتصاد بدون‌نفط را برای همیشه توصیه میکنند وبابرای

مدت درازی آنرا لازم میشمارند عقیده دارم که اقتصاد بدون نفط فقط برای مدت کوتاهی که دولت بیك راه حلّ شرافتمندانه ومنطبق با حد اقل آمال ملی برسدلازم وضروری است آنهائیکه تعطیل‌شدن صنعت نفت و یا محدودشدن آنرا بحد اقل‌مصرف داخلی‌وغیره توصیه‌میکنند بنظرمن دراشتباه هستند تاریخ نشان داده است هرنهضتی که برنامه خود را عقب‌مانده‌ویارجعت بگذشته منحط قراردهد شانس موفقیت‌ندارد بحوادث وشواهد تاریخی نگاه کنید ازقیام غلامان در رم قدیم تا قرن نوزده و بیست بزرگترین نهضت‌های جهای که برنامه عقب‌مانده داشتند ونخواستند باتکامل وترقی صنایع پیش بروند محکوم بعدم موفقیت شدند بنظراینجانب ملت ایران میتواند و باید نفت خودرا بمقادیرزیاد استخراج کند . درصورتیکه ما بگوئیم که ملت ایران چند هزارسال بدون نفت زندگی کرد ما هم میخواهیم بدون‌آن زندگی کنیم بااین حرف نشان داده‌ایم که لیاقت زندگی درقرن بیست را نداریم ودراینصورت خواهی‌نخواهی‌دیگران برماسیادت‌پیدا کرده‌وازنفت‌هم‌استفاده میکنند بنابراین‌صحیحترین برنامه اینست که ما مطابق روح زمان وموازی با ترقی و تکامل صنعت سعی خود را بکارببریم که ازصنعت نفت‌خود حداکثراستفاده را بکنیم، عرض کردم که این‌استفاده بدون تسلیم شدن بمطامع تراستها امکان‌پذیراست دلیل آن اینست که در زمان دولت سابق چندین پیشنهاد رسیده بود که ازلحاظ تطابق با قوانین ملی‌شدن صنعت نفت خیلی مساعدترازقرارداد فعلی بود وازهمه بهترمدت آنها کم بود مثلاً راه حلی که بانك بین‌المللی پیشنهاد کرده بود برای مدت دوسال بودوازهیچ لحاظ اقلاً نامساعدتر ازقرارداد حاضرنبود در صورتیکه آن پیشنهاد از طرف دولت ایران قبول میشد در مدت این دو سال ایران میتوانست وضع اقتصادی خودرا بکلی بهبودی ببخشد و در تحت تأثیرفشاراقتصادی دول‌بیگانه قرارنگیردتابتواندیك‌راه حل‌عادلانه وشرافتمندانه با شرکت سابق پیدا کنددرصورت قبول‌پیشنهاد بانك بین‌المللی نه‌تنها وضع اقتصادی دردوسال بنفع ایران خیلی بهترمیشد وفرصتی برای پیدا شدن راه حل قطعی‌بدست میآمد بلکه ایران میتوانست روابط خودرا با دولت امریکا به‌بهترین وجهی اصلاح کند وآمریکا را درمقابل یکواقعیت سرسخت نهضت ملی قراردهد و ازعلاقه سیاسی

آن دولت برای تثبیت اوضاع اقتصادی واجتماعی ایران استفاده کرده وبر تراستها فشار بیشتری وارد آرد که در محاصره اقتصادی ایران باشرکت سابق وانگلستان هم آهنگی نکنند دلیل اینکه این سیاست امکان‌پذیر بوده و هست یعنی ممکن بوده و هست که تراستهارا وادار کرد که بدون دخالت دربهره‌برداری واداره صنعت نفت ایران ازتحریم فروش نفت صرفنظر کنند اینست که در نتیجهٔ مقاومت و سرسختی دولت سابق دو پیشنهاد بایران بعمل آمد که بدون دخالت مستقیم تراستها ملی شدن صنعت نفت بمعنی واقعی آن محترم شمرده میشد . تنها عیب آن پیشنهادات مربوط به‌تخفیف در حدود سی وچند درصد وشرایط مشابه بود که درهرحال قابل تحمل و خیلی بهتر از قرارداد کنونی بود ، که این یکی تجدید همان امتیازسابق است . پیشنهاد هندرسن این بود که ۲۰۰ میلیون‌تن‌نفت برای ده‌سال که سالی بیست‌میلیون تن باشد باتخفیف ۳۳ درصد بفروش برسد اگراین پیشنهاد قبول شده بود دولت ازلحاظ اقتصادی‌نجات پیدا میکرد وازلحاظ سیاسی موفقیت‌هائی بدست میآورد وبدون‌اینکه فرماندهی‌یك شرکت ویا کنسرسیومی‌را قبول کند . بدست کارشناسان ایرانی ویا خارجی در تحت نظرشرکت ملی نفت اکتشاف واستخراج‌میکرد ودرضمن عمل بدون‌شك بازاربرای فروش بیشتر نفت پیدا میشد ودرسایه این موفقیت فرصت پیدا میشد که تصفیه خانهٔ آبادان نیز بنفع شرکت ملی نفت کاملاً بکارافتد .

یکی ازنشریه‌ها پس از۲۸ مرداد دراین‌باره مینویسد : «بایستی متذکرشویم که اگراین پیشنهاد بهمین سادگی‌بود وشرایط مخفیانهٔ دیگری نداشته است بهترین پیشنهادی بود که تا قبل ازواژگون شدن دولت سابق بدولت ایران پیشنهاد گردیده است واگردولت ایران آن‌پیشنهادرا نپذیرفت‌فقط ازنظرحق‌طلبی کامل بوده است .»

باید در جواب این آقای «حق‌طلب کامل» عرض کنم که نتیجه آن حق‌طلبی کامل عبارت از قرارداد فعلی کنسرسیوم است . یك سیاستمدار واقع‌بین یك حزب وحتی رهبری یك‌نهضت حق‌دارد ازلحاظ ایده‌آل اجتماعی‌وملی حق‌طلب کامل‌باشد **ولی اگر حق طلبی کامل را خط و مشی روزانه قرار بدهیم نه تنها نمیتوانیم حق کامل خود را بدست آریم بلکه بدلیل همین بی‌سیاستی کار بدست آنهائی میافتد که حق ناقص را نیز بدست نیارند .**

اگرعوض اینگونه حق‌طلبی‌های کامل، سیاست واقع‌بینانه وسیاست حق‌طلبی نسبی پیش گرفته میشد ومثلا همین پیشنهاد دویست میلیون تن نفط با سی‌وسه درصد تخفیف قبول میشد بدون شك نهضت‌ملی ایران دچار وضـع بهتری میگردید . باید توجه داشت که حتی شرکتهای بزرك نفط برای خریداران عمده کـه خریدهای طویل‌المدة تا حدود ده‌سال بکنند در حدود ده تابیست درصد تخفیف قائل میشوند.

اگر ایراد بدولت سابق ازلحاظ سرسختی وحق‌طلبی کامل است که واقع بینی بخرج نداد تا وضع حاضر پیش‌آمد متأسفانه دولت حاضر و هیئت نمایندگی ایران در مسئله نفت خیلی واقع‌بین تشریف دارند و این واقع بینی یك طرفه چشم آنان را خیره کرده و فقط واقعیت سرسخت تراستها را می‌بینند **ولی وسعت نظر سیاسی ندارندکه ارزش‌واهمیت موقعیت‌ایرانرا به‌بینند مابمناسبت موقعیت جغرافیائی و استراتژیکی که در آن موقعیت واقع شده ایم مجبوریم در جریان وقایع بین‌المللی دخالت‌کنیم ومضار حاصل‌ازاین موقعیت را با امکانها وشانسهائیکه همین موقعیت بما داده‌است جبران کنیم** اگر درگذشته ایران توانست اقدامی کند که کشورهای مشابه عراق نتوانستند آن اقدام را بعمل آرند ولی از نتیجهٔ اقدام ما خوشبختانه برخوردارشدند بمناسبت استفاده ازهمین موقعیت جغرافیائی‌واستراتژیکی بود که وضع سیاست عمومی را نوعی تحت تأثیر قرار داده که ما میتوانستیم از آن استفاده کنیم اگر کشتی های جنگی بریطانیا و تفنگداران دریائی و چتربازان نتوانستند تهدیدات خود را عملی سازند برای این بود که **ملت‌ایران وسیاستمداران ما توانستند از این موقعیت استفاده کرده و خلع ید از شرکت سابق کنند.**

دو پیشنهاد اخیر ترومن چرچیل و پیشنهاد هندرسن بهترین دلیل است کـه امکان استفاده از موقعیت سیاسی که در نتیجه موقعیت استراتژیکی بوجود آمده وجود دارد زیرا این دو پیشنهاد اخیر هیچ منافات با ملی شدن صنعت نفت نداشت و اکتشاف و استخراج و تصفیه و بهره برداری را از دست دولت ایران نمیگرفت که تحویل یك شرکت نیرومند خارجی بدهد و درحقیقت خلع ید از شرکت سابق‌را تبدیل بیك‌وضع ید شرکت نیرومندتر کند!

حالا پیش از آنکه من امکان راه حل مساعدتر از قرارداد حاضر را که بنظر اینجانب تجدید همان امتیازی است که سیاست‌های استعماری آنرا تحمیل‌ما کرده‌اند شرح دهم شمه‌ای مختصر وخلاصه وچکیده مطالبی را که بطورتفصیل از روی اسناد و مدارك غیرقابل شك و تردید تهیه شده بعرض آقایان میرسانم :

سیاست استعماری شرکتهای صنعتی بزرك از قرن ۱۹ به بعد و در حال حاضر و شمه‌ای از قدرت تراستهای متحد :

آقای وزیردارائی درسخنرانی خودشان نگرانی مردم را ازمداخله «تاجری که بتواند با حیله برمقدرات او مسلط شود » بی‌مورد دانسته و این نگرانی را ناشی از حس زبونی دانستند پر واضح است که منظور ایشان از « تاجر » شرکت سابق نفت که در نتیجه این قرارداد رسماً « شرکت لاحق » نفت میشود و سایر شرکتهای بزرك نفت است من بدون اطاله کلام جلب توجه آقایان را بتاریخ و آزمایش های یکقرن و نیم اخیر میکنم من تصور نمیکیم آقای امینی با اطلاعات وسیع اقتصادی و اجتماعي که دارند درك نفرموده باشند که سیاست‌استعماری نوین که از کشورهای صنعتی ناشی شده‌است دردوره صنعت نوین یعنی درقرون نوزده وبیست بدست همین تاجرها وبرای خاطر عملیات‌آن تاجرها بوده است بعید است که آقای امینی ازتاریخ استعمار کشور هندوستان بدست آن تاجرها و یا شرکتهائی ازنوع هند و اروپ اعم از انگلیسی و فرانسوی و هلندی مطلع نباشند هم در کشورهای مستعمره و هم در کشورهای مستقلی که سیاست استعمار سعی و کوشش برای اعمال نفوذ میکرده‌است اساس و پایه همان شرکتها و تاجرهائی بودند که جناب آقای دکتر امینی از آنها نگرانی ندارند .

درقرن نوزده زمانیکه صاحبان صنایع ویا بقول‌ایشان تاجرهای صنعت نوین کشورهای خود را از کالاهای تجارتی اشباع کردند در پی بازارهای نوین رو بآسیا و افریقا و غیره کردند این شرکتها و یاتاجرها طلایه‌دار کشتی‌های جنگی بودند و یا کشتیهای جنگی پیشقراولان ورود این شرکتها بودند در اوائل شرکتها کالاهای تجارتی می‌آوردند ومواد خام را برده وکالا ساخته دوباره این بازارها وارد میکردند

در دوره تکامل صنایع اروپا ومخصوصاً انگلیس سیاست صدور کالا موقوف شد وبجای کالا سرمایه باشکال مختلف بکشور های عقب مانده صادر میشد این سرمایه ها گاهی بعنوان قرضه بدول مربوطه داده میشد که صرف تأسیسات صنعتی شود و یا بشکل اعتبارات خصوصی. ولی خشن ترین ومضرترین نوع صدور سرمایه بکشورهای عقب مانده باین شکل بوده و هست که صاحبان صنایع حقوقی مطابق قرارداد ها برای استفاده از منابع زیرزمینی و مواد خام بدست آورده و اکتشاف و استخرج و بهره برداری از آنهارا مستقیماً دردست می گرفتند بعکس سابق که این مواد خام بکشورهای صنعتی حمل و نقل میشدو با قیمت دستمزد گران اروپا تبدیل بکالامی گردید دراین دوره این تاجرهای بی‌ضرر آقای دکترامینی مطابق اصول بازرگانی کاملا مشروع مواد خام را در زمین مفت و مجانی و با دستمزد بمعنی واقعی نزدیك بصفر بکالای تجارتی تبدیل میکردند بعنوان مثال آقایان توجه فرمائید امریکائیها و یا انگلیسها عوض آنکه نفت را در امریکا با حق‌الارضی که درآنجا برای هرمیل مربع کمتر از ۳۷۰ دلار نمی باشد و با مزدیکه در امریکا برای هفته چهل ساعت کار کمتر از ۷۵ دلار نمی‌باشد یعنی‌روزانه تقریباً کمتر از ۱۲ دلار نمی‌باشد درایران باحق‌الارض مساوی صفر ودستمزد مساوی ۳۵ ریال عوض تقریباً یکهزارریال بدست می آورند ولی‌وقتی کنسرسیوم این نفت را در هندوستان یا نقطه دیگر آسیا و افریقا میفروشد بقیمت خلیج مکزیك باضافه کرایه حمل‌و نقل از خلیج مکزیك تا نقطه فروش یعنی این تاجرهای‌بی‌ضرر به تولید کننده یعنی کارگر ایرانی درازاء استخراج تصفیه نفت همان مزد ناچیز را تأدیه میکنند ولی از مصرف کننده آسیائی و افریقائی قیمت نفت را بطوری که مشروحاً و با اعداد و ارقام دقیق متکی به مدارك رسمی همین شرکت ها شرح خواهم داد مطابق دستمزد ۱۲ دلار کارگر امریکائی باضافه سایرمخارج و حمل و نقل با واحد مقیاس اروپائی و امریکائی دریافت می‌دارند.

اگر در قرن نوزده و مخصوصاً نیمه اول آن رقابتی بین این تاجرهای خوب‌و بی‌غرض آقای دکترامینی وجود داشت و از این‌رقابت مصرف کنندگان و کارگران کشورهای عقب‌مانده ودول مربوط بآنکشورها کم‌وبیش می‌توانستند استفاده کنند

در دوره تکامل صنعت یعنی اواخر قرن نوزده و در قرن بیست این رقابت بکلی از بین رفت وقسمت اعظم سرمایه و صنعت کشورهای مترقی دردست عده معدودی متراکم و متمرکز گردید و انحصارها بشکل تراستها و کارتلها بوجود آمدند و تبدیل بیك نیروی عظیمی شدند که حتی دولتهای بزرك خود را نیز ملعبه خود قرار میدادند و میدهند و جهان را بین خود تقسیم میکردند ومیکنند اگر در ظاهر دولتهای بزرك در جنگهای جهانی؛ دنیا را بین‌خود تقسیم میکنند درحقیقت درپشت سر آن دولتها همین تراستها و پادشاهان صنایع جهانند که دولتها را وادار بجنك و صلح میکنند و بازارها و منابع جهان را بدون رقابت با هم صلح جویانه بین‌خود تقسیم میکنند .

شمه‌ای از قدرت کنسرسیوم :

برای توجه آقایان باین نکته که بدون داشتن حس زبونی آیا ملت ما حق دارد نسبت باین کنسرسیوم که اژدهائی نیرومندتر از شرکت سابق است نگرانی‌داشته داشته باشد یا نه ؟ خلاصه وچکیده‌ای ازقدرت مالی و سیاسی این شرکتها که بطور تفصیل تهیه شده در اینجا بعرض میرسانم :

سرمایه شرکت سابق یك‌ششم کوچکترین شرکتهای آمریکائی است که حالا با ما طرف معامله میباشند و سرمایه شرکت سابق یك سیزدهم بزرگترین شرکتهای نفت آمریکاست . قیمت اسمی سهام شرکتهائیکه کنسرسیوم را تشکیل میدهند ٦ میلیارد دلار ولی ارزش واقعی مایملك آنان ۲۰ میلیارد دلار میباشد یعنی سرمایه این شرکتها درحدود ٤۰ برابر بنیه مالی‌ایران ودرحدود ۱٤۰ برابر عایدات سالیانه دولت ایران است . تولید این شرکتها ٥۰ برابر عوائد مالیاتی سالیانه کشور ما و منافع خالص آنها پس از کسر استهلاك ۱۳۰۰ میلیون دلار یعنی ۱۳ برابرعایدات مالی ایرانست یکی از این شرکتها یعنی سوکونی و اکیوئوم در سال۱۹٥۲ مقدار ۹٦ میلیون دلار مالیات بدولت امریکا پرداخته وستاندارد اویل کالیفرنی ٤۱ میلیون دلار ، تکزاس ٤۲ میلیون دلار ، کلف اویل ۱۰ میلیون دلار و ستاندارد اویل اوف نیوجرزی ۲۹۳ میلیون دلار بدولت آمریکا مالیات پرداخته‌اند که مجموع شرکتهای آمریکائی عضو کنسرسیوم منهای شرکت انگلیس و فرانسه و هلند بتنهائی ششصد

وسی میلیون دلار مالیات پرداخته‌اند.

من دراینجا وقت آقایان را باقدرت افسانه‌ای تراستهای جهان مشغول نمیکنم ولی برای توجه آقایان بقدرت سیاسی واعمال نفوذ اجتماعی این تاجرهای معصوم!! و بی‌ضرر آقای دکترامینی تنها بقسمت مختصری اکتفا میکنم، که مرحوم دکترزنگنه در تز دکترای خودش موسوم به «نفت در ایران» که نسخه فرانسه آن در کتابخانه دانشسرای عالی موجوداست، نوشته، است این قسمت درجلد اول جغرافیای اقتصادی تألیف استاد محترم دانشگاه آقـای دکتر عزیزی نیز از صفحه ۱۳۲ تا صفحه ۱۳۵ اینطور آمده است.

درسال ۱۸۷۰ یك تاجر سادهٔ نفت فروش باسم جون‌راکفلر بفکرافتاد که سایر تولید کنندگان نفت را در اطراف خود جمع کرده و تشکیل شرکتی بدهد و همین شرکت است که معروف بکمپانی استانداردداویل گردید البته همین اشتراك مساعی و تمرکز قوا برای تولید واستخراج وفروش نفت باعث صرفه جوئی دربهاء آن گردید و بالنتیجه باعث پیشرفت این مؤسسه گردید بطوریکه سرمایه شرکت که در ۱۸۷۰ یك میلیون دلار بود در ۱۸۷۱ به دو میلیون‌ونیم دلار بالغ شد.

منظور شرکت، انحصار کلیه عملیات تجارتی‌راجع بنفت بود یعنی باستخراج آن توجهی نداشت ولی بعدها راکفلر بفکر افتاد کـه نفت‌را بوسیله لوله‌های عظیم بتصفیه خانه ها یا بندر های صادر کننده آمریکا حمل نماید و ساخت اولین لوله های حامل نفت که در۱۸۷۱ شروع شده بود در۱۸۸۱ تمام شد وازهمین موقع هیچیك‌از تولید کنندگان ناحیه نفت خیز نمیتوانستند از کمك جون‌رکفلر بی‌نیاز باشند هر وسیله‌ای غیر ازلوله ها برای حمل ونقل نفت گرانتر تمام میشد کـه تصفیه کنندگان جزء، ویاتجار، همه، یاجزو شرکت اوشدند یاازبین رفتند.

کمپانی استاندار اویل در ۱۸۸۲ سرمایه اش را به ۷۵ میلیون دلار رسانید و بدین طریق سیادت‌را دربازار آمریکا بدست آورد. درهمین موقع کـه اولین مؤسسه ایکه عنوان تراست دارد تشکیل میشود و۳۹ کمپانی که تمام اسم استانداردداویل را داشتند باهم متفق القول شدند کـه اداره عمومی شرکت را بدست اعضای یك کمیته

نه نفره که معروف به‌هیئت نظارمیباشد (ازجمله رو کفلر معروف بود) بسپارد وقرار شد تراست درواقع امانت‌دارکلیه سهام شرکت های مختلف بشود ودر عوض شرکت تصدیق‌هائی به‌آنها خواهد داد .

در ۱۹۱۰ استانداردداویل باوج قدرت خود رسید وبیش از ٦٤ هزار کیلو متر لوله حمل نفت یعنی ۹۵٫ز کلیه لوله های آمریکا را دارا شد وبنا براین تولید نفت آمریکارا دردست گرفته وقسمت اعظم نفت دنیارا اداره میکرد .

البته نباید تصور کرد که برای رسیدن بدین نتیجه و هدف ویاجهت مغلوب نمودن وازبین بردن رقیب های خودکمپانی راکفلر مجبور بمنازعه سختی نشدبلکه بهروسیله‌ای که ممکن بود جون‌راکفلر متشبث شد و در نتیجه برای وصول بمقصود غائی‌خود استانداردداویل‌عمالی دربین قضات‌وکارمندان عالی‌رتبه حکومت وشهر های اتازونی وحتی دربین اعضای کنگره آمریکا پیداکرد ومخصوصاً کمپانیهای راه آهن اتازونی دردست وی بمنزلهٔ اسلحهٔ خطرناکی بودند زیراکلیه راه‌آهن های اتازونی تحت اداره شرکتهای خصوصی وباپول آنها ساخته شده بود واینها هم باتراست نفت همدست شده بودند ومثلا همینکه شرکت بزرگی باسم شرکت حمل ونقل لوله های نفت اتازونی خواست باتراست نفت رقابت کند چون استانداردداویل قبلا تمام اراضی راکه لوله های حمل نفت کمپانی بایستی برای رسیدن به‌بندر تصفیه وخروج ازآنجا عبور نماید خریده بود و کمپانی راه خود را مسدود دید بنابراین ناچار شد که بوسیله راه آهن به‌حمل ونقل نفت بپردازد ولیکن نفتی که ازشرکت های رقیب راکفلر میآمد بآسانی مخزنی‌درایستگاههای‌راه‌آهن آمریکا پیدانمیکرد ودرصورت فرستادن چند واگن هم از طرف اداره راه آهن ، هزینه حمل ونقل بسیار زیاد تمام میشدو مدت طولانی هم بایستی صرف شود تا بمقصد نرسد ولی استاندار اویل برای اینکه بیشتر از سیادت خود خاطر جمع شود مقداری ازسهام شرکت های راه آهن را خرید وعمالش را درجزءِ اعضاءِ هیئت مدیره این شرکتها داخل نمود بطوریکه بعدها در نتیجه بازرسی که کمیسیون اتحادیه بازرگانی بعمل آورد معلوم شد که کمپانیهای راه آهن با نواع و انحاء مختلف رقیب های استانداردداویل را وادار

بپرداخت اضافه قیمت هائی مینمودند و این اضافه قیمتها گاهی از ٦٣ تا ۳۳۳ در صد نرخ معمولی بود . از طرف دیگر سیاست تراست نفت ایجاب مینمود که شرکتی باسم (اصلاح جنوب) تأسیس شود و این شرکت بوسیله قانونی که بتصویب کنگره رسید حق خلع ید اشخاص را از این اراضی بدست آورد و البته این مطلب خود اسلحه دیگری بود برضد رقبای کمپانی استاندار اویل ، و همین که استاندار اویل باوج قدرت رسید از سیادت خود سوء استفاده هم نمود یعنی مصرف کنندگان آمریکائی مجبورشدند باصطلاح « تاوان » وجریمه‌ای هم بکمپانی بدهند تا او بااین مبلغ بتواند بازار جهانی نفترا بدست آورد لیکن کم کم عقیده عمومی در اتازونی برضداستانداراویل قیام کرد ومحکمه عالی « اوهیو » شرکت اصلاح جنوب را محکوم نمود و کنگره مجبور شد قانونی راکه برای این امر تصویب نموده بود الغاء کند وهمینکه درتعقیب آن قانون قانون دیگری شکل تراست نفترا هم غیرقانونی تشخیص داد در ۲۱ مارس ۱۸۹۲ هیئت نظارت استاندار رأی بانحلال تراست داد اما نباید تصور کرد که راکفلر مردی بود که بااین زودی وآسانی مغلوب شود .

این شخص طوفانرا گذاشت رد شود و توانست ازحکم قضات و رأی محکمه سرباز زند بدین طریق که تحت اداره‌مستقیم وشخصی بتأسیس شرکتی باسم‌شرکت « استاندار اویل اف نیوجرزی » پرداخت که۱۰۰ میلیون دلارسرمایه داشت وقسمت اعظم سهام سایر کمپانیها را هم خرید ودر عوض تنها سهامی را بایشان واگذاشت که حق استفاده ازسود را فقط می‌داد وتراست نفت بدینوسیله توانست همان روش قدیم‌و سیاست‌های‌قبلی را اعمال کند (توضیح آنکه‌قوانین‌حقوقی‌معموله‌در دولت‌نیوجرزی برخلاف‌قوانین سایرشهرستان های اتازونی ،مغایرتی باوجود شرکت استانداراویل دراین وضع نداشت) در انتخابات ۱۹۰٤ ، حزب دموکرات در اتازونی حکومت را دردست گرفت وتئودور روزولت‌دشمن خونی استاندار اویل بریاست جمهوری‌انتخاب شد . حکومت اتازونی میگفت که کمپانی‌استاندار اویل اف نیوجرزی شرکتی‌است غیر قانونی وبوسیله جبر و عنف و تهدید و بازداشت وسایر عملیات غیر قانونی روش تجارت آزاد را از راه خود منحرف کرده و محکمه انجمن عالی اتازونی در ۱۹۱۱

بدون حق استیناف تصمیم محکمه سن لوئی را کــه رأی بانحلال استانـدار داده بود ابرام نمود .

چون راکفلر بازهم سودای مغلوبیت را دردماغ خود راه نداد ودرحالتی که وانمود میکرد که باتصمیم دادگاه موافق‌است ، درحقیقت فقط شکل تراست راتغییر داد وششصد میلیون دلار سرمایه شرکت سابق‌را بین ۳٤ شرکت که در ظاهر ازهم جدا ومستقل بودند وهریك‌اسم استاندار اویل باضافه نام دولتی راکــه مرکز عمده شرکت درآنجا واقع شده‌اختیار کرده بودندتقسیم نمود مثل استاندار اویل کمپانی اف نیویورك وغیره ویك کمیته مرکزی باسم (اداره مدیران کمپانی استاندار اویل) آنهارا بطور سابق اداره میکرد .

در هرصورت روز بروز اقتدار استاندار اویل زیادتر شد بطوری کـه سرمایه اش بیك میلیارد دلار وهزینه سالیانه آن تقریباً بهمان مقداربالغ شد . لیکن پس‌از جنك اول بین المللی اوضاع تغییر کرد بدین معنی کــه حکومت اتازونی در نتیجه خدمتی که استاندار اویل درزمان جنك بوسیله ارسال نفت باروپا به‌متفقین نموده‌بود حس بد بینی خود را نسبت بشرکت تغییر داد ودر ضمن ترقی سریع شرکت هــای خارجی مانند رویال دوچ شل و حملات این شرکت برعلیه استاندار حس غرور ملی را درآمریکائیها برافروخت ووقایع جنك نقش مهمی‌راکه نفت درهرجنگی بــازی می کند درانتظار جهانیان عموماً وآمریکائی ها خصوصاً روشن گردانیده بود ».

ممکن است روزنامه های دولتی این دواستاد دانشگاه را بمناسبت نوشتن این مطالب توده‌ای‌معرفی کنند ولی یقین دارم آقایان درمیهن پرستی این دواستادتردید نداشته باشند و مخصوصــاً مبارزات مرحوم دکتر زنـگنه را بــا توده ایها فـراموش نکرده باشند .

بااین قدرت مالی و نفوذ سیاسی و اجتماعی تراست های نفت وباغیرآن درهر نقطه‌ای ازجهان درهرنقطه از کشورهای مترقی وباعقب مانده جهان پایگاهی‌بدست میآرند وباصطلاح سرپلی ، و یانقطه اتکاء اهرمی بدست میارند سیاست و همه چیز را بــالمره بنفع خود بحرکت درمیآرند شرح جنایاتی که بدست شرکت های صنعتی

درقرن نوزده وبیست پیش آمده است مثنوی هزار من کاغذ میشود . همین شرکت‌ها وسرمایه های صادرشده هستند که در کشورهای صنعتی‌درآسیا وآفریقا بزرگترین خونریزی های تاریخ بشر را بوجودآورده اندآقایانی کـه فیلم معروف «تاآخرین نفس» راکه بدست میلیون متعصب‌آلمانی تهیه شده بود دیده‌اند می‌توانند تخمینی از جنایات آنها بزنند این شرکت ها حتی درآفریقا و نقاط دیگر در سرزمینهای بزرگی ، بومی هارا قتل عام کرده ودرمناطق قطع نسل کرده‌اند .

درقرن بیست حتی در کشور های اروپائی این تراستها باپارلمانها بازی کرده آنهارا میخریده اند پس از جنك اول جهانی در آلمان یکدفعه موج ناسیونالیستی بوجود آمد ومصرف نفت آمریکائی‌تحریم شد درآنروز ها تب ناسیونالیستی عجیبی آلمان را از راشیتاك ، تاجرایدفراگرفت‌اما درآن زمان هنوز تراستها مانند امروز متحد نشده بودند ویك کنسرسیوم‌ثبت نشده در تمام کره زمین بوجود نیاورده‌بودند دراوج تب ناسیونالیستی که آلمان دچار آن شده بود یك مصاحبهٔ مختصر و مفید در دفتر یکی ازمدیران تراست رقیب ، پرده ازروی این توطئهٔ تبلیغاتی عظیم برداشت ومعلوم شد که در پشت سر آنهمه جدیت برای تحریم نفت آمریکا منافع مسترد تر دینك دیکتاتور یا سلطان نفت هلند کـه درخدمت سرمایه های انگلیس بود قرار دارد . ازاین نوع امثله که تراست ها چگونه پارلمان‌ها بوجود میاورند ، حکومتها میبرند ومیارند وبااستقلال ملی ملل بازی میکنند ، کودتا ها بوجود میارندفراوان است عده زیادی ازحقوق‌دانان محترم و روزنامه نگاران آبرومند در اروپا وآمریکا وجود دارند که آنها خود میلیادر نیستند ولی‌کاری میکنند کـه استاندارد اویل ها ورکفلر ها بامجالس مقننه وحتی باکنگره آمریکا بازی کنند .

این‌حقوق دانان محترم‌ودانشمند، وجنتلمن ، ازنوع همان حقوق دانانی‌هستند که اخیراً بین تهران وواشنگتن ولندن‌درنوسان ورفت وآمد دائمی بودندوبمناسبت عقد قراردادی کـه سرنوشتش اینك دردست شماست ازطرف دول نیرومند تقدیر و تشویق شدند وبمقامات بزرك ارتقاء رتبه یافتند آیا این ارتقاء رتبه بمناسبت خدماتی بود که بملت ایران انجام داده اند ! ؟

بازار نفت ایران و احتیاج مبرم جهان :

آقایان ، درست بمناسبت این‌قدرت عظیم‌جهانی‌تراستها ؛ نه صلاح ما درین‌است که مطابق تظاهرات منفی بافان آنها را ندیده گرفته ویا باآنها در بیافتیم و نه صلاح ما درانیست که حق قانونی آنهم برای مدت چهل سال دیگر برای آنان قائل شویم که فرماندهی بزرگترین صنعت‌ودرحقیقت‌کلیدصنایع ایرانرا دردست‌آنها بگذاریم تا پایگاهی برای اعمال نفوذی گردد که خاصیت طبیعی وغیرقابل اجتناب آن واحد صنعتی نیرومنداست جناب‌آقای امینی این روزها زیاد از زبونی بحث فرمودند اگر ما میگوئیم که برای مدت چهل سال دیگرسرنوشت چند نسل دیگر را مطابق یك قراردادی که بآن جنبه بین‌المللی میدهند در ید قدرت نیرومندترین واحد صنعتی جهان نگذاریم‌گویا این ناشی از حس زبونی است ولی‌آقای امینی برای ملت ایران لیاقت اداره یك مؤسسه تجارتی را قائل نیستند ایشان نه تنها برای نسل حاضرلیاقت اداره کردن صنعت نفت را مطابق عقیده کنسرسیوم قائل نیستند بلکه از نسلهائیکه تا چهل سال دیگر میآیند نیز سلب لیاقت میکنند . (دکتر امینی ـ لیاقت دارند سرمایه ندارند) .

آقای امینی کـه برای خود لیـاقت وزارت دارائی کشور شاهنشاهی ایرانرا قائل است (دکترامینی ـ خیرقائل نیستم) (قنات آبادی ـ آقای‌امینی خیلی بالاتر از اینها فکر میکنند) . آیا در عین حال لیاقت اداره یك مؤسسه تجارتی و صنعتی را نیز قائل میباشند یا نه ؟ آیا ایشان بقدرآن تاجریکه ما را تشویق به نترسیدن از او میکنند لیاقت دارند یا نه ؟ اگر لیاقت دارند عوض‌آن تاجرخود ایشان مدیرعامل شرکت ملی نفت باشند و با یك عده دیگر از افراد لایق ایرانی که هم اکنون و در گذشته دررأس ادارات اقتصادی مهمی‌مانند بانك بین‌المللی و غیره بودند شرکت ملی را بعنوان هیئت مدیره اداره کنند واگرلایق تصفیه کردن نفت نبودند نفت خام تهیه کننده و مطابق پیشنهاد هندرسن بدنیا بفروشند و کنسرسیوم نیز با ما یك قرارداد واقعاً خریدوفروش منعقد کند ولی دراداره امورصنعتی واقتصادی مادخالت ننماید . اگر آقای امینی برای خود وهموطنان معاصر خود لیاقت اداره صنعت خود را قائل

نیستند لااقل حق ندارند برای پسر خود و پسر پسرخود و نسلهای معاصر آنان نیز لیاقت قائل نباشند و از هم اکنون سرنوشت آن نسلهارا با این قرارداد چند میخه برای چهل سال تسجیل کنند . اگر این زبونی نیست پس دیگرچه معنی دارد (آقا این یادداشتها را هر کس مینویسد امضاء کند تا بنده بدانم کدام یك از آقایان اظهار لطف میکنند) .

رئیس ـ چیست آقا

درخشش ـ شوخی میفرمایند . چندی‌است اداره کل تبلیغات ما شب و روز بگوش مردم میخوانند که نفت ایـران بازار خود را از دست داده و دنیا احتیاج به نفت ماندارد واین علاقه شرکتهای نفت باستقلال‌ایرانست که لطفاً نفت مارا استخراج میکنند و بخصوص گویا احتیاج به نفت تصفیه شده ایران اصلا وجود ندارد و بهمین مناسبت و برای تشویق شرکتها به بالا بردن مقدار استخراج حتی همان اصل پنجاه پنجا اسمی را نیزدرباره تصفیه خانه قبول نکرده‌اند (بعضی‌ازنمایندگان ـ تنفس آقا)

رئیس ـ تنفس لازم نیست ٥ دقیقه دیگر جلسه را ختم میکنم بفرمائید ،

درخشش ـ من پیش از اینکه با دقت علوم ریاضی نشان دهم که این قرارداد همان امتیاز معمولی است با تکیه بچکیده ارقام واعدادیکه ازاسناد ومدارك منتشره از طرف همین شرکتها اخذ شده و متن آنرا بعد حضور آقایان قرائت خواهم کـرد نشان میدهم که هم بازار نفت ایران از بین نرفته و هم احتیاج مبرم بنفت ما وجـود دارد وهم‌نوع نفت وبنزین ایران برای هواپیمائی سریع‌السیر که در جنگها بخصوص یك عامل اساسی شده است صرف نظرنکردنی است .

نفت امریکا و احتیاج مبرم جهان بنفت خاورمیانه وبخصوص ایران .

اولاً باین نکته اشاره میکنم که ارزش مواد سوختی امروزیکی ازبزرگترین فصول مدنیت است رفته رفته سوختهای مدرن جانشین موادسوختی قدیم میشود ولی هر گز یك ماده سوختی مواد دیگر را نمیتواند بکلی از بین ببرد منظور اینستکه بفرض اینکه انرژی اتمی قابل استفاده برای صنعت گردد هر گـز ارزش نفت بایـن آسانی ها از بین نخواهد رفت مثلا آمریکا در سال ۱۹۲۸ سی و سه در صد نیروی

تولیدی خود را بوسیله نفت بدست میآورد و درسال ۱۹۴۹ شصت وپنج درصدنیروی تولیدی بکمك نفت است و ذغال سنگ باز اهمیت خود را حفظ کرده است ومثلا در کوره های ذوب آهن محال است که نفت یا دیگر مواد سوختی جانشین ذغال شود .

خـلاصه با مختصر توجهی معلوم میشود اهمیت نفت و مصرف آن در هر سال رو بازدیاد است : در سال ۱۹۴۹ در آمریکا ۴۹ میلیون اتومبیل بوده و ۷۰ در صد وسائل خودروجهان در آمریکاست وسه‌چهارم‌مصرف بنزین جهان مختص آمریکاست. ذخیره امروزی آمریکا بادرنظر گرفتن افزایش مصرف نفت آنکشور فقط برای مدت دهسال کفاف میدهد آنها مجبورند اولا ذخیره نفت را درنقاط دیگر دنیا ازهم اکنون بدست آرند وثانیاً استخراج در کشور آمریکا را هم برای ارزانی نفت خارج از آمریکا و هم برای اینکه درموقع جنگ بطورمطمئن نفت برای صنایع خود داشته باشند کم کرده واردات نفت را به آمریکا ازدیاد دهند .

ده درصد مصرف نفت آمریکا فعلا از خاور میانه تأمین میشود .

اشکالات اکتشاف و استخراج نفت در امریکا از لحاظ فنی :

تولید متوسط هرچاه درآمریکا۱۲/۷بارل درشبانه روزاست ازمجموع ۴۵۰۰۰۰ چاه موجود در آمریکا فقط ۵۰ هزار آن بدون تلمبه وبافشار گاز کار میکند و۴۰۰ هزار چاه با تلمبه نفت را بالا میآورد در صورتیکه مثلا یکی ازبهترین چاههای نفت ایران در لالی ۱۴ هزار بارل در روز نفت میدهد یعنی هزار برابر متوسط تولید هر چاه نفت ایران در مقایسه با چاه نفط آمریکا ۵۰۰ برابر است درآمریکا مثل اینکه باقطره چکان باید نفت را ازاعماق زیاد ، روی زمین آورد درایران‌عمق متوسط چاهها از ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر است در صورتیکه درآمریکا درسال۱۹۳۹ عمق ۱۱۰۰ متربوده و در سال ۴۹ به ۱۲۶۰ متر رسیده وهرسال باید ۲۵ متر پائین تر بروند اشخاصی که از اشکالات فنی ومخارج عظیم چاه درعمق زیاد اطلاع دارند میدانند که مزیت ایران بامریکا و کشورهای مشابه چقدر است .

در مدت ده سال یعنی از ۳۹ تا ۴۹ مقدار چاه نفت امریکا ۳/۵ برابر شده در صورتیکه ذخیره نفت فقط ۱/۵ترقی کرده واکیپهای لازم برای استخراج نیز دوبرابر

شده این ارقام نشان میدهد که چگونه در امریکا رفته رفته مشکلات اکتشاف عظیم تر و مخارج کمر شکن تر میشود .

هزینه استهلاك هر بارل نفت در آمریکا و ایران و سرمایه بکار افتاده در مقابل یك بارل نفت استخراج شده :

اطلاعات و ارقام مندرج در عرایض اینجانب اغلب مستخرج از مجله امریکائی « ارقام و اطلاعات مربوط بصنعت نفت » است و همچنین از کتاب (نفت عـربستان) تألیف مایکسل امریکائی و بیلان شرکت ها وشرکت نفت انگلیس استفاده شده این ارقام و اعداد غیر قابل انکار مشکلات فنی و در عین حـال مقدار سرمایـه لازم برای هر کدام از نفت آمریکا و خاورمیانه را نشان میدهد .

محاسبه‌ای براساس تولید ۵ شرکت بزرگ آمریکانشان‌میدهد که‌نفت استخراج شده در خارج آمریکا برای شرکتهای ۵ گانه بزرگ هر بارل ۱۳ سنت تمام میشود ولی هر بارل نفت خود آمریکا برای شرکت ها ۱/۳۳ دلارتمام میشود یعنی ده برابر گرانتر مطابق ارقام کتاب (نفت عربستان) بارل نفت درخارج آمریکا برای سرمایه داران آمریکائی ۱۲ سنت و در خود آمریکا هربارل ۱۲۹ سنت تمام میشود . ارقـام منتشره از طرف شرکت سابق که بموجب قرداد آقای امینی شرکت لاحق میگردد هزینه **اکتشاف و بهره برداری در سال ۱۹۵۱** در ایران برای هـر بارل یك سنت بوده ولی هزینه اکتشاف فقط برای بارل یکدهم سنت و برای چاه زنی نیز یـکدهم سنت که مجموعاً دودهم سنت میشود این‌هزینه درسال۱۹٤۹برای ونزوئلاو کشورهای مشابه ده سنت و برای آمریکا ۵۰ سنت بوده است ، اداره کل تبلیغات ما خوبست این اعداد را برای مردم ایران بخواند تا آنها بدانند که هزینه اکتشاف دو دهم سنت در مقابل ۵۰ سنت نیروی جاذبـه عجیبی پیدا میکند کـه شرکت های نفت را بایران بکشاند **ولی اعدادی که از طرف رادیو ایران گفته میشود سزاوار است که از فرستنده های تراستهای نفت فرستاده شود !**

درآمریکا در مقابل هرقدم عمق چاه اکتشافی ۱۰۰ بارل ذخیره کشف میشود ولی در ایران هرقدم عمق چاه اکتشافی ۷۰۰۰۰ بارل ذخـیره کشف شده است یعنی در ایران هرقدم عمق چاه اکتشافی ۷۰۰ برابر بیشتر از آمـریکا ذخـیره کشف شده

دارد حال توجه باین نکته میکنیم که در آمریکا وخاورمیانه و بخصوص ایران برای هر بارل نفت تولید شده چقدر سرمایه بکار میرود و یا حبس میشود ، از ارقام مندرج در بیلان سال ٤۹ شرکت سابق این رقم در ایران برای تولید وتصفیه ٦۰ سنت است در همـان سال در ونزوئلا عوض شصت سنت ۳/٥ دلار است برای تولید و تصفیه در ونزوئلا ۱۲ برابر ایران سرمایه بکار افتاد وحبس شده درسال ۳۷ در آمریکا درمقابل شصت سنت که برای هر بارل در ایران سرمایه حبس میشود در خود آمریکا ۹ دلار ولی بنا بیك حساب دقیق و واقعی در آمریکا سرمایه حبس شده برای هر بارل نفت تولید شده ۲٥ تا ۳۰ برابر ایران است در آمریکا برای هر میل مربع ؛ شرکت ها ۳٦۰ دلار حق الارض پرداخته اند کـه در یك سال ۱۱۰ میلیون دلار شده است در ایران برای هرمیل مربع صفر دلار میپردازند و یك شرکت مـوسوم بشرکت ملی نفت وجودخواهد داشت که این اراضی را باسرعت ودقت زیاد مفت ومجانی درخدمت آنان قرار دهد ! اینها زبان اعداد ارقام است تبلیغات گمراه کننده نیست .

سودیکه از بارل نفت در امریکا و در خاور میانه میبرند

در خود آمریکا شرکت ها از هر بارل نفت خام ۳۰ تا ٤٤ سنت نفع میبرند در سال ۱۹٤۹ منافعی راکه از خاور میانه قلمداد کرده‌اند دومقابل نفعی است که در آمریکا میبرند ولی بفرض اینکه این نفت با مخارج حمل و نقل گران بآمریکا حمل میشد ولی در حقیقت در نیمکرهٔ شرقی بدون خرج حمل و نقل زیاد باین عنوان فروخته شده مثل اینکه از خلیج مکزیك بنیم کره شرقی حمل شده باشد و مخارج حمل و نقل نیز از جیب خریدار ومصرف کنندّه شرقی بیرون‌آمده درحقیقت در آن سال سه برابر سود حاصل ازنفت‌آمریکا از نفت خاور میانه برده‌اند .

مطابق حساب دقیق درسال ٤۹ از هر بارل نفت تصفیه شده ۸٦ سنت یعنی بیشتر از ۲/٥ برابر سود نفت تصفیه شده در آمریکا از نفت تصفیه شده خاور میانه میبرند .

این در صورتیست که قیمت خام ۲/۷٥ دلار معادل قیمت خلیج مکزیك

حساب شود و الا سود حاصل از نفت تصفیه شده خاور میانه ۰/۵ برابر نفت تصفیه شده آمریکاست .

دستمزد و حقوق کارمندان در استخراج و تصفیه و مقایسه آن با فروش و عایدی

مطابق بیلان شرکت سابق در ۱۹۵۰ هزینه استخراج بارل نفت خام از لحاظ دستمزد کارگران و کارمندان خارجی وداخلی آنطوریکه علیحده بطور مشروح بیان خواهد شد مجموعاً ۲۸ سنت برای بارل تصفیه شده است .

و بطور خلاصه هر بارل نفت خام صادره از ایران ۱٤/۷ سنت وتصفیه‌شده ۵۰/۷ سنت تمام شده است و قیمت فروش بارل نفت خام درآنسال ۲/۰۷ دلار وبارل تصفیه شده ٤/۰۱ دلار بوده .

بنا بر این درسال ۱۹۵۰ نفت تولید شده باینقرار بوده : خام ۱۲۲ میلیون دلار وسه چهارم دیگر تصفیه شده ۷۵۰/ میلیون‌دلار و مجموعاً ۸۷۲ میلیون دلار ؛ هزینه استخراج وتصفیه ۹۸ میلیون دلار بنابراین رویهمرفته ۷۷٤ میلیون دلار سود برده شد .

رئیس ـ گزارش کمیسیون خاص نفت مطرح است . آقای درخشش دنبالهٔ بیاناتتان را بفرمائید .

درخشش ـ از جناب آقای نخست وزیر اظهار تشکر میکنم که تمام نطق بنده راکه در جلسه قبل کردم در رادیو قرائت کردند (یکنفر از نمایندگان ـ خودشان که قرائت نکردند دستور فرمودند قرائت شود) بقدری غلط بود که سر و ته نطق معلوم نشده عده‌ای از رفقای من مراجعه کردند به بنده که کوشش بکنم مطالب راکوتاه بکنم و نطق راکوتاه بکنم (صحیح است) (یکنفر از نمایندگان ـ بسیار خوب است) البته بنده اینکار راکردم و کوشش کردم که صحبتهایم کوتاه باشد ولی تصدیق میفرمائید که یك قراردادی ، یعنی یك کتابی که بنام قرار داد داده شده و در حدود ٤۵ الی ۵۰ صفحه است بایستی روی مطالبش صحبت بشود ، غور بشود ، بحث بشود (صحیح‌است) ومخصوصاً وضع‌این قرارداد طوریست که بیست دوره‌دیگر

یعنی چهل سال دیگر حتی تجدید نظر در این قرارداد برای مجلسین باقی نخواهد ماند (یکنفر از نمایندگان ـ همه قرارداد ها همینطور است) بنابراین بنده عرض میکنم که برای این قیدی که گذاشته شده است از آقایان استدعا میکنم امشب که تشریف بردند منزل، اگر این قرارداد راقرائت نکرده‌اند قرائت بفرمایند و ببینند که چنین قیدی هست در جراید هم این قید منعکس شده (شمس قنات آبادی ـ هیچ مجلسی نمی‌تواند عوض مجالس آینده رأی بدهد) البته نمیتواند و بهمین دلیل بنده با اینکه‌مطالبم رافوق‌العاده کوتاه کردم‌ومقدار زیادی از مطالب را کنار گذاشتم که تصور نشود خدای نخواسته بعلت اینکه نطقم زیاد است میخواهم وقت مجلس را تلف کنم وازوقت‌خودم آنطوریکه بایدوشاید استفاده بکنم. اینك بقیه قسمت‌جلسه قبل را قرائت میکنم.

مطابق قرارداد جدید حداکثر برای ایران ۸۵ سنت درنظر گرفته شده ولی درنتیجه‌کم کردن استهلاك عملا ۷۰ سنت میرسد بنابراین سود شرکتها ۲/۷ برابر ایران میگردد درصورتیکه تنزل قیمت راکه پیش خواهدآمد درنظر بگیریم سود آنها ۳/۵ برابر ایران خواهد شد. این سود سرشار ازنفط تصفیه شده درپالایشگاه آبادان ازجمله باین مناسبت است که در تصفیه خانه‌های آمریکا برای ٤۰ ساعت‌کار در هفته ۷۵/۵ دلار تأدیه میشود که در مقایسه با مزد نا چیز کارگران آبادان سود حاصل ومحروم شدن ایران حتی از ۵۰و۵۰ درنفت تصفیه شده‌واضح میشود. دراینجا بنده ثابت میکنم **قیمت خلیج فارس، قیمتی که تعیین کرده‌اند قیمت تصنعی‌است قیمت حقیقی نیست:**

شرکتهای بزرگ نفط که جهان را از لحاظ منافع نفتی بین خود تقسیم کرده‌اند و رقابت باهم نمیکنند ماجرای‌شنیدنی قیمت تصنعی خلیج فارس‌را درست کرده‌اند که قیمت واقعی‌را پائین آورده وسود حاصل از فروش نفط را درخاورمیانه پائین‌آرند تا ۵۰ درصد سود کشورهای صاحب نفط کم شود.

فروش نفط به شرکتهای بازرگانی مشابه، که در قرارداد حاضر اسم برده شده بقیمت نازل و ساختگی خلیج فارس فروخته میشود ولی این شرکتها آنرا بقیمت

گرانتر می‌فروشند این شرکتهای بازرگانی همان‌شرکتهای بزرگ نفط هستند که باشکال مختلفه متشکل میشوند.

درهرحال قیمت نفط درخلیج فارس مساوی قیمت نفط درخلیج مکزیك است منهای مخارج حمل از خلیج فارس تاخلیج مکزیك ، فرض اینست که نفط خاور میانه باید برود درخلیج مکزیك وبتواند بانفط آمریکا رقابت کند ولی عملا قسمت اعظم این نفط بامریکانمیرودبلکه‌درنیمکره‌شرقی مثلابکشورهای‌هندوستان‌واسترالیاوافریقای جنوبی و ژاپن و بالاخره بممالك اروپائی و غیره فروخته میشود خریداران این نفط را بقیمت خلیج مکزیك باضافه مخارج حمل و نقل تا مقصد و محل مصرف خریداری میکنند. ملاحظه‌میشود وقتی‌صحبت‌خریدنفط ازصاحبان معادن نفط خاورمیانه‌است مخارج حمل‌ونقل ازخلیج فارس تاخلیج مکزیك ازقیمت کم‌میشود ولی وقتی‌موضوع فروش همان نفط بکشورهای مصرف کننده درخاورمیانه ویا نیمکره شرقی است آن طور فروخته میشود مثل اینکه این نفط بخلیج مکزیك رفته باشد و مجدداً ازآنجا برگشته‌باشد . تمام مخارج حمل‌ونقل فرضی وخیالی ازخریداران گرفته میشود طبق مدارك موجود، شرکت سابق هرگز نفط ایران یا خاورمیانه را به‌قیمت خلیج فارس بمشتریان آزاد و شرکتهای مستقل نمی‌فروخت و همواره متعذر میشد که نفط خود را پیش فروش کرده است و هرگز تحویل‌آبادان وغیره نمیفروخته است ، همان کاری راکه حالا کنسرسیوم عمل خواهد کرد . نفط ملی‌شده ایران بقیمت خلیج فارس از ایران خریداری میشود ولی‌بهیچکس واقعاً باین قیمت فروخته‌نمیشود عملا بقیمتی فروخته میشود مثل‌آنکه از خلیج‌فارس بخلیج مکزیك رفته و دوباره بمحل فروش حمل‌شده بعنوان مثال نفط ایران‌درپاکستان‌وهندوستان بقیمت گران خلیج‌مکزیك باضافه مخارج حمل‌ونقل تا هندوستان فروخته میشود. شرکت سابق مدعی‌است که‌در نتیجه خریدن نفط ازخلیج مکزیك ٦٦ میلیون لیره ضرر کرده است واین‌جریمه‌را آقای دکتر امینی باو پرداخت. در صورتیکه شرکت سابق هرگز نفط را بقیمت خلیج فارس نمیفروخت که درنتیجه خریدن از خلیج مکزیك ضرر کرده‌باشد حتی بخود ایران‌بقیمت خلیج‌مکزیك با ده‌درصد تخفیف میفروخت تاچه رسد بمشتریان

دیگر . (همهمه نمایندگان) آقایانیکه حوصله ندارند مطالب بنده را گوش بفرمایند ممکن است تشریف ببرند بیرون استراحت بفرمایند ویك چای میل بفرمایند . ضمن مذاکره آقایان حواس بنده راپرت میکنند (رئیس ـ آقایان ساکت باشند) وقتی ایراد میشود که قیمت‌نفط ما چرا بالیره تأدیه می‌شود آقای دکترامینی درمصاحبه‌ها وغیره مدعی میشوند که نفط ایران تماماً در نیمکره شرقی مصرف می‌شود واصلا در بلوك (استرلینك محل مصرف دارد) اگر واقعاً اینطور است پس بچه مناسبت قیمت خلیج فارس را قیمت خلیج مکزیك منهای مخارج حمل و نقل از خلیج فارس تاخلیج مکزیك حساب میکنید ؟ این محاسبه باین عذر و بهانه است گویا نفط ایران باید بتواند بانفط آمریکادرخلیج‌مکزیك رقابت کند آیاوقتی‌نفط ایران‌درهندوستان فروش میرود بنابراین قیمت نفط ایران که به هندوستان صادر می‌شود باید مطابق بازار آزاد تعیین گردد ودراینصورت قیمت خلیج فارس خیلی بالاتر ازوضع حاضر میگردد در هرحال ملاحظه میشود کــه یك بام و چند هواست . وقتی دریاداری انگلستان احتیاج بنفط دارد البته‌این داستان دیگری است همچنین‌متفقین درجنگ گذشته ویا ادارات اصل ٤ پس‌از جنگ که نفط لازم دارند مانند سایر خریداران نیمکره شرقی نمیخرند برای‌آنها قیمت خاصی وجوددارد که ازآنها علیحده بحث خواهد شد .

ماجرای جبران نفط ایران :

البته شك نیست کــه نفط ایران را شرکت سابق بکمك سایر تراستهائیکه امروز کنسرسیوم را رسماً برای نفط ایران‌تشکیل داده‌اند موقتاً جبران کرده‌بود این شرکتهای بزرك یك کنسرسیوم ثبت نشده برای تمام جهان میباشند که قوانین مختلف و بخصوص قوانین امریکا این نوع سوء استفاده از تولیدکنندگان جزء و مخصوصاً سوء استفاده از مصرف کنندگان را قانوناً منع کرده است ولی تراستهای متحد تظاهر برسمیت و بدون رقابت با هم دنیا را بین خود تقسیم کرده‌اند کــه اگر کشوری درمقابل یکی از آنها مقاومت کرد همه برای منکوب کردن آنکشور از شرکت مربوطه پشتیبانی کنند اینکه همه آنشرکتها دست بهم داده و نفط ایران‌را

موقتاً با فشار آوردن بسایر منابع نفتی جبران کردند شکی نیست ولی این جبران نه برای این است که دیگر احتیاجی به‌نفت ایران ندارند . این جبران موقت برای این‌است که این شرکت‌ها تشنه نفت و مخصوصاً تشنگی بیمانندی نسبت بنفت ایران و بنفت تصفیه شده درآبادان دارند .

وقتی رادیو دولتی و دستگاه تبلیغات کل ایران میگوید بازارهای ایران از دست رفته وشرکتها احتیاجی به‌نفت ایران ندارند ازقول ادارات تبلیغات آنشرکتها سخن میگوید ! این مسئله کاملا صحیح است که شرکتهای نامبرده حتی برای یك یا دو سال‌هم میتوانستند ازنفت ایران صرفنظر کنند تا بتوانند ایران‌را خوب بزانو دربیاورند . تا بتوانند نفت ایران و کشورهای مشابه را بازهم بیشتر درمعرض سود-جوئی که باندازه غارت منابع خاورمیانه، توسعه یافته قرار دهند . ولی دول غربی و مخصوصاً آمریکا بمناسبت ملاحظات سیاست عمومی و استراتژیکی تااین حد با سود جوئی آنان موافقت نکردند و همین سیاست عمومی و استراتژیك دول غرب و موقعیت ایران و ووضع سیاسی ایران است که میتواند ما را نجات دهد و متأسفانه دولت باین ارزش موقعیت ایران آنطوریکه باید پی نبرده است و نتوانسته از آن حداکثر بهره‌برداری‌سیاسی را بکند ولی پیش ازاین‌بحث دقیق دراین‌مسئله ونشان دادن راه حلی که بنظر اینجانب صحیح‌است باید توجه داشت که بازار نفت ایران از دست‌نرفته بلکه باالعکس‌هم احتیاجات تجارت نفت‌جهان وهم مقتضیات فنی مربوطه بمشکلات اکتشاف واستخراج تقاضا دارد که نفت‌ایران دوباره وارد بازارهای جهان گردد . اداره کل تبلیغات ماباید این نظریات را منتشرکند، نه معکوس آن را بنفع کنسرسیوم و بضرر ایران ،کارشناسان نفتی‌جهان معتقدند که افزایش مصرف نفت جهان از ۷۰۰ میلیون تن مصرف جهان درسال ۱۹۵٤ تابیست سال دیگر به ۱٫٤۰۰ میلیون تن درسال یعنی تا دو برابر افزوده خواهدشد این افزایش ایجاب میکند که سالیانه ٥ تا شش درصد به‌مصرف جهان افزوده شود ولی معذالك مااین را ملاك‌قرار نمیدهیم. بلکه افزایش واقعی ۷ سال اخیر ومیزان متوسط آنرا ملاکی برای افزایش ۲تا۳ سال آینده قرار میدهیم و چون حد متوسط افزایش ۷ سال اخیر مصرف نفت

جهان سالیانه ٤٢ میلیون تن نفت بوده و باتوجه به‌تولید نفت جهان وتوضیع آن‌بین خاورمیانه وقسمتهای دیگر باید نیمی ازاین اضافه مربوط به‌خاورمیانه باشد بنابراین بآسانی درسال بیست میلیون تن نفت درایران تولید صادر کرد بدون آنکه احتیاج به‌تقلیل محصول سایر نقاط خاورمیانه باشد .

باید درنظر داشت که سعی و کوشش بیمانند برای جبران موقت نفت ایران باعث‌شده‌است که باشدت بیرویه‌ای که باصول فنی اکتشاف واستخراج ساز گارنیست ازسایر منابع خاورمیانه بهره‌برداری شود بنا براین توقف سرعت بهره برداری از آن منابع باین‌شکل که‌لااقل یکسال افزایش‌درآنها پیدا نشود نه‌تنها ممکن، بلکه‌ازلحاظ فنی ضروری میباشد که جبران شدت عمل دو تا سه‌سال اخیر را بکنند . درهرحال با در نظر گرفتن این حقایق معلوم میشود که تبلیغات اداره رادیو و تلقینات آقای دکترامینی باین منظور که بازار نفت ایران ازدست رفته صحیح نیست وفقط بنفع کنسرسیوم است که اینگونه تبلیغات اشاعه میابد . مجله نیوزویك ۳۳/٥/۲۹ می‌نویسد «اکنون دیگر ترس آن‌نیست که حل مسئله نفت .... وضع همسایگان تولید کننده نفت ایرانرا دچار مخاطره سازد برخلاف انتظار کاهش میزان تولید، در هیچیك از کشورهای خاورمیانه عملی نخواهد شد و افزایش سالیانه ١٥ میلیون تن درمصرف‌نیمکره شرقی‌محصول نفت ایرانرا جذب خواهد کرد مجله« پترولیوم‌تایمز » ازقول رئیس هیئت مدیره سوکونی‌واکی‌ئوم نوشته : « بازار های مصرف نفت دنیا میتوانندمحصول نفت ایران‌را جذب کنند (شوشتری-جذب را تعبیر بفرمائیدبفهمیم).. دلیلی نیست که صاحبان صنایع نفت جهانی ازاینجهت بیمی داشته باشند »

این نظر جراید خارجی است کـه برمصرف نفت دنیا افزوده میشود و اگر منابع‌نفت را افزایش‌هم‌بدهیم نفت دنیا برای مصرف‌دنیا جذب خواهدشد(میراشرافی ممکن است جراید غرض داشته باشند .)

از موقعیت ممتاز نفت ایران شرکت سابق چه نتیجه‌گرفته است :

گفتیم که سرمایه شرکت سابق یك ششم کوچکترین شرکتهای نفت آمریکا ویك سیزدهم بزرگترین آنشرکتهاست ولی درست بنسبت عکس هریك از سهام

پرسود ترین شرکتهای آمریکائی ۳/۵ برابر قیمت اسمی آنها بوده درصورتیکه هرسهم شرکت سابق ٤ تا ۷ برابر قیمت اسمی آن در بدترین مواقع یعنی در موقع ملی شدن صنعت نفت بوده ولی حالا با طرح قرارداد آقای دکتر امینی یك سهم شرکت سابق مساوی با ١٤ برابر قیمت اسمی آن گردید. بمناسبت موقعیت ممتازیکه قرارداد آقای دکتر امینی و مساعدتهای گرانبهای سایر اعضای کنسرسیوم بشرکت سابق کردهاند امروز قیمت سهام شرکت سابق تا ٤ برابر افزایش بهای سهام پرسود ترین و بزرگترین شرکت نفت جهان کـه سناندارد اویلاف نیوجرزی باشد ترقی کرده است. هرچه شرکتهای نفت‌جهان بمنافع خاورمیانه راه یافته‌اند باتوجه بآمار وبیلانها معلوم میشود سود وذخیره آنها سرشارتر وآنچه بصاحبان سهام پرداخته‌اند بیشتر گردیده. شرکت سابق درسال ۱۹۵۱ نه‌دهم استحصال نفتش ازایران بوده‌ارزش سهام و منافع سهامش دو برابر شرکتهای نقت جهان بوده وحالا با دست یافتن‌مجدد به‌منافع ایران ترقی نسبی سهامش ٤ برابر شرکتهای نفت جهان است در این‌جا توضیح میدهم که نفت ایران از تمام نفتهائی کـه در دنیا استخراج میشود بهتر است وحتی ازتمام نفتهائی‌هم که درخاورمیانه استخراج میشود بهتراست .

مجله «ارقام و حقایق نفت» مینویسد . هر بارل نفت عراق ٤ و کشور سعودی ٦ و کویت ۱۰ سنت از هربارل نفت ایران صرفنظر از جنبهٔ بازرگانی از لحاظ فنی مهمتراست زیرا در نوع وسرعت سیرو سائل حمل و نقل زمینی و دریائی و بخصوص هوائی درنتیجه نهائی جنگهای مدرن تأثیر بسزائی دارد زیرا سرعت سیرو واستفاده ازعامل زمان‌درجنگ های برق‌آسا میتواند ارزش نیروهای زمینی ودریائی را چند مقابل بیشتر کرده وتحرك واحدهای نظامی‌را خیلی بالاببرد وبهمین مناسبت ارزنده ترین تولیدات نفت وبنزین که سریعترین‌ومدرن‌ترین وسائل هوائی را سیراب‌میکند در پالایشگاه آبادان بدست میآید .

درنتیجه این موقعیت ممتاز شرکت سابق که موردپشتیبانی شرکتهای بزرگ آمریکا نیزمیباشدشرکت سابق توانسته‌است‌پس ازامضاء شدن قرارداد حاضر مایملك خود را بسه هزار میلیون لیره بالا ببرد .

درصورتیکه چندی پیش هزارمیلیون لیره بیشتر نبود که حقاً بیست درصد آن متعلق بایران است صرفنظر از اینکه تمام آن از دسترنج زحمتکشان ایران بوجود آمده است . دراینجا بنده ملی‌شدن صنعت نفت ومنظور ازملی‌شدن را شرح میدهم :

ملی‌شدن یا ناسیونالیزاسیون صنعت :

ملی‌شدن بمعنی امروزیش مولود صنعت نوین است . صنایعی که ازاوائل قرن نوزده بوجود آمد زندگی وتمدن بشررا تابعی ازتغییرات خود ساخت . ملی‌شدن یا یا ناسیونالیزاسیون صنعت یا صنایع ، موازی باپیدایش تمرکزسرمایه‌ها وتراکم آنها وظهورانحصارات‌درصنایع بوجودآمدملی‌شدن صنایع که ازبعض لحاظ عملی‌متناقض باتشکیل‌انحصارهاوتراستهاست (آقای مهندس تمنی میکنم ، چون بنده عرض کردم که دارم میخوانم و ممکن است حواس بنده پرت بشود) بطور موازی با هم پیش رفته است . یعنی هرچه انحصارها وتراستها دامنه و وسعت یافته‌اند ضرورت ملی شدن ناسیونالیزاسیون آن رشته صنعت بیشترحس شده است . صنایع درحال رشدوتکامل وتوسعه که نتیجهٔ مستقیم اختراعات بزرك علمی بود . قادرمیشد که درنتیجهٔ تمرکز ، سرنوشت صدها هزاروبیشترتولید کننده و میلیونها مصرف کننده را دردست بگیرد وچون این رشته صنایع باین شکل با سرنوشت ملل تماس پیدا میکردند دخالت دولت درامورآنها ضروری میگردید .

محرك واقعی صاحبان این‌صنایع آنطوری که رسم وعادت وقانون نیز تقاضادارد وقانون نیز تأیید میکند سود خصوصی است آنها برای ازدیاد و نفع خصوصی بضرر صدها هزارتولید کننده ومیلیونها مصرف کننده نیروی عظیم‌مالی واقتصادی‌وسازمانی وفنی خودرا بکارمیبردند وموفق میشدند که ملتها و پارلمانها و دولتها را تحت نفوذ قرارداده وسود بازرگانی خودرابضررمیلیونهامردم وبنفع‌یکفرد ویا چند فردصاحب صنعت زیاد کنند . باین مناسبت پیشنهاد (ناسیونالیزه کردن) ملی کردن صنایع‌پیش آمد . نه برای اینکه فقط مالکیت این صنایع بدولتی که نماینده جامعه و ملت باشند منتقل گردد زیرا دراین انتقال مالکیت نفع وضرری درکار نبود زیرا با غرامتی که دولت بصاحب صنعت نفت تأدیه میکند ازلحاظ مالکیت نفع و ضرری عاید نمیشود

چون درصنایع ملی شده دولت بایستی غرامت بپردازد بنابراین ازاینکه یك صنعتی ازیك شرکت خصوصی بدست دولت بیفتد موضوع بردن نفع نیست بلکه موضوع نتیجه آنست که آن صنعت بنفع یك سازمان اجتماعی بکاربیفتد ممکنست آن صنعت برای دولت ضررهم داشته باشد ولی برای اینکه آن صنعت در خدمت اجتماع بکار بیفتد دولت آن ضرراهم میدهد فرض کنید مثل پست وتلگراف که ممکن است ضرر داشته باشد ولی دولت ضرر آن را تحمل میکند، بلکه مسئلهٔ مهم واساسی درعمل ملی کردن صنعت نفت اینست که اداره کننده گان صنعت مورد بحث اداره آنرا برای ازدیاد سود بازرگانی عملی نسازند تاموجب خسارت وضررمیلیونها تولید کننده ومصرف کننده نگردد. منظورازملی کردن این بوده است که محرك بکار انداختن این صنایع بهره کشی حداکثر از کارگران وگرانفروشی حداکثر بمصرف کنندگان نباشد وبطور خلاصه محرك اداره کنندگان صنعت، سود بازرگانی خصوصی نباشد. محرك صنایع ناسیونالیزه ویا ملی شده عبارت ازخدمت اجتماعی است یعنی مؤسسات عظیم ملی شده یك سرویسهای اجتماعی هستند که محرك اداره کنندگان آن این نیست که حداکثر سود را بدست بیارند بلکه اینست که اولاً وضع زندگی خصوصی واجتماعی کارگران تولید کننده را بالا ببرند وثانیاً این خدمت اجتماعی که برای مصرف کنندگان لازم وضروری است بوجه احسن بعمل بیاید حتی بفرض اینکه این صنعت در موقعی و موردی صرفهٔ بازرگانی نداشته باشد ولی ازلحاظ اجتماعی ضروری باشد، در صورت ناسیونالیزه بودن تعطیل نمیشود ولی در غیراین حالت یا تعطیل میشود و یا دولت از خزانه عمومی کمك میکند تا صاحبان صنعت خصوصی سود ببرند و آن صنعت را حفظ کنند ولی دراغلب موارد این عمل خود منجر بملی شدن آن صنعت گردید. اگردرانگلستان رشتهٔ عظیمی از صنایع ملی شد واگردرفرانسه وسوئد وغیره رشته‌هائی ازصنعت ملی شدند اگرموج ملی‌شدن صنایع جهان امروز را فرا گرفته است هرگزاصل واساس مطلب این نیست که پلاك مالکیت این صنایع باسم دولت باشد ویا باسم صاحبان‌صنایع. آن مشکل‌بزرگ که ضرورت‌ملی‌شدن را محسوس وملموس کرده است اینستکه ادارهٔ صنایع عظیم که درنتیجهٔ تکامل علم و صنعت با سرنوشت

ملل تماس پیدا کرده‌اند بشکل سرویس اجتماعی اداره شود نه بشکل دکانی برای ازدیاد سود بازرگانی بعضی. از صنایع از اصل پیدایش خود باندازه‌ای وسیع بودند و با منافع اکثریت بزرگ جامعه تماس داشتند مثل این که طبیعت آن صنعت با تأسیس اجتماعی اصلاً صنعت خصوصی را قبول نمیکند وباید از اول بدست دولت اداره شود مثلاً پست وتلگراف وحتی دراغلب مواردراه آهن دراغلب کشورهای اروپائی ازهمان اول کاردولتی تأسیس شد وهمینطوراست رادیو ولی در کشور امریکا این صنایع هم در اغلب موارد در دست صاحبان صنایع خصوصی است در زمان ریاست جمهور مستر ترومن بمناسبت ازدیاد مزدی که کارگران صنعت ذوب آهن و فولاد امریکا تقاضا میکردند ، بمناسبت بروز اعتصاب صنعت عظیم فولاد امریکا تهدید به تعطیل می گردید ، وقتی نتایج حاصله از تعطیل شدن صنایع عظیم فولاد امریکا را در نظر بگیریم می‌بینیم که نه‌تنها رشته بزرگی از صنایع امریکا که ارتباط مستقیم با صنایع فولاد دارند یاتعطیل میشدند ویا درتحت تأثیرمضر آن قرارمیگرفتند ، از اینها گذشته این صنعت عظیم با امنیت امریکا و حتی اروپا و جهان ارتباط مستقیم دارد زیرا این صنعت امریکائی برای صنایع اروپا برای ترمیم وضع دفاعی اروپا نیز اهمیت دارد و سرنوشت صلح وجنگ جهان باآن بستگی دارد آقای ترومن تسلیم سودجوئی صاحبان صنایع فولاد نگردید و پیشنهاد ملی‌شدن این صنایع عملاً پیش آمد که درصورت سودجوئی صاحبان صنایع فولاد برای جلوگیری از اعتصاب و تعطیل ، خود دولت مستقیماً ادارهٔ صنایع را بدست گیرد وتقاضای حقهٔ کارگران را برآورده سازد دراینمورد هم ملاحظه میشود که ضرورت ملی کردن صنایع اصلاً مربوط باین نیست که آن صنایع از لحاظ حقوقی ملك طلق ، که ، باشد، بلکه مسئله اساسی این استکه صنایع عظیم فولاد امریکا باصدها هزار کارگران مستقیم ومیلیونها کارگرانی که دررشته‌های فرعی دیگر برای این صنعت کارمیکنند وبااهمیتی که این صنعت برای ملت امریکا و جهان آزاد دارد یا تنها سود خصوصی بازرگانی باید محرك آن باشد و یا تکامل اوضاع اجتماعی باید آن صنعت را بیك سرویس اجتماعی دولتی تبدیل سازد ، حالا میخواهم بعرض برسانم که این قرارداد که بنام قرارداد فروش نفت بمجلس تقدیم شده است

قرارداد نیست وامتیازاست و امتیازیست که بدتر ازامتیازهای دول مجاورمثل عراق و سایر کشورهای خاورمیانه است .

جناب آقای رئیس هیئت نمایندگی ایران ووزیر دارائی میفرمایند : « ما به نمایندگان امریکائی وانگلیسی و فرانسوی و هلندی صریحاً اعلام کرده‌ایم که اگر روزی یکی از آنها بخیال کوچکترین مداخله درامورملی ما بیفتد بایدخودرا آماده قبول خشم و غضب احساسات وطن‌پرستانه مردم با شرافت میهن ما بکنند » موضوع اینجاست که این اخطارهیچ ضامن اجرائی غیرازخشم و نفرت مردم با شرافت میهن ما ندارد ولی مداخلات آنان بموجب این‌قرارداد چهل ساله تسجیل میشود . نمیدانم ارزش این‌اخطارجناب آقای دکترامینی بیشتراست وما باطمینان بآن با خیال‌راحت برای چهل سال دیگر بخواب برویم که ضمناً صنعت نفت هم در این مدت بمیرد و منتظرباشیم که بدون صرف زحمت ومرارت هرماه سهم ما راکنسرسیوم پس ازآنهمه زحمت که تحمل میکند ونفت را استخراج و تصفیه و بهره‌برداری میکند و راحت و آسوده بما بپردازد، آیا باین اخطارارزش بیشتری قائل شویم یا بآزمایشهای تاریخی قرن‌اخیر که جهان متمدن وعقب‌مانده هردوبا این‌شرکتها داشته‌اند؟ آیا این‌حوادث تاریخی که بزرگترین درس برای بشریت هستند آیا این حادثه بزرگی که بدست شرکت سابق درایران بوجودآمده وتمام زنان وبچه‌ها وبی‌اطلاع‌ترین افراد این کشورازآن با خبر گردیده‌اند برای ما ملاك درك حقیقت است یا این اخطار آقای دکترامینی واسفندیاری وبیات که کنسرسیوم درامورما دخالت نکنند؟ شما گوشت‌را را دست گربه میسپارید واخطارمیکنید که اگرسوءقصد کرد مورد خشم ونفرت شما واقع خواهد شد!؟ آقایان شما خودتان میدانید ، ولی من بدرس تاریخ ، تاریخ دوقرن بشریّت مترقی و زحمتکش وبتاریخ نیم قرن بخصوص‌ایران ، به‌آزمایش بزرگی که ملت ایران درتماس با شرکت سابق داشته بیشترارزش قائلم تا باطمینانی که آقای دکترامینی بمناسبت اخطار کذائی بما میدهند، آزمایش تلخ تاریخی ، با همان‌شرکت سابق که حالا لاحقّ شده است‌همان شرکت کذائی که‌آقای دکترامینی درسخنرانی خود اورا مرده مینامد ولی‌درمقدمه متن قرارداد اورا زنده میکند وبعنوان «شرکت

نفت انگلیس وایران محدود که وجود دارد و بر طبق قوانین ممالک متحده پادشاهی انگلستان تشکیل یافته» برای مدت چهل سال دیگر بر ملت ستمدیدهٔ ما تحمیل میشود

آقایان ، درس بزرگ تاریخ نشان می‌دهد که این شرکتها و صنایع بزرگ اگر دراروپا فقط بامنافع اقتصادی تولید کنندگان ومصرف کنندگان تماس دارند وبهمین مناسبت حتی دولتی مانند امریکا برای حفظ منافع تولید کننده و مصرف کننده تماس دارند وبهمین مناسبت حتی دولتی مانند امریکا برای حفظ منافع تولید کننده ومصرف کننده بموجب قانونی ضدتراست اقلا آنها را محدود میسازد آری اگر در را محدود میسازد آری اگر دراروپا وآمریکا فقط با منافع اقتصادی ملل تماس دارند متأسفانه درس بزرگ تاریخ وآزمایش‌های تلخ وتاریخی نشان میدهد که این شرکتها در کشورهای آسیا وآفریقا علاوه براین مضاراقتصادی با استقلال ملی ملل شرق نیز تماس پیدا میکنند .

آقایان ، همه شما بخوبی میدانید که در ایران نیز مانند اروپا و بلکه خیلی شدیدتر از آن منظور ازملی کردن صنعت نفت سراسر ایران ، این نبود که فقط یک پلاک ملک‌طلق ایران روی آنمؤسسات چسبانده شود بلکه فلسفه اساسی ملی کردن صنعت نفت این بوده است که یك شرکت خصوصی تا چه رسد بیك شرکت بیگانه با اوصاف وخصائلی که ملت ایران میشناشد وبامعجون‌افلاطونی ازشرکتهای‌متجاوز وسودجوئی که حتی بملل‌خود ابقا نکرده‌اند، تاچه‌رسد بملل‌شرق که سودجوئی‌خود را درصنعت نفت ایران دخالت ندهد .

منظور ازملی کردن‌صنعت نفت این بوده وهست که سود بازرگانی شرکتهای عظیم محرك اداره صنعت نفت نباشد . منظور این‌بوده که یك مؤسسه اقتصادی‌عظیمی مانند کنسرسیوم درپائین نگاهداشتن دستمزد و سطح زندگی ذینفع نباشد منظور این بود کــه مانند شرکت سابق این مؤسسه عظیم برای ازدیــاد نفع خود و برای ادامه دادن آن تاچهل سال ، ازپیشرفت صنایع و تمدن و فرهنك در ایران نترسد و ذینفع درجلوگیری از آن نباشد، ازبالا رفتن ظرفیت صنعتی ایران و از تربیت شدن کارشناس نترسد وبانیروی مادی ومعنوی عظیم خود بالطائف الحیل و باوسائلی کــه

حتی درمتمدن‌ترین کشورهای جهان بکار میبرندسرنوشت ملت مارا مسموم نکنند وتحت تأثیر قرار ندهند . منظور ازملی کردن صنعت نفت سراسر ایران این‌بود که باقرار گرفتن اکتشاف واستخراج وبهره برداری دردست دولت ، ما مطمئن باشیم که صنعت نفت بعنوان یك سرویس اجتماعی کار میکند نه‌برای پر کردن جیب این یا آن که مضرات آن ده‌ها مقابل وجهی‌استکه جیب این وآنرا پرمیکند . منظور از ملی کردن صنعت نفت این‌بود که یك مؤسسه اقتصادی عظیمی که بودجه آن‌اضعاف مضاعف بودجه دولت ایران است درقلمرو حاکمیت ملی ما نفت ایران بدست نیارد که باایجاد مؤسسات عظیم وراهها وراه‌آهن ها و فرودگاههای هواپیماها و آشیانه و دریاداری وبحر پیمائی وبنادر واسکله وحتی خریداری بزرك و پرداخت های بزرك بتواند مختصر ارز حاصل‌ازصنعت نفت را دوباره بکشور صاحبان صنایع باز گرداند .

بالاتر ازهمهٔ اینها منظور ازملی کردن این بود که این شرکتها برای ازدیاد سود بازرگانی وبرای ابدی کردن‌آن باحیله وتزویر از قدرتهای چهار دولت بزرك برای توطئه های سیاسی سوء استفاده نکنند وبا تجربیات قرون متمادی که دارند نتوانند استقلال ملی‌مارا مستقیم ویاغیر مستقیم تحت نفوذ قراردهند . آقایان ،انتقال اختیارات دولت وشرکت ملی نفت بکنسرسیوم وشرکتهای هلندی تمام امکانهائی‌را که شرکت سابق داشت بآنها میدهد وفقط اشخاص باسوء نیت و یاحسن نیت زیاد اظهار خواهند کرد که کنسرسیوم ازامکانهائی که مانند شرکت سابق بدست آورده سوء استفاده‌نخواهد کرد . انتقال‌اختیاراکتشاف واستخراج وبهره‌برداری‌بکنسرسیوم اساس و پایه و فلسفهٔ ملی کردن صنایع را زیر پا میگذارد و ملی کردن صنعت نفت را بیك قالب بدون محتوی وبیك کلمه پوچ تبدیل میسازد .

وقتی این موجود غول‌آسای موسوم به کنسرسیوم وشرکتهای تابعه‌اش‌اینهمه اختیارات وتأسیسات عظیم درید قدرت خود دارند وذی‌نفع درازدیاد سود بازرگانی هستنددیگرآن فلسفه‌ناسیونالیزاسیون که‌تبدیل کردن‌صنعت بیك سرویس‌اجتماعی دولتی است بکلی ازبین میرود . آقای دکتر امینی وحتی خود کنسرسیوم مثل‌آنکه بچه گول میزنند میگویند صنعت نفت ملی شده است ولی کنسرسیوم و شرکتهای

تابعه بعنوان مباشر ازطرف ایران این عملرا انجام میدهند اتفاقاً درامتیازدادن نیز این طوراست آنها بعنوان مباشر امتیاز استخراج واکتشاف و بهره برداری را عمل میکنند زیرا در ایران مانند بعض از کشور های دیگر مخازن و منابع زیر زمینی اصولا ملی یعنی مالکیت اش در دست دولت میباشد وقتی دولت امتیازی میدهد این معنی را نمیدهد که دولت مالکیت خودرا ازموضوع امتیاز سلب کرده است بلکه این معنی را دارد که صاحب‌امتیاز بعنوان مباشر ، اکتشاف واستخراج وبهره‌برداری میکند خلاصه درضمن امتیاز دارسی وقرارداد ۳۳ نیز نفت ایران ملی بود رزم‌آراء نیز باتوجه باین حقیقت گفته بود من نمی فهمم آنهائیکه می‌خواهند نفط را ملی کنند چه می‌خواهندزیرا نفطملی‌است! وآیا که دولت امتیاز استخراج وبهره‌برداری را بدیگران واگذار میکند خود دلیل ملی بودن نفط است ؟ باو جواب داده شدکه منظور ، ملی کردن صنعت نفت‌است نه ملی کردن معادن زیر زمینی که در هرحال ملی می‌باشد ومنظور ازصنعت ، اکتشاف و استخراج وبهره برداری است . آقایان ، من ازاین دولت‌تقاضا میکنم که یك مورددرتمام دنیا پیدا کنند که گفته باشندصنعتی را دولت‌ملی‌کرده است ولی‌مجدداً آن صنعت ملی شده‌را شبیه اینوضع حاضرومشابه قراردادی،شبیه این‌قرارداد بسرمایه‌داران خصوصی واگذارکرده باشند (عبدالصاحب صفائی درشوروی شده است) بشوروی هم میرسم ومال آنجا را هم بحث میکنم فقط یك مورد دردنیا بما نشان بدهید که اینطور عمل کرده باشند (وزیر دارائی عرض میکنم) آقایان منظور ازمالکیت یك صنعت حق استفاده از آنست این منافی شأن مجلس شورای ملی وسنا وملت ایران است که مارا بخواهند باکلمات فریب دهند و بگویند که اینها ملك مطلق دولت ایران است وپلاکی‌هم باین عنوان بآنهابچسبانند ولی مطابق تعریف صریح وواضح آقای پیج درنیویورك بگویند که مالك اصلی این تأسیسات مادامی که این تأسیسات قابل استفاده است حق استفاده از آنرا ندارد در صورتیکه قضیه را بعکس بکنند یعنی پلاکهائی بتأسیسات بزنیم که آنها ملك‌طلق کنسرسیوم است ولی حق استفاده ازآنها مادامی که قابل استفاده باشند حق دولت ایران است بی‌شك ازهرلحاظ بنفع ماست . اقلا محض دلخوشی وفریب حاضرنشده‌اند

برای این تأسیسات اجاره‌ای حقی برای‌ماقائل باشند عراق پنجاه وپنجاه است‌تأسیسات هم مال شرکت است غرامت‌هم ندارد ماهم پنجاه پنجاه هستیم درصورتیکه تأسیسات هم مال ماست وغرامت هم میپردازیم این سهم ۵۰و۵۰ مربوط به مالکیت منابع زیر زمینی نفت است که درتمام امتیازات معمول است که مالك هستیم وغرامت‌تأسیسات را پرداخته ایم ، با عراق و دیگر کشورهای امتیاز دهنده چه فرقی داریم ؟ این فرق که آنها بدون پرداخت غرامت وجریمه ۵۰ درصد سهم‌را میگیرند ، ولی ما مالك هستیم و غرامت نیز پرداخته ایم و هیچگونه استفاده ازمالکیت تأسیسات نمیبریم من نمیدانم جواب مطلب باین سادگی مارا چرا نمیدهند شاید بگویند مادر عوض شرکت ملی نفت داریم که مسلوب الاحتیار است و از او خلع ید شده است فائدهٔ این شرکت ملی نفت اینست وظائفی را که میبایست شرکت نفت انجام دهد این شرکت ملی از کیسه ملت ایران و قسمت دیگر نصف و نصف از کیسه ملت و کنسرسیوم باید تأدیه کند یعنی وظائف و سرویسهائی را که سابقاً همه‌اش از لحاظ خرج بعهده کنسرسیوم باشد حالا از بودجه شرکت ملی نفت پرداخت میشود و نصف آن تحمیل ملت ایران می گردد و سهم واقعی ما را خیلی بیشتر پائین میآورد قراردادهائی که در زمان مظفر الدینشاه بسته میشد از آنها نه‌مردم خبر داشتند ونه خود درباریان آنطوریکه باید درك می کردند ، ولی درحال حاضر پس از آنهمه سروصدا درباره ملی کردن وخلع یدی که نخست‌وزیر و وزیر دارائی فعلی نیز عضو آندولت بوده اند وافتخار بآن کرده اند و میکنند حالا بیایند و این قرارداد را بما پیشنهاد کنند . والله من هرچه فکر میکنم هیچگونه نمی توانم توجه نمایم که بستن این قرارداد افتخاری داشته باشد من بانهایت انصاف که‌فکر میکنم می‌بینم که‌نسلهای آینده هم ازاین قرارداد شرمسار خواهند بود . بنظر من بزرگترین عیب که تمام معایب ومضرات دیگر تابعی از آنست همانست که همه می‌فهمند ودر ماده ۴ باآن‌طول و تفصیل تسجیل گردیده ودر حقیقت عمل ملی شدن را لغو کرده است . آیا برای دولت وملت ومجلسین عیب نیست که بقول خود آقای دکتر امینی با تاجری بیگانه قرار دادی به بندد ولی قرارداد بزبان ملتی که دولت عاقد قرارداد است رسمی نباشد

یعنی در موقع بروز اختلاف رسمی نباشد ولی قرار داد بزبان ملی آن تاجر رسمی باشد با آنوقت مارا مانند بچه گول میزنند که هر دو رسمی است ولی موقع بروز اختلاف متن انگلیسی معتبر است من نمیدانم آقایان که انگلیسی نمیدانید مثل بنده که انگلیسی نمیدانم (شوشتری فارسیش را میدانیم) ویا باجزئیات آن آشنائی ندارید چگونه میتوانید درمجلسین قراردادی را امضاء کنید که متن فارسی آنرا در موقع بـروز اختلاف معتبر نمیشناسید والله بدون اغراق من حتی از فرزندان (نمیدانم آقای دکترامینی بچه دارند (وزیر دارائی - یکی بیشتر ندارم) آقای دکترامینی خجالت میکشم (وزیر دارائی ـ چرا شما خجالت میکشید ؟) که اینگونه قرارداد را امضاء کنم نمیدانم خود ایشان چطور خودمان عرضه ولیاقت نداریم بنده خودم‌را عرض میکنم جواب نسل آتیه را چطور میدهیم ؟

دولت و آقای دکتر امینی پیوسته افتخار میکنند که گویا مشکل نفت راحل کرده اند من درك نکردم که چگونه حل شده زیرا در این قرارداد تمام خواسته های آنان بر آورده شد این همانست کـه قرارداد الحاقی میخواست پیشنهادات بعدی هم مساعدتر بود کدام مشکل را حل کردند اینجا اصطلاح تسلیم خیلی مناسب تر از حل است آقای دکترامینی فقط یك چیزرا حل کردند البته باید انصاف داشت آنهم مسئله عدم‌النفع‌است که تبدیل به وجودالنفع شد ودوسال هم بیشترشد و عدم النفع منتفی گردید .

اگردولت ایران هیئت نمایندگی نداشت وشش ماه زحمت نمیکشید و وکالت تام الاختیار به کنسرسیوم میداد آیا تصور میکنید کـه قرارداد نامساعدتر ازاین بما پیشنهاد میشد ؟ بنده میخواهم‌ازجناب آقای دکتر امینی تقاضا کنم که آن‌پیشنهاد که اول کنسرسیوم آورد آنرا بیاورند بمجلس تابااین قراردادی کـه امضا کرده اند مقایسه کنیم ببینیم آنها چه میخواستند و ما چه میدهیم (وزیر دارائی ـ حالا مال هریمن را میدهیم خدمتتان آقا) .

قرارداد هم با مفهوم ملی شدن وهم با قوانین ملی شدن متناقض است

در بحث گذشته نشان دادم که اگر بفرض محال ادعای بی مورد آقای دکتر

امینی درباره خارج نشدن ازچهار دیواری قوانین ملی شدن صحیح میبود، معذلك روح قانون ملی کردن صنعت نفت بااین قرارداد بکلی معدوم شده است . سودی که یك شرکت ملی شده میبرد بازهم ازراههای دیگردرراه منافع مردم مصرف میشود، بازهم چون سود حاصل ازیك صنعت ملی شده به جیب اداره کنندگان نمیرود وچون نقطه نظر اداره کننده صنعت ملی یك هدف ملی و اجتماعی است در اینگونه صنایع سعی و کوشش برای بهره برداری ازانسانها نمیشود وسایرمضار امتیازات استعماری عملی نمیگردد . حالا توجه باین موضوع میکنیم که این قرار داد نه تنها با قوانین مختلف ملی شدن متناقض است بلکه با قوانین دیگری که سابقاً در موارد مختلف وازجمله درمورد کان لم یکن انگاشتن مقاوله نامه قوام - سادچیکف تصویب شده متناقض میباشد . اگردولت وآقای امینی واقعاً قوانین ملی شدن صنعت نفت را محترم شمرده اند اگر از چهار دیواری آن قوانین خارج نشده اند اگر آقای نخست وزیر باین ادعای خودشان که (امتیازی بکسی داده نشده وعهدنامه ای تنظیم نگردیده است) واقعاً معتقدند چرا در ماده واحده سعی کرده شده است که قوانین ملی شدن راکه متناقض با این قرارداد است ملغی سازند ؟ چرا درماده واحده بطور مثبت بقوانین ملی شدن اشاره نشده اگر این آقایان صادق در گفتار خود هستند در همین ماده واحده و نحوهٔ تقدیم این قرارداد بمجلس که منافی اصول است اقلا تطبیق نمودن این قرارداد را با قوانین ملی شدن و دو قانون منع دادن امتیازبشرکت های بیگانه که یکی مصوب ۱۱ آذر۱۳۲۳ ودیگری قانون مصوب ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ است تصریح کنند اگر دراین ماده واحده کذائی تصریح نشود که قوانین ملی شدن صنعت نفت و قانون نه ماده ای معروف و همچنین دو قانون مذکور باعتبار خود باقی است در اینصورت خلاف مصلحت کشورانجام شده است من ازتصریح بیشتر دراین موضوع صرفنظر میکنم و دقت نظر آقایان را بمصالح کشور جلب مینمایم من درموقع خود پیشنهاد خواهم کرد در جائی که لغو شدن قوانین متناقض با این قرارداد را پیشنهاد مینماید . قوانین ملی شدن صنعت نفت و دو قانون مذکور ضد امتیاز مستثنی شود . یعنی این مجلس و مجلس سنا تصریح کنند که قوانین ملی شدن بقوت خود باقی است

و همچنین آن دوقانون که «دادن امتیازواستخراج نفت کشور ومشتقات آن بخارجیها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجیها از آن بوجهی ازوجوه سهیم باشند مطلقا ممنوع است» بقوت خودباقی هستند . (دکتر بینا ـ اینها باقی است) من عقیده دارم که بایدتصریح کرد . بنده همینجاپیشنهاد خواهم کردکه مجلس رای بدهد که این قوانین منتفی نشود . من امید واثق دارم که آقایان این پیشنهاد را تصویب خواهید فرمود تا قوانین مربوطه بمنع امتیاز به بیگانگان که اعم ازشمالی وجنوبی و شرقی و غربی ممنوع شده است بقوت خود باقی بماند . برای توجه آقایان من بند ج ماده واحده مصوب ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ راکه معروف بقانون کان لم یکن گردیده میخوانم : « واگذاری هر گونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن بخارجیها و ایجاد هرنوع شرکت برای این منظور که خارجیها از آن (وزیر دارائی ـ در آن) بوجهی از وجوه سهیم باشند مطلقاً ممنوع است »

اگر دولت ویابعضی از آقایان بفرمایند که این قرارداد امتیازنیست ویا«امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن بخارجیها» نمیباشد و بازهم مدعی شوند که این قرارداد با مفهوم جمله « و ایجاد هرنوع شرکت برای این منظور که خارجیها از آن بوجهی از وجوه سهیم باشند مطلقاً ممنوع است » تباین ندارد در اینصورت بنده هم تقاضا می کنم که ملغی نشدن آن قانون وقوانین مذکور درماده مذکورصریحاً ذکر شود . اگر معتقد هستید که مصالح کشور این قوانین را بوجود آورده و اگر معتقد هستید که قوانین ملی‌شدن نفت قوانینی است که باید بقوت خودباقی باشد، نبایستی عملی بشود که این قوانین لغو بشود و اگر احیاناً میگوئید که آن قوانین بمصلحت کشور نیست تشریف بیاورید اینجا بگوئید که مصلحت نیست ولی شما که میگوئید قوانین ملی شدن نفت بقوت خود باقی است نباید قراردادی که با آن منافی است بمجلس بدهید .

من دراینجا آقایان را متوجه یك مسئولیت بزرگ تاریخی میکنم و جلب و دقت به موضوع های زیر مینمایم .

اولا قانون ۱۱ آذر ۱۳۲۳ که حتی مذاکره در باره امتیاز نفت بشرکتهای

خارجی را منع کرده و متخلف را از ۳ تا ۸ سال بزندان وانفصال ابد ازخدمات دولتی محکوم میکند وثانیاً قانون۲۹ مهرماه که بند ج آنرا خواندم ، بند ه آن میگوید : « دولت مکلف است در کلیه مواردیکه حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت کشور اعم از منابع زیر زمینی و غیرآن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع بنفت جنوب بمنظوراستیفای حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد ومجلس شورایملی را از نتیجهٔ آن مطلع سازد» ثانیاً یادآوری میکنیم که «استیفای حقوق ملی » از نفت جنوب در جریان نهضت ملی قوانین باین شکل تعبیر وتفسیر شد که یك شرکت نیرومند خارجی متصدی اکتشاف واستخراج وبهره برداری نگردد بلکه خود دولت مستقیماً آنرا اداره کند منظورمن ازجلب توجه آقایان باین قوانین وجریانها اینست که مصلحت کشور ومصالح اجتماعی موجب تصویب این قوانین شده است وموجبات بوجود آمدن آن قوانین نه تنها از بین نرفته بلکه تشدید نیز شده است ودرحالیکه مصلحت کشور این قوانین را بوجود آورده باید این قرارداد باآنقوانین منافی نباشد و عدم لغو شدن این قوانین و صادق بودن آنها صریحاً در ماده واحده ذکر شود .

بنظر اینجانب مفهوم ومدلول این قرارداد درشکل حاضر فرقی باامتیاز ندارد عرض کردم که بنده ثابت میکنم که این امتیاز است وتمام عواقب مترتب برامتیازهای معمول خاور میانه براین قراردادهم مترتب میباشددرهر امتیازیك حوزه عملیات وجود دارد ثانیاً امتیاز گیرنده مستقیماً بهره برداری میکند ثالثاً مدتی هم وجوددارد که تاآن مدت در حوزه عملیات بهره برداری مانع للغیر باشد . رابعاً دو طرف دارد که یك طرف آن دولت صاحب منافع و طرف دیگر یك شرکت بزرك یا دولتی میباشد .

دراین قرارداد تمام این شرایط که همان شرایط امتیاز سابق نفت انگلیس است وجود دارد حوزه عملیات هم که وسیع‌تر از سابق شده است . ماده ٤ کلیه اختیارات دولت ایران و شرکت ملی نفت را با وضع عجیبی بشرکت واگذار کرده استکه خواندن آن ماده انسانرا متزلزل میکند که آیااین یك دولت نیرومند مجهز با تمام‌تجهیزات است و یا یك شرکت تجارتی . اینك قسمتی از متن جزء الف ماده ٥ : « ایران و شرکت ملی نفت ایران تعهد مینمایند که هیچیك ازآنها و هیچ شخص دیگری بغیر

از شرکتهای عامل در هیچ موقعی در تمام طول مدت این قرارداد باجرای هیچیك از وظائف مصرحه در بند های یك و دو جزء الف ماده چهارم این قرارداد درناحیه عملیات مبادرت نخواهند کرد » شرح ماده چهار را قبلا برای آقایان خواندم که به عقیده بعضی ها دولتی در داخل دولت‌ایران ولی آنطور که تجربه نشان داده دولتی مافوق دولت ایران بود. چرا دولت وشرکت ملی‌متعهد وملزم میشوند که در قلمرو وحاکمیت خود بعملیات مذکور مبادرت نکنند چون امتیاز این عملیات بدیگران واگذار شده است . درماده ۷ نیز نوشته شده : « شرکتهای عامل درناحیه عملیات خود حق استفاده مانع للغیر را از اراضی مشروحه زیر خواهد داشت . . . » مانع للغیر که خود دولت ایران و شرکت ملی هم از همان غیرها هستند یعنی ، انحصار و امتیاز. غیر ازاینها چیست ؟؟ ازطرف‌دیگر بقول خودآقای دکتر امینی برای آنکه موضوع عدم النفع منتفی شود مدت را چهل سال قرار داده‌اند که دوسال هم زیادتر از مدت امتیاز ۳۳ باشد آن دو سال هم لابد برای جبران مدت تعطیل صنعت نفت است که از طرفی غرامت آنرا ٦٦ میلیون‌لیره پرداخته‌اند و از طرف دیگر دو سال تمدید فرموده‌اند .

آقای دکتر امینی در ضمن سخنرانی فرمودند « اگر رقم مورد توافق خود را با شرکت نفت از بابت غرامت آنچه در حکومت آقای دکتر مصدق مطالبه می‌کردند مقایسه کنیم آنوقت معلوم میشود که چه پیشرفتی در موضوع پرداخت غرامت نصیب ما شده است ونسبت بارقامی که موجب وحشت آقای دکتر مصدق شده بود چه گذشتهائی صورت گرفته است ؟ .

آقای دکتر امینی توجه نمیفرمایند که غرامتی راکه شرکت سابق درزمان دولت گذشته مطالبه میکرد دو قسمت بود یك قسمت غرامت تأسیسات موجود نفت که راجع بآن‌اعدادی که‌موجب وحشت‌شود وجودنداشت اعدادی که موجب‌وحشت همه ملت ایران میگردید مربوط بعدم‌النفع بود یعنی با ملی شدن صنعت نفت که دولت خود شخصاً مباشر اکتشاف و استخراج وتصفیه میگردید شرکت سابق از نفع باقی مانده دوره امتیازمحروم میشد نفع اومعدوم میشد عدم‌النفع میخواست، ولی‌وقتی

شما امکان دادید که کنسرسیوم وشرکت سابق لاحق شود وآن نفع معدوم شده دو-
باره موجود شود یعنی‌عدم‌النفع‌وجودالنفع گردد دیگر آن ارقام موحش بآن‌شکل
ظاهر نمیشد ولی آن ارقام موحش امروزبشکل دیگری ظاهر میشود بدین‌معنی که
جناب آقای نخست وزیر فرموده‌اند که تأخیر تصویب این قرارداد روزی ٤ میلیون
تومان ضرر بملت ایران دارد لابد اقلا همین اندازه هم برای کنسرسیوم ضرردارددو
بهمین مناسبت است آنها که گویا بنفت ایران احتیاج نداشتند و آنرا جبران کرده
بودند حالا باکمال عجله بخلاف تمام اصول حتی پیش ازطرح شدن لایحه درمجلس
کارشناسان خود را فرستاده‌اند ومشغول کار شده‌اند که از روزی ٤ میلیون تومان
عقب نمانند ! حالاشما فرض کنید که بفرض محال تا آخر قرارداد میزان استخراج
همینقدر باقی بماند و کنسرسیوم روزانه ٤ میلیون تومان فقط نفع ببرد اگر این
رقم را در ۳٦۰ ضرب کنید که عایدی سالیانه آنها معلوم بشود وآنرا در ٤۰ ضرب
کنید که عایدات ٤۰ ساله معلوم شود معلوم خواهد شد آن اعداد موحش کدام‌اند
و چگونه عایدات نسل امروزی ونسلهای آینده حاتم‌بخشی شده است واگر در نظر
بگیرید که مطابق نرخ تصنعی خلیج فارس وخرید های کذائی که برای ما میکنند
و پرداخت هائی که در خارج از ایران بحساب شرکت های عامل میکنند و بجیب
خودشان میرود. رویهمرفته نفع آنها باندازهٔ ما نیست بلکه اقلا ٤ مقابل ماست آن
وقت این‌عدد نجومی‌را که بدست‌آمده‌ضرب در ٤بکنید تا معلوم شود اعدادموحشی
کهٔ بموجب این‌قرار داد از ذخیرهٔ ملت ایران بجیب خارجی ! میرود چقدر است ! ؟
آقایان یکی ازاقوی دلائلی که نشان میدهد که‌این‌قرارداد تجدید همان امتیاز است
همین است که دیگر از ما عدم‌النفع‌نخواستند و بقول خود آقای دکتر امینی‌چهل
سال را قبول کردیم که عدم النفع منتفی ! شود ولی ممکن است بگویند که شرکت
سابق ٦۰ درصد نفع خود را از دست داد و معدوم شد راست است که بیك معنی ۵۰
درصد و بمعنی دیگر کمتر از نصف منافع خود را از حوزه عملیات در ایران از
دست داده ولی آنچه شرکت سابق از دست داده بجیب ملت ایران نمیرود بلکه
نصیب سایر شرکتها میگردد ولی آن شرکتها مطابق یك جنتلمنت آگریمنت که

بین خود دارند پا توی کفش همدیگر نمی‌کنند وبهمین مناسبت اولا ششصدمیلیون دلار عدم‌النفع از بابت شصت در صد بشرکت سابق میپردازند و آقای دکتر امینی حق‌دارند که درضمن مصاحبه فرمودند آن عدم‌النفع مربوط بما نیست بین‌خودشان کنار میآیند اگر اصلاً نفت ایران در کار نبود آیا شرکتهای آمریکائی بشرکتهای انگلیسی پول‌میدادند زیرا حقی که از لحاظ امتیاز بهره برداری شرکت سابق برای خود قائل است ۶۰ در صد به آنها واگذار کرده و حق خود را گرفته و بما مربوط نیست وثانیاً عملاً نصف بیشترسهام را تحت‌اختیاراو گذاشتند وثالثاً تشکیل شرکت سوم در لندن مزایای فراوانی خواهد داشت که باضافه پرداختن سهم ایران بلیره مزایائی‌است که قیمت سهام شرکت سابق را بحداعلی ترقی داده و عدم‌النفع بالاخره پا بگیر ملت ایران گردیده است که روزانه از چهار میلیون تومان برای مدت ۴۰ سال بگفته خود جناب‌آقای زاهدی محروم شده است حقیقت مسئله اینطوراست که حتی اگر آن جریمه کذائی ملی‌شدن را هم بفرض محال قابل قبول بدانیم باز تأدیه غرامت برای تأسیساتی که مادام‌العمر یعنی تا مدتی که قابل استفاده‌اند درخدمت غیر است، اصلاً غیرقابل فهم است ما غرامت درصورتی میپردازیم که ملك ما بشود و از ایندستگاه بدست ما بهره‌برداری بشود و برای خودمان، ولی اگرغرامت بپردازیم و دیگران بهره‌برداری کنند چه فایده دارد ؟ آقایان این تأسیسات اصولاً جزء هزینه نفت تهیه میشود و تا مدت دهسال استهلاك میشود و بالاخره موقعی که امتیاز تمام شد تماماً از آن کشور امتیازدهنده است قبل‌ازملی‌شدن صنعت نفت درایران وهمچنین در کشورهای دیگر خاورمیانه غرامت نمی‌پردازند و تماماً از طرف امتیاز گیرنده پرداخت میشود و پس از خاتمه امتیاز نیزهمه مال کشور امتیازدهنده است ملاحظه میفرمائید که ما در مقابل این تأدیه غرامت کوچك‌ترین امتیازی نسبت بکشورهائی که رسماً اصول امتیاز را پذیرفته‌اند بدست نمیآریم و از لحاظ پرداخت غرامت از آنها عقب هستیم .

آقای دکتر امینی در مصاحبه ها و مخصوصاً در تبلیغات وسیع رادیوئی برای توجیه اینکه اختیار اکتشاف و استخراج وتصفیه وبطورکلی بهره‌برداری را بشرکت

های بیگانه منتقل کرده‌اند مدعی شده‌اند که آنچه موسوم به قانون بنام سعادت ملت ایران است و مربوط به تفسیر ملی‌شدن صنعت نفت است قانون نمیباشد و فقط همان عبارت ساده ملی‌شدن صنعت نفت سراسر ایران قانونی میباشد اولاً باید توجه داشت تفسیر ملی‌شدن صنعت نفت باین عنوان که اکتشاف و استخراج و تصفیه نفت باید در دست دولت باشد و بیشتر از یکبار در ضمن قوانین متعدد که توشیح شده از طرف مجلسین تأیید گردیده‌است، ثانیاً بفرض اینکه این تفسیر باین شکل از طرف قانونگذاران تأیید نشده بود همان اصطلاح ملی شدن «صنعت نفت» همان معنی را میدهد . زیرا صنعت بآن وسائل و آلات و ابزار و دستگاه اداری اطلاق میشود که نفت را از زیر زمین بیرون میآورد و مهیا و آماده برای فروش دربازار میسازد بنابراین وقتی صنعت نفت ملی شده یعنی باید مستقیم در دست دولت باشد این صنعت غیر از اکتشاف و استخراج و تصفیه که بهره برداری است نمیباشد بنابر این ادعای آقای دکتر امینی که ملی‌شدن اکتشاف و استخراج و تصفیه از لحاظ قانونی تصویب نشده پوچ است و همه اینها معنی همان صنعت است که در دست دولت قرار گرفتن آن مورد تصدیق خود آقای دکتر امینی است .

وقتی به آقای دکتر امینی درضمن یک‌مصاحبه که شرح آن درروزنامه اتحاد ملی بتاریخ ۱۹ مرداد ایراد شده‌است که صنعت جامع وبمعنی اکتشاف و استخراج و بهره برداری‌است، ایشان اعتراف کرده‌اند که توجهی به آن نکرده‌اند درهمانشماره اتحادملی اینطور نوشته شده : « دکترامینی فکری کرد و گفت راستش‌را بخواهید تابحال باین امر توجهی نکرده و دقت کاملی روی کلمه صنعت ننموده بودیم . . . » ولی اگر ایشان دقتی نفرموده‌اند ملی کنندگان صنعت نفت دقت کامل کرده بودند اگرآقای دکتر امینی این‌قسمت ازسخنرانی خود را که میفرمایند « ما در جریان مذاکرات ازملت رشید وقهرمان ایران ونتایج مبارزات سه سالی که درشرائط دشوار برای تحصیل استقلال اقتصادی و پاره کردن زنجیرهای اسارت گرفته شده است الهام گرفته ایم و بعظمت روح آزاد مردانی که لیاقت چنین مبارزه‌ای داشته‌اند تعظیم کرده‌ایم » واقعاً عجب جملات عالیست . ایکاش معنی‌داشت ، افسوس !آری اگر واقعاً

ایشان از روی ایمـان و عقیده این عبارات را بیان میفرمودند و از آن آزاد مردان الهام میگرفتند بمعنی صنعت نفت توجه میفرمودند و تصدیق میکردند که واگذار کردن حق اکتشاف و استخراج و بهره برداری نه تنها متناقض با قوانین ملی شدن است درعین‌حال مدلول ومفهوم آنرا بکلی بمفهوم ضدش تبدیل‌میکند . (عبدالصاحب صفائی ـ ممکنست بفرمائید چقدر مانده ؟) هرچه خدا بخواهد .

ثالثاً اگر این تفسیر از صنعت نفت که عبارت از اکتشاف و استخراج و تصفیه و بهره‌برداری‌است وباید مستقیم دردست دولت ایران باشد بنظر ایشان قانونی نباشد و قوانین‌هم آنرا تأیید نکرده باشد ولی این تفسیر ساده‌ای باشد که مدعی ما خود این تفسیر را رسماً و کتباً قبول کرده باشد چه لزومی دارد که وزیر دارائی ایران و رئیس هیئت نمایندگی ایران آن را قبول نکند .

درزمان دولت‌سابق کتابی بنام اسناد نفت با گراورهائی ازجلسات هیئت‌وزیران وغیره منتشر شده وهمین گزارشهائیکه راجع بجریان امر نفت و ملی‌شدن این‌صنعت از طرف نخست‌وزیر وقت بمجلس شورای ملی داده شده در رسالاتی طبع ونشرشده که اسناد مهم در آن نشریه‌ها گراورشده است اینك برای جلب‌توجه آقایان قسمت مربوط بجلسه هیئت‌وزیران که فرمولی‌موسوم بفرمول هریمن تهیه گردیده بعرض آقایان میرسد . من امضای جناب‌آقای سپهبدزاهدی را نمیشناسم اگرآنوقت ایشان هنوز وزیر کشور بوده‌اند حتماً امضای ایشان نیز در ذیل این صورت جلسه خواهد بود بنده امضای آقـای سپهد زاهدی را نمیشناسم (وزیر دارائی ـ مال بنده را هم ندیدید آنجا ؟) از اینصورت جلسه و از گزارشی کـه نخست‌وزیر وقت راجع بـه مذاکرات و تلگرافها و مراسلات که بین دولت وقت و هریمن و وزیر امور خارجه انگلستان و آقای میدلتن و آقای ستوکس رد و بدل شده بمجلس داده است معلوم میشود که دولت انگلستان و شرکت سابق نفت و آقای کاردار سفارت انگلستان در تهران و آقای ستوکس مهردارسلطنتی همه اینها ؛ تفسیری از ملی‌شدن صنعت نفت را که مورد تکذیب آقای دکتر امینی است رسماً پذیرفته‌اند . اینك مختصری ازشرح آنداستان .

این یکی از اسنادی که در آنکتاب چاپ شده :

نخست وزیر ـ روز دوشنبه ۳۱ تیر ماه ۱۳۳۰ جلسه مشترك هیئت وزیران و هیئت مختلط در منزل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر انعقاد یافت و بعد از مذاکرات مفصل تصمیمات ذیل اتخاذ گردیده که در مذاکرات امروز عصر با آقای هریمن نماینده مخصوص حضرت جمهوری آمریکا بر طبق آن عمل شود .

۱ ـ فورمولی که باید باآقای هریمن تسلیم شود ازقرار ذیل خواهد بود :

درصورتیکه دولت انگلیس و ایران اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را به رسمیت بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق وارد مذاکره شود .

۲ ـ دولت انگلستان قبل‌از اعزام نمایندگان بتهران موافقت خودرا ازطرف شرکت سابق بااصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید .

۳ ـ مقصود از اصل ملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای‌ملی تصویب شده و درقانون مورخه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ تأیید گردیده است و متن آن ذیلا درج می‌شود :

«بنام سعادت ملت‌ایران وبمنظور کمك بتأمین صلح جهان امضاءکنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشافی استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرارگیرد . »

٤ ـ درموقع مذاکره باآقای هریمن عین تعریف اصل ملی شدن مندرج در ماده فوق باطلاع ایشان برسد تا بعداً سوءتفاهمی در مذاکرات حاصل نشود و نیز یادداشتی راکه‌نمایندگان شرکت‌سابق نفت راجع بطرز قبول اصل ملی شدن‌صنعت نفت بدولت ایران داده‌اند و مورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان برسانند .

محل امضاءِ هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت

٭٭٭

نخست وزیر ـ جلسه فوق‌العاده دولت درساعت ده بعد ازظهر روز دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ درمنزل آقای دکترمصدق تشکیل گردیده ابتدا آقای صالح گزارش

ملاقات نمایندگان هیئت مختلط و آقای وزیر دارائی را بامستر هریمن نماینده رئیس جمهوری آمریکا توضیح داده و گفتند که متن صورت جلسه‌صبح که به‌ایشان داده‌شد قبول کردند که‌مفاد آنرا باطلاع دولت انگستان برسانند. دوم‌اینکه دولت انگلستان قبل از اعزام نمایندگان خود قبولی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران را رسماً اعلام نماید . سوم آقای هریمن اضافه کردند که « من بدولت انگلیس صورت‌جلسه هیئت دولترا اطلاع میدهم وبآنها میگویم که دولت ایران حاضراست راجع بطریقه اجرای قانون تاآنجا که مربوط بمنافع انگلیس است واردمذاکره شود» جمله اخیر پیشنهادی آقای هریمن مورد موافقت دولت قرار گرفت و آقـای وزیر راه بوسیله تلفن این موافقت را بایشان اعلام نمودند .

محل امضاء هیئت وزیران و هیئت مختلط نفت

چنانکه از این دو سند پیدا است دولت ایران فقط در صورتی آمـاده بقبول نمایندگان شرکت برای مذاکره دربارهٔ خرید و فروش نفط و تصفیه‌حساب گردیده که نمایندگان انگلستان بنمایندگی از طرف شرکت سابق باتفسیری از ملی شدن که توسط آقای هریمن بآنها ابلاغ شده بود راضی باشند و این تفسیر را کمیسیون تصویب ومجلس تأیید کرده وبعدها قوانین مکررتوشیح شده ، نیز ،آن تفسیر را تأیید کرده اند ولی بفرض‌محال که این قانون بنابفرمایش آقای دکتر امینی قانون نباشد ولی تفسیری باشدکه دولت انگلستان ونمایندگان شرکت سابق آن تفسیر را بعنوان توضیح اصطلاح «صنعت نفت » قبول کرده باشند آیا در اینصورت باز آقای دکتر امینی آنرا قبول نخواهند داشت ؟

این گزارشی است که آقای نخست وزیر وقت بمجلس داده‌اند ویك قسمت از آن گزارش را میخوانم :

صفحه ٤ متن گزارش اینطور ادامه دارد :

« بدین جهت شب دوشنبه ۷ مرداد ماه در جلسه هیئت دولت وهیئت مختلط نفط . . . نامه‌ای بدین مضمون ارسال گردید ــ دولت‌شاهنشاهی ایران خوشوقت‌است که برطبق فورمول مورخه دوشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۳۰ کـه بجناب آقای هریمن داده

بود دولت پادشاهی انگلستان ازطرف شرکت سابق نفت، اصل ملی شدن صنعت نفط را درایران برسمیت میشناسد وانتظار دارد که این شناسائی رسمی بصورت علنی در معرض اطلاع عمومی گذارده شود. و۳ روز بعداز آن یعنی روزجمعه ۱۱ مردادماه آقای میدلتن کاردار سفارت کبرای انگلستان در وزارت امور خارجه حضور یافته ونامه‌ای بمضمون ذیل بآقای وزیرامورخارجه تسلیم نمودند:

« سفارت کبرای انگلیس - تهران ۱۱ مرداد ۳۰ شماره ۱۰۰ جناب آقای کاظمی وزیر - برحسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطرآن جناب میرساندکه‌این دولت فورمول دولت شاهنشاهی را برای‌مذاکره فیمابین دولت‌شاهنشاهی ودولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت ازطرف شرکت نفط انگلیس وایران و مذاکره درباره موضوعهای‌مربوط بمنافع متقابل‌دولتین توسط مستر هریمن دریافت نموده است.

۲ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است فورمول مزبور را مورد استفاده قرارداده وحاضر است طبق آن فورمول مذاکره نماید.

۳ ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازطرف خود وازطرف شرکت اصل ملی‌شدن صنعت نفطرا درایران قبول مینماید.

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه خودرا تجدید مینماید.

جی . اچ . میدلتن

درصفحه هشت سند مذکور نخست وزیر وقت گزارش خودرا بمجلس شورای ملی اینطور خاتمه میدهد:

« این بود جریان اقداماتی که ازبدو ورود مسترهریمن تا بامروز دربارهٔ رفع اختلافات مربوط بملی‌شدن صنعت نفت درایران صورت گرفته.

اینجانب وظیفه خود میدانم در اینموقع ودر این مجلس از زحمات ومساعی مجدانه ایشان دراین باره صمیمانه اظهارتشکر کنم زیرا حداقل نتیجه‌ای که‌تا کنون از کوششهای ایشان گرفته شده اینست که بر اثر مذاکرات دولتین دعوای ۴۲ سال امتیاز معادن نفت جنوب که ده‌سال آن مربوط بآخر مدت قرارداد دارسی تا سال

۱۹۶۱ و ۳۲ سال دیگر در نتیجه تمدید قرارداد مزبور تا ۱۹۹۳ است بکلی خاتمه یافته امیدوارم مساعی ایشان بنتیجه برسد وباحسن نیت طرفین کلیه اشکالات موجود براساس حق مشروع ایران حل شود . »

نخست وزیر وقت در جلسهٔ ۲۰ مرداد ۱۳۳۰ در ضمن گزارش خود جریـان مذاکرات باهیئت نمایندگی انگلستان‌را به ریاست آقای ستوکس مهردار سلطنتی اینطور بیان کرده است .

« مهردار سلطنتی بدواً ازدولت‌ایران نسبت‌بحسن استقبال‌وپذیرائی صمیمانه‌ای که درموقع ورودهیئت نمایندگی بتهران ازایشان‌وسایراعضاء هیئت شده بودتشکر نموده . . . مسترستوکس وارد جهات‌ودلایل آمدن هیئت‌نمایندگی انگلستان‌بایران گردید وچنین گفت :

غرض ما از آمدن بایران افتتاح باب مذاکرات بوکالت از طرف شرکت نفت طبق فورمولی که بوسیله آقای هریمن بوکالت ازطرف دولت شاهنشاهی ایران‌تسلیم دولت پادشاهی انگلستان گردیده میباشد بطوریکه دولت پادشاهی انگلستان ازاین فورمول استنباط کرده است اصل ملی شدن صنعت نفت را طبق قـانون مورخ بیستم مارس ۱۹۵۱ برسمیت میشناسد که مفاد آن بشرح ذیل است .

کلیه عملیات اکتشافی‌واستخراج وبهره‌برداری ازمنابع نفت‌ایران بایستی‌تحت اختیار دولت شاهنشاهی ایران بوده باشد . . . »

اسناد ومدارک‌مربوط باینکه‌نمایندگان رسمی‌دولت انگلستان اعم‌ازمأمورین سفارت وهیئت اعزامی وغیره اصل ملی‌شدن‌را مطابق فورمول هریمن وتصریح‌باینکه تفسیر راجع باکتشاف واستخراج وتصفیه در دست دولت باشد رسمی میشناسند ، در صفحات ۲۷۳ تـا ۳۷۶ کتاب « اسناد نفت » منتشره از طرف اداره کل تبلیغات و انتشارات ثبت گردیده واسناد رسمی نیز گراور گردیده است . حالا پنج دقیقه تنفس مرحمت بفرمائید .

رئیس ـ نخیر ، هنوز چیزی نگذشته ، اقلا ۳ ساعت بگذرد وبعداز ۳ ساعت تنفس می‌دهم (عبدالصاحب صفائی ـ اصل نطق باید یکساعت باشد) آقـای صفائی

ساکت باشید - آقای درخشش بفرمائید یك وقت یك مطالب مهمی برای کشور پیش میآید که لازم است اگر ۲۴ ساعت‌هم شد طول بکشد. ابراز خستگی کردن بیمورد است بفرمائید (صحیح است).

شوشتری - مامی‌نشینیم.

درخشش - تناقض این قرارداد تنها باقوانین مذکور نیست صرفنظر از اینکه باقانون ۹ماده‌ای درجائیکه ملی‌شدن صنعت نفت ایرانرا تصریح میکند منافات دارد وصنعت همان اکتشاف واستخراج وتصفیه وبهره برداری‌است، این‌قرارداد بااساسنامه شرکت ملی نفت که بشکل قانون توشیح شده‌ای درآمده ولااقل در زمان مذاکره هیئت نمایندگی وامضای قرارداد قانون بوده است وهنوز هم لغو نگردیده متناقض میباشد، باید توجه داشت آقای بیات بموجب همین اساسنامه مدیر عامل شرکت ملی نفت بوده‌اند وبهمین عنوان وباتکیه بهمین اساسنامه قانونی درهیئت نمایندگی‌ایران شرکت فرموده‌اند ولی متأسفانه با امضاء موافقت با این‌قرارداد، اساسنامه شرکت ملی نفت را قبل از لغو شدن زیر پاگذارده‌اند، ماده اول اساسنامه شرکت ملی نفت اینطور است.

ماده ۱ - نظر بقانون مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ شرکتی بنام شرکت ملی نفت ایران برای‌اکتشاف واستخراج وبهره‌برداری ازقبیل تصفیه وحمل ونقل‌وصدور وپخش نفت‌ومشتقات آن تأسیس میگردد ودارای‌شخصیت حقوقی‌است ومدت‌عملیات شرکت نامحدود است.

ماده۲ - کلیه‌عملیات‌شرکت باید بارعایت اصل‌ملی‌شدن صنعت نفت‌وبهیچوجه مخالف بااین اصل نباشد...

چنانچه ملاحظه میفرمائید این قانون یکی از قوانین ملی شدن صنعت نفت است که دولت روی آن عمل میکرده و آقای بیات باتکیه بآن مدیر عامل شناخته شده ماده اول آن ملی‌شدن صنعت نفت‌را همان اکتشاف واستخراج و بهره‌برداری از قبیل تصفیه وغیره معرفی میکند ماده دوم‌آن هرعمل منافی بااصل ملی شدن‌را منع میکند ولی مدیر عامل همین شرکت علیرغم این منع قانونی اختیاراتی راکه حق

تفویض بدیگری ندارد بعنوان مدیرعامل شرکت بیك شرکت بیگانه وبشرکتی که ازاو خلع‌ید شده دوباره تفویض میکند.

مواد ۳و٤ قانون ۹ماده‌ای دولت‌را مکلف میکند که با نظارت هیئت مختلط به مطالبات ودعاوی حقه شرکت ودعاوی حقه دولت رسیدگی کند، درصورتیکه حتی باین تکلیف هم دولت درعقد قرارداد عمل نکرده است.

غرامت و ٦٦ میلیون لیره عدم‌النفع سه ساله ومسئولیت تعطیل شدن صنعت نفت ایران:

راجع بمقدار غرامتیکه درمقابل تأسیسات موجود نفت تأدیه بشود من‌بعکس بعضی‌از آقایان ایرادی اصولاندارم وعقیده دارم که این غرامت‌بادرنظر گرفتن دعاوی حقه ایران باید پرداخت‌شود راجع باینکه‌قیمتهای استهلاك شدهٔ قسمتی ازتأسیسات دوباره پرداخت میشود، ممکن‌است صحیح باشد ولی مهمترین مسئله برای ما زیاد و یا کم بودن غرامت تأسیسات نیست که در هرحال باید پرداخته شود، ولی مهمترین مسئله این است که باپرداخت این غرامت ما مالك تأسیسات هستیم آنطور که حضور آقایان عرض کردم ازمالکیت خودمان بامقایسه نسبت بشرکت‌هائیکه رسماًدرخاور میانه صاحب امتیازاند هیچ‌نوع استفاده نمیکنیم وبنابگفته صریح آقای پیج بمنزله صاحب‌اتومبیلی میمانیم که قیمت آنرامامیپردازیم ولی حق‌استفاده از آن مادام‌العمر ومادامی که قابل استفاده است بکنسرسیوم منتقل میشودسهم ٥۰ و٥۰ حق مالکیت صنعت نفت ویا تأسیسات نفت نیست حق مالکیت منابع نفت است که در موارد دادن امتیاز نیزازآن بهره‌مندمیشدیم، دیگران‌نیز همان‌اندازه‌بهره‌مند میشوند بدون‌آنکه غرامت تأسیسات نفت‌را بپردازند.

مسئله مهم دیگر عدم‌النفعی استکه برای مدت سه سال قائل شده‌اند آقای دکتر امینی بارها گفته‌اند که ازجمله درتاریخ ۳۳/٥/١٦ دراطلاعات درج شده است «شرکت سابق نفت مجبور شد که از خارج نفت بخرد ودرلندن تصفیه کند وببرددر بازارهای‌استرالیا وسایر کشورها توزیع کند بدین‌ترتیب مبالغ‌زیادی خسارت‌دیدند» آقای‌دکتر امینی‌درجواب اینکه چراآنها حاضر نشدند رسید بدهند ونفت‌ازآبادان ببرند اینطور جواب داده‌اند:

« علتش این بود که آنها حاضر شدند دادن رسیدرا قبول کنند منتهی باشرط محفوظ بودن حقوق طرفین که آقای دکتر مصدق این شرطرا قبول نکرد بنابراین شکی نیست که ازملی شدن نفت خساراتی بآنها وارد آمد »(!) وزیردارائی ایران ورئیس هیئت نمایندگی ایران میفرمایند شکی نیست که ازملی شدن صنعت نفت خساراتی !! بایشان وارد آمد وباید آنرا جبران کنیم جمله ایست که آقای وزیردارائی فرمودند (وزیردارائی - مرد منصفی هستم آقا) !!

آقایان البته ازملی شدن صنعت نفت بنابود خسارتی بشرکت سابق وارد آید. یعنی خسارتی که تاآنروز بملت ایران وارد میآمد بنا بود جبران شود وخسارتیرا که ایران درنتیجه عملیات شرکت میبرد نبرد ولی اگر شرکت سابق نتوانسته درمقابل تعهدات خود نفت بدهد این تقصیر ایـران نبوده نتیجه تعمد خود آنها برای تعطیل کردن صنعت نفت ایران بوده زیرا آنهانمیخواستند ملی شدن نفترا برسمیت بشناسند آنها برای خود ازنفت ملی شده حقی قائل بودند درصورتیکه دولت ایران نفت را ملی میدانست و برای آنها فقط حق غرامت قائل بوده که تکلیف آنرا هم قانون نه ماده ای تعیین کرده بود . درهر حال اگر ایران درنفتی که پس از ملی شدن ازایران میبایست صادر شود برای شرکت سابق حقی قائل نبود حق داشت زیرا تمام محاکم سیاسی و قضائی بین المللی هم حق را بایران دادند و در نفت ملی شده ایران حقی برای شرکت سابق قائل نشدند در صورتیکه دیوان دادگستری لاهه و دیوانهای دادگستری ژاپن و ایطالیا وغیره برای شرکت سابق حقی درنفت ایران قائل نشدند. آیا تعجب ندارد که وزیر دارائی ایران ورئیس هیئت نمایندگی ایران که بنا باعلام رسمی خودشان وکیل مدافع شرکت نفت نیز نمیباشند برای آنها حقی قائل شوند ؟! وقتی که صنعت نفت ایران ملی شد ومتعلق بدولت ایران شد ممکنست فرانسه هم بگوید من ازملی شدن نفت شما خسارت دیدم ؛ وقتی نفت متعلق بماست ومربوط بماست بما چه که انگلیس خسارت میبرد یا نمیبرد ؟ (وزیردارائی ـ قراردادش را ازبین بردید ، عجب استدلالی) و بمناسبت استنکاف دولت ایران از نوشتن این حق در رسید نفتی که صادرمیشد ٦٦ ملیون بپردازند حتی خود انگلیسی ها هم دردولت گذشته باین

حق بالاخره عملا تسلیم‌شدند وتقاضاهای‌مکرر ایشان برای‌ارجاع بحکمیت وهمچنین در مورد برسمیت شناختن اصل ملی شدن صنعت نفت و تفسیری که آقای استو کس از آن کرد و بخصوص تقاضای ارجاع بحکمیت در پیشنهاد ترومن چرچیل با حفظ وضع حقوقی قبل ازملی شدن صنعت نفت مؤید این نظریه است که پس ازملی شدن حتی خود انگلیسی هـا هم بـالاخره حقی برای خود در نفت صادر شده از ایران قائل نبودند.

آقایان این شرکت سابق بـا ما نوعی حرف میزند و معامله میکند، بنابمثل معروف‌مثل اینکه درمحله کوران هستیم این آقایان میگویند مانفترا ازعراق بردیم در لندن تصفیه کردیم باسترالیا بردیم و ضرر کردیم و دولت ایران باید این ضرر را جبران کند ازطرف دیگرمیگویند ما نفت ایران‌را جبران کرده‌ایم دیگراحتیاجی بآن نداریم و محض رضای خدا ودنیای آزاد برای نجات دادن ایران از شر کمونیسم مجدداً درجنوب ایران مستقرمیشویم، خوب، حالاشما اگر نفت‌ایران نبود نمی‌بایست نفت را ببرید در لندن ویا امریکا تصفیه کرده وبه استرالیا بفروشید آیا شما ازفروش نفت باسترالیا صرفنظر کرده‌اید؟ وانگهی‌خوب توجه فرمائیدازاین آقایان باید سؤال کرد شما نفت را در استرالیا بقیمت خلیج فارس باضافه مخارج حمل و نقل میفروشید ویابقیمت خلیج‌مکزیك باضافه مخارج حمل ونقل؟ بنابراین‌شما درفروش نفت باسترالیا هرگزضرر نمیکردید ولی‌ازنفع آن نرخ تصنعی‌خلیج‌فارس محروم شده‌اید ومحرومیت شما از نرخ تصنعی خلیج فارس هم تقصیر خود شما بود که نفت ایرانرا نفت دزدیده شده اعلام کردید و علی رغم اصرار دولت ایران حاضر نشدید که کارشناسان خارجی را بعنوان کارمندان شرکت ابقا کنید وحاضر نشدید رسید داده ونفت ببرید ایران را محاصره اقتصادی کردید اعتبارات ایران را راکد ساختید اموال و اجناس خریداری شده‌وپرداخت شده دولت‌ایرانوبازرگانان ایرانی‌را ضبط کردید وخسارات هنگفت بدولت ایران وارد کردید که مجموع آن خسارات را آقای دکتر امینی فقط بسی ملیون لیره تخمین زده اند باضافه تعطیل شدن صنعت نفت ایران! اینك شمه‌ای ازاسناد ومدارك‌مربوط‌باینکه‌تعطیل شدن‌صنعت‌نفت نتیجه کارشکنی دولت‌انگلستان

و شرکت سابق بوده است .

در ۸ تیرماه ۱۳۳۰ وزیرامورخارجه انگلستان پیامی بنخست وزیروقت ایران آقای دکتر مصدق فرستاده است که در صفحه ۳۵۱ کتاب اسناد نفت درج است جمله ذیل از پیام وزیرخارجه انگلستان نشان میدهد که چرا صنعت ملی نفت تعطیل شد ومعلوم میدارد که مسئول آن، که شرکت سابق نتواند بتعهدات خودآنطوری که باید عمل کند، کی بود وزیرخارجه انگلستان درپیام خود ازجمله مینویسد «بنابراین شرکت نمیتواند قبول کند که ناخدایان کشتیهای نفتکش که بوسیله آنها نفت مزبور حمل میشود مجبور بامضای رسیدی گردند که مفاد آن تصدیق مالکیت نفت بغیر این ترتیب باشد . . . .» آقای دکتر امینی توجه فرمائید که بنابگفته وزیرخارجه بریطانیا قائل شدن حقی دربارنامهٔ نفت برای انگلستان انکارمالکیت آن نفت ازطرف شرکت ملی نفت بود وباعث نفی ملی شدن صنعت نفت میگردید همان حق مالکیت که بالاخره مورد تصدیق مجامع قضائی و سیاسی بین‌المللی بنفع ایران گردید .

دولت و ملت ایران نهایت سعی و کوشش خود را کردند که درعین ملی شدن صنعت نفت وخلع ید ازشرکت سابق جریان صنعت نفت ادامه داشته باشد، هم ملت ایران ازفوائد آن بهره‌مند شود وهم صنایع کشورهای غربی از نفت محروم نگردند این لجاجت وتحریکات شرکت سابق بود که ازباقیماندن کارشناسان جلوگیری کرد و از تحویل گرفتن نفت خودداری نمود اینك شمه‌ای از اسناد مربوطه که از کتاب اسناد نفت منتشره از طرف اداره کل تبلیغات نقل میشود در تاریخ ۳۰/۳/۲۰ در نخستین اعلامیه هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت اینطور نوشته شد :

«هیئت مدیره موقت . . . . لازم میداند ماده‌٤ تصویبنامه دولترا . . . . باطلاع برساند . کارشناسان‌و کارمندان و کارگران ایرانی وخارجی شرکت سابق نفت کماکان بخدمت خود باقی و مستخدم شرکت ملی نفت میباشند »

در صفحه ۱٤۲ کتاب اسناد نفت اعلامیه دیگر هیئت مدیره موقت درج است که جملات زیر از آن استخراج میشود :

«بموجب امر دولت‌بکلیه کارمندان ایرانی‌وخارجی‌شرکت‌سابق‌ابلاغ میشود...

که مستخدم شرکت ملی نفت شناخته میشوند کلیه حقوق ومزایا وحقوق بازنشستگی آنها عیناً مانند سابق ازطرف شرکت ملی نفت پرداخته میشود .

« ۲ ـ بااینکه ازطرف هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران هیچگونه ممانعتی برای صدورمواد نفتی نمیشود وفقط اخذ رسید از کشتی‌هائیکه نفت تحویل میگیرند مطالبه شده است کشتی‌ها ازدادن رسید امتناع میکنند» (جناب آقای دکتر امینی توجه بفرمائید) .

« . . . دیروز کشتی ها میخواستند ذیل قبض این عبارت مضحك را قید کنند که « قبض رسید بهیچوجه دلالت برملی شدن نفت ایران وبرسمیت شناختن شرکت ملی نفت ایران نمیکند (وزیر دارائی ـ بمن چه آقا) جنابعالی فرمودید (وزیر دارائی ـ بنده ازقول دکتر مصدق وهمکارانشان گفتم امضاء نکنید) وتحویل گیرنده تعهدی برای پرداخت نفت تحویل شده ندارد » . . . . درعین حال اکیداً دستور داده شده است که ازجریان نفت وتحویل دادن بهیچوجه جلوگیری نشود . . . »

هیئت مدیره وقت شرکت ملی نفت ایران

رسید بارگیری از طرف شرکت ملی نفت باین مضمون تهیه شده بود .

«رسید بارگیری شرکت ملی نفت ایران . تاریخ . شماره . . . . رسید بارگیری فرآورده‌های نفتی . اینجانب ناخدای کشتی . . . دارای شناسنامه شماره . . . بموجب بارنامه شماره . . . . تن تحویل مقصد . . . . بندر . . . . بارگیری کردم امضاء . . . . . »

این نمونهٔ بارنامه‌ای بود که شرکت ملی نفت ایران چاپ کرده بود برای اینکه اگر بخواهند نفط ایران‌را ببرند این بارنامه‌را پر کنند وزیرش‌را امضا کنند .

ولی شرکت سابق تحریکات میکرد وشایعات دروغ برای مشوب ساختن اذهان کارمندان خارجی وداخلی پخش میکرد وبرای خاتمه‌دادن باین تبلیغات گمراه کننده نخست وزیر وقت پیامی بکارگران وکارمندان خارجی مناطق نفط خیز فرستاد که اینك چند سطر ازآن پیام :

« آقایان محترم ازتاریخی که . . . دولت وملت ایران باتمام علاقه مایل بوده‌اند ازکلیه کارشناسان وکارمندان وکارگران خارجی که . . . بخدمت مشغولند کمافی السابق

استفاده کامل بعمل آید واستخدام آنان باهمان حقوق ومزایا وحقوق تقاعد ادامه یابد ووسائل هر گونه تشویق آنان فراهم گردد تا آنان بتوانند با رفاه واطمینان عمل بهره برداری نفت را که برای دول غربی وخود ایران اهمیت حیاتی دارد حتی بهتر از سابق ادامه دهند، با کمال تأسف شنیده میشود که صحبت استعفای دسته جمعی پیش آمده درصورتی که هیچگونه مجوزی برای اینکار نیست وچنین اقداماتی . . . برای دول مصرف کننده نفط ایران هم متضمن ضرر هنگفت خواهد بود آقایان بدانند که برخلاف شایعات تحریك آمیز هیچگونه نگرانی نسبت بمال وجان ورفاه وآسایش شماها قابل تصور نیست »

بنابراین مسئول دولت انگلیس است نه ملت ایران ، مسؤل آنها هستندوبنابراین دولت ایران نه تنها دیناری نباید بدهد بلکه خساراتش راهم باید پس بگیرد (احسنت) (دکتر بینا ـ این قسمت کارشناسان را بنده استفاده کرده بودم ایشان گفتند) شمس قنات آبادی ـ جناب رئیس پنج شش دقیقه تنفس بدهید .

رئیس ـ درساعت معین خودم نیم ساعت تنفس میدهم . بفرمائید . (عبدالصاحب صفائی ـ درساعت ۹ تنفس مرحمت کنید) .

درخشش ـ وقتی صحبت از خسارات وارده از بابت تعطیل شدن صنعت نفت ایران میشود ومادامی که این تبلیغات متوجه گذشته است آقای دکتر امینی ورادیو دولتی ازمبالغ هنگفت وهزار وپانصد ملیون دلاربحث میکنند آقایان دراینکه دولت گذشته فرصت مناسبی راازدست داد ودرنتیجه عدم توجه بحقایق اوضاع باعث شد که ماامروز دچار این قرارداد گردیم (جناب آقای شوشتری ترجمه ها راگوش کنید) (شوشتری ـ تکلیف برای بنده معین نفرمائید شما فارسیهایتان را صحیح بخوانید) صحبت کردم ولی نباید مصالح کشور را فدای تبلیغات کنیم . دولت گذشته تاحدی که مربوط بنفت است ازلحاظ آنکه واقع بینانه بیکی ازراه حلهائی که دراواخر پیشنهاد شده بود توجه نکرد، قابل انتقاد است، ولی این دولت ایران نبود که باعث تعطیل شدن صنعت نفت ایران گردید اگر ماملی شدن صنعت را افتخاری میدانیم باید بپذیریم که خلع ید لازم بود ولی این شرکت سابق بود که بالجاجت نخواست اصل ملی شدن

راقبول کند وبرای اینکه ایرانرا بزانو درآردبابهانه گیری صنعت نفترا تعطیل کرد و خسارات هنگفتی بدولت ایران وارد آورد کـه آقای دکتر امینی با کمال تأسف تمام آنرا بسی ملیون لیره تخمین زده‌اند صحیح است کـه تراست های نفت خیلی نیرومند هستند ولی بـالاخره امکان پیدا کردن مشتری برای نفت وجود داشت این شرکت سابق نفت بود که بکمك شرکتهای امریکائی و غیره که هم اکنون عضو کنسرسیوم میباشند باتحریم نفت ایران و محاصره دریائی خسارات هنگفت بمـا زد برای آنکه آقایان توجه فرمایند که اگر کارشکنی‌های تراستهای نفت نبودودولت سابق‌هم باسرسختی کار را عقب نمیانداخت امکان فروش نفت حتی بشرکتهای آزاد بقدر کافی وجود داشت (محمد علی مسعودی همین شرکتهای‌آزاد بودند که این بلارا بسر ایران آوردند) استناد بگفته آقای ماك کی معاون سابق وزارت خارجه امریکا میکنیم که درزمان طرح دعوای ایران درشورای امنیت که درحضور آقایان نمازی متین دفتری ـ بیات ـ صالح وآقای دکتر محمد مصدق ودیگر اعضای میسیون اظهار داشته است . اینك اظهار ایشان : « دولت ایران خواهد توانست ۹۵۰ هزار بـارل در روز یعنی دوازده ملیون تن درسال بشرکتهای آزاد بفروشدولی‌بیشتر از آن مشکلاتی را در بر خواهد داشت» (داراب ـ شرایط آنروز با امروز فـرق داشت) هیچ چیزی نیست که ازبین رفته باشد . درنتیجه تشریك مساعی شزکت سابق وشرکتهای بزرگ نفت امریکا که حالا عضو کنسزسیوم رسمی هستند و در آنـروزها کنسرسیوم ثبت نشدهٔ در تمام جهان بودند نه تنها ایران متضرر شد بلکه آنها بمصرف کنند گـان اروپا و امریکا نیز خساراتی واردآوردند که درزمان مستر ترومن بنابود باین عنوان تعقیب و مجازات شوند ولی در نتیجه تغییر حکومت در امریکا شرکتهائی که بکمك شرکت سابق توطئه برای تعطیل شدن صنعت نفت ایران وجبران آن ازنقاط دیگر دنیاشده علاوه براین که خساراتی بمصرف کنندگان‌امریکائی‌وارد کرده بودند مجازات نشدند بلکه بالعکس آنها برخلاف‌قانون ضدتراست امریکا مجاز به تشکیل کنسرسیوم در باره نفت ایران گردیدند .

آقایان یك توجه سطحی‌باین مسئله که چرا درامریکا قانون ضدتراست‌وجود

دارد ومعنی آزاد گذاردن آنها برای تشکیل کنسرسیوم فقط درباره نفت ایران چیست ما را بحقیقت قرارداد حاضر آشنا میسازد سوء استفاده تراستهای نفت از مصرف کننده واز تولید کنندگان جزء باندازه ای جرم مشهود بود که دولت سرمایه داری امریکا نیز نتوانست آنرا تحمل کند واین اضرار مصرف کننده وتولید کنندگان جزء را خلاف قانون اعلام کردند ولی دولت امریکا اجازه داد این « شرکت بی‌نظیر » برای اضرار تولید کنندگان نفت ایران بوجود آید. تشکیل شدن رسمی کنسرسوم برای استخراج و اکتشاف و بهره‌برداری از نفت ایران بعنوان مجاز گذاردن رسمی استثمار بی‌رویه در تاریخ باقی خواهد ماند.

این قرارداد بطور خلاصه تمام دعاوی حقه ایرانرا تاامروز بطور چکی مصالحه میکند وازبین میبرد من بطور اختصار اصول دعاوی ایران را که رئیس هیئت نمایندگی چکی معامله فرموده‌اند برای یادآوری میشمارم :

۱ ـ سهم منافع ایران بابت تفاوت قیمت نفتی که بقیمت تمام شده بطور محرمانه بدریا داری انگلستان فروخته شده که مقدار آنرا آقای مکی درسخنرانی خود در مجلس برای مدت امتیاز جدید با ذکر اسناد و ارقام یکصد و بیست میلیون تعیین کرده است.

۲ ـ سهم ایران درشرکتهای تابعه ومؤسسات خارج ازایران وحساب استهلاکها و ذخیره‌ها که قیمت ۳۷ مؤسسه بزرگ آن در بدترین زمان یك میلیارد لیره تقویم شده است که در شرائط حاضر بی‌شك خیلی بالا رفته‌است و ۲۰ درصد آن حقاً سهم ملت ایران است.

۳ ـ بهای نفتی که ازتاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تاخلع ید ۲۹ خرداد ۳۰ توسط شرکت سابق ازایران صادر شده باضافه نفتی که کشتیها بدون دادن رسید قاچاق کردند.

٤ ـ ٤۹ ملیون لیره کـه در تراز نامه ۱۹۵۰ شرکت سابق بابت طلب ایران موجود بود علاوه برآینها امروز در مخزنهای آبادان ۱۵۰۰۰۰۰ تن نفت تصفیه شده موجود است که توسط ایرانیها و بخرج شرکت ملی نفت تصفیه گردیده.

۵ ـ مطالبات دولت بابت حقوق گمرکی ومالیات که ازشرکت سابق طلب دارد.

۶ ـ طلب ایران بابت تفاوت قیمت واقعی طلا در بازار لندن و نرخ رسمی . توضیح آنکه شرکت سابق برخلاف نص صریح بند ۵ از ماده دهم قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ بجای آنکه حقوق متعلق بدولت ایران را در صورت تنزل بهای لیره براساس قیمت طلا دربازار لندن بپردازد نرخ مصنوعی و رسمی را اساس محاسبه قرار داده وازاین لحاظ هم حق ایران را ضایع نموده .

۷ ـ خسارت سه‌ساله محاصره اقتصادی و ممانعت از فروش و صدور نفت ایران و لغو یکجانبه قرارداد بانکی وضبط اموال خریداری شده ازطرف دولت و امثال آن حالا در حاکمیت ملی با اشاره بقانون نفت ترکیه که در ۱۹۵۴ گذشته است، بحث میکنم . این قانون ، نفت ترکیه را آن قسمتش‌را که لازم بوده دراین‌جا نوشته‌ام و در ۱۹۵۴ قراردادی بستند قانونی را که گذراندند وقراردادهائی باشرکتهائی که با ما معامله کردند . ملاحظه بفرمائید بچه طرز (استدعا میکنم توجه بفرمائید) .

ترکیه یکی از کشورهائی است که باوجود کوششهای زیاد تابحال منابع نفتی مهمی درآن کشور پیدا نشده وباآنکه درحال حاضر مقادیر کمی نفت درحدود ۲۸،۰۰۰ تن در سال استخراج میکند ولی این مقدار کفاف مصرف روزافزون داخلی آنرا نمی‌دهد تا چه رسد بصادرات و ترکیه مجبور است هر ساله مبالغ زیادی ارز برای خرید و واردات نفت از خارجه مصرف نماید بمنظور تشویق سرمایه‌داران خارجی جهت توسعه منابع نفتی ترکیه درتاریخ ۷ مارس ۱۹۵۴ قانونی از مجلس آن کشور گذشت که درواقع تقلید ازقانون نفت کشور اسرائیل بود . طرح این قانون بکمك دو نفر مشاور امریکائی تهیه شده وهمه محافل نفتی جهان قانون مزبور را بانظر بسیار مساعد تلقی کردند .

شرح تمام جزئیات قانون ترکیه دراینجا مورد ندارد و قسمتهائی ازآن که ازلحاظ آقایان محترم خواهد گذشت جالب توجه میباشد .

کشورترکیه به ۹ منطقه نفتی‌تقسیم‌شده و درداخل یکی ازاین مناطق‌پروانه اکتشاف برای حداکثر مدت شش سال و منتها در هشت ناحیه که مساحت هریك

نباید از پنجاه هزار هکتار تجاوز نماید اعطا میشود . پس از کشف منابع نفتی اجازه بهره‌برداری برای حداکثر ۲۵۰۰۰ هکتار داده میشود .

حق‌الامتیاز ۱۲/۵ در صد است و ظاهراً نظر تدوین کنندگان لایحه این بوده که این حق‌الامتیاز باضافه مالیاتهای دولت ترکیه جمعاً از پنجاه درصد منافع تجاوز نکند ولی یك ماده از طرح که این شرط در آن تصریح شده بود بعلت اینکه با حق حاکمیت و آزادی دولت دروضع مالیات که ازحقوق مسلم هر کشور مستقلی میباشد منافات داشت موردمخالفت شدید پارلمان ترکیه قرار گرفت وازلایحه حذف گردید . در نتیجه دولت ترکیه حق‌دارد در آینده هرمقدار مالیات و یا هر نوع مالیاتی را که صلاح بداند بر کمپانیهای نفت تحمیل کند و سهم خودرا تا هرقدر بخواهد بالاببرد .

در طرح اولیه لایحه پیش‌بینی‌شده بود که حقوق اعطاشده بموجب این‌قانون در حکم یك قرارداد بین دولت ترکیه و شرکت خارجی است و در واقع باین‌ترتیب خواسته بودند از تفسیر و تغییر یکجانبه آن از طرف دولت ممانعت بعمل آورند این ماده لایحه نیز بعلت آنکه ناقض حق حاکمیت ترکیه بود ازطرف پارلمان رد شد .

در قانون نفت ترکیه هیچگونه اشاره‌ای بموضوع ارجاع بحکمیت مراجع بین‌المللی در صورت بروز اختلاف بین دولت و شرکتهای نفتی خارجی نشده است زیرا در دعاوی بین دولت و یك شرکت خارجی مرجع قانونی مقامات رسمی کشور است برای نظارت دراجرای قانون نفت یك اداره نفت مرکب ازاشخاص فنی‌وحقوقی تشکیل‌شده است . ازوظایف این‌اداره اعطای پروانه اکتشاف، اجازه برای بهره‌برداری گواهی‌نامه برای کشیدن لوله نفت و ایجاد تأسیسات مربوطه است . اداره مزبور در حدود قانون نفت اختیارات کامل دارد ولی شرکتهای نفت درصورتیکه از تصمیمات این‌اداره و یا ازتغییر مقررات نفتی درآتیه شکایتی داشته باشند میتوانند به‌وزیرصنایع یا شورای دولتی (که درحکم دیوان تمیز است) استیناف بدهند .

بموجب قانون جدید کلیه شرکتهای نفت که دولتهای خارجی در آن سهیم یا بنحوی از انحا ذینفع باشند (از جمله شرکت نفت انگلیس و ایران ـ شرکت نفت فرانسه ـ شرکت نفت ایتالیا و شوروی) از دریافت پروانه و اجازه بهره‌برداری در

ترکیه محروم میشوند با وجود آنکه طبق تحقیقاتیکه تابحال بعمل آمده کشور ترکیه استعداد زیادی برای نفت ندارد و با آنکه ریسك و خطر سرمایه زیاد است در یك کشوری که نفت ندارد و سرمایه خیلی زیادی باید بکار بیندازند و صنعت نفت باید از هیچ بوجود آید معهذا بموجب قانون نفت دولت ترکیه آزادی عمل کامل خود را در مورد مالیات ـ رسیدگی بدعاوی شرکتهای نفت و سایر امور حفظ کرده است و با این حال قانون مزبور مورد توجه و علاقه زیاد محافل نفتی واقع شده و در این مدت کوتاه چندین شرکت خارجی از جمله رویال دوچ شل سوکونی و اکیوم وغیره برای اخذ پروانه هجوم آورده‌اند ، با این قانون که در۱۹۵٤ تصویب شده وبا این که درآنجا نفت نایاب است با اینحال این شرکتها هجوم آوردند وقرارداد بستند (وزیر دارائی ـ عاشق ترکیه‌اند) عاشق ترکیه نیستند خیلی معذرت میخواهم سیاست‌مدارانشان تسلیم نمیشوند .

در ماده ۲۸ این قرارداد که خیلی مبهم نیز میباشد ولی بطور وضوح تعهداتی برای دولت ایران ازلحاظ عدم وضع قوانین مالیاتی قائل‌شده اند که باشأن یك کشور مستقل کـه برای حاکمیت خود ارزش قائل است منافات دارد شنیده میشود کـه بعضی از آقایان‌میگویند که مابنواقص عظیم این قرارداد آشنا هستیم ولی برای‌حفظ استقلال خود ناچاریم آنرا تصویب کنیم اولا ازاین آقایان سؤال میکنم که خوب، تصویب هم میکنید لااقل برای مدت عمر خودتان تصویب کنید نـه برای نسلهای آینده ثانیاً این چه استقلالی است که خوداین قرارداد استقلال‌ملی مارا ازبین‌میبرد ترکیه بااحتیاج مبرم کـه بجلب سرمایه های خارجی برای اکتشاف نفت دارد این تعهد را قبول نکرد . دراین ماده ۲۸ علاوه بر تعهد برای عدم وضع قوانین مالیاتی تعهدات عجیبی برای معافیت هائی ازنوع دیگر قائل‌شده اند که باشأن ملت مستقل ومتساوی الحقوق بادیگران منافات دارد وپس از تجربیات تلخ باشرکت سابق تعجب است که دولت باز هم اینگونه تعهدات را میپذیرد . در ماده ۲٤ هم معافیت ها برای ماشین آلات وکلیه لوازم این شرکت غول آسا پیش‌بینی شده‌است کـه خیلی مورد تأمل و باعث تعجب است بدتر ازهمه قبول نوعی ازکاپیتولاسیون درمواد ۵۲ و٤۳ و

قبول کاپیتولاسیون‌در ماده ٤٤ است که‌مراجعه‌بداوری بمؤسسات خارجی (شوشتری معنی کاپیتولاسیون این است ؟) بعداً ازجنابعالی یاد میگیرم (شوشتری ـ البته‌باید یاد بگیرید) کــه درتر کیه نیز ازآن‌سرباز زده‌اند من امیدوارم آقایان این مواد را بار دیگر با دقت مطالعه فرمایند وباوسعت نظر تاریخی تأمل کنند کــه نسلهای آینده‌درباره ما چه‌فکر خواهند کرد . آقایان اگرما صاحب نفت هستیم واصل ملی شدن ملحوظ شده است پس چطور است کــه ما خریدار نفت از کنسرسیوم هستیم وباقیمانده ۱۲٫۵ درصد نفت تا ۵۰ درصد سودهم بعنوان مالیات حساب شود وماحق وضع مالیات در کشور خود نداشته باشیم بنده قبل از اینکــه صحبت بکنم یکی از آقایان که نمیدانم کدامیك از آقایان بود گفتند که چطور میخواهند حق حاکمیت مارا سلب کنند ، چطور میخواهند اختیار مجالس آینــده را سلب بکنند ، بموجب ماده ٤۱ قرارداد میخواهند اینکاررا بکنند .

در ماده ٤۱ قرارداد میخواهدحق قانونگذاری را ازمجالس مقننه آینده‌سلب کنند هر چند تصویب شدن این ماده ومواد مشابه عملا این حق قانونی را که جزو حاکمیت ملی است از ملت ایران سلب نمیکند ولی منافی شأن این مجلس است که این گونه قرارداد ها را تصویب کند مثلا قسمتی از جزو ب ماده ٤۱ را می خوانم :

« جزء ب هیچگونه اقدام قانون گذاری یااداری اعم از مستقیم یاغیر مستقیم ویاعمل دیگری ازهرقبیل ازطرف ایران یامقامات دولتی درایران (اعم ازمرکزی یا محلی) این قرار داد را الغا نخواهد نمود ودر مقررات آن اصلاح یا تغییری بعمل نخواهد آورد ومانع ومحل حسن اجرای مقررات آن نخواهد بود » .

آقایانی که دراین مجلس نشستند وتصمیم گرفتند وتصمیمشان هم بجا بود کــه مجلس بیك شخص یااشخاص نباید اختیار بدهد واختیاراتش را از خود سلب کند و اختیاراتی راکــه بآقای نخست وزیر سابق داده بودند مجلس گفت برخلاف قانون اساسی است بااینحال چطور اجازه میدهید کــه بیایند اختیارات مجالس آینده را تا چهل سال ازآنها سلب کند .

رئیس ـ چه میگوئید آقا اختیار مجلس راکی سلب میکند ؟ (شوشتری ـ

چرا این حرفهـا را میزنید ؟) ساکت باش آقا بشما چه بگذارید حرفشانرا بزنند (نراقی ـ در هرقراردادی این هست) .

وزیردارائی ـ توضیح دارد آقا .

درخشش ـ آقایان نمیدانم چه مصلحتی مارا مجبور میکند که اینگونه تعهدات را برای خود سهل است برای فرزندان خود نیز بعهده میگیریم ولی تاریخ نشان داده است ودیروز باچشم خود دیدیم وشاید درمدت عمر من وشما باردیگر خواهیم دید که این گونه تعهداتی که باشرائط زمان وفق ندارد دیری نمی‌پاید وغیر ازخشم ونفرت نسبت به عاقدین آن ثمری بار نمیارد .

تاریخ تکرار میشود ماده ۲۰ قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ نیز حق حاکمیت ملی وقانونگزاری قوه مقننه‌رامحدود کرده بود که دچار آن سرنوشت شد آقایان چگونه ممکن است بدون استقرار کاپیتولاسیون ازنو اینگونه مواد را تصویب کرد . من عقیده ام اینست که شما نمایندگان نمیبایستی اجازه دهید حتی این گونه مواد بمجلس شورای ملی پیشنهاد شود ، غیرقابل تصور است که در نیمه دوم قرن بیستم در کشوری باموقعیت جغرافیائی ایران حقوق برون مرزی برای شرکتهای خارجی تصویب شود ودر دنیائی کـه آنرا دنیای آزاد مینامیم و در دوره سازمان ملل متحد بقول آقای دکتر امینی تاجر بیاید و دولت ومجلسی را وادار سازد (مهـدوی ـ آقا وادار سازد چیست ؟ خوب نیست این مهملات اینجا گفته شود اینجا مجلس شورای ملی است) که حق قانونگذاری را تاچهل سال ازملتی ودولت ومجالس مقننه اش سلب کند .

آقایان چرا دولت انگلستان مثلا ازاین شرکت نفت در شرائط معین میتواند نود درصد مالیات ازثروتی بگیرد که بدست کارگران وروشنفکران وزحمتکش ایران بوجود آمده بنا بر این یك دولتی میتواند در مملکت خودش از یـك شرکتی کـه می آید منابع یك دولت مستقلی را استخراج می کند تااین حد مالیات بگیرد ، ولی ما ازیك شرکتی که می آید منابع نفتی مارا استخراج میکند حق نداریم مالیات بگیریم و دولت ایران در کشور خود از شرکتهائی که در قلمرو حاکمیت ملی او بدست صد ها هزار زحمتکش ایرانی ثروت ازاعماق زمین بیرون میارند حق گرفتن مالیات

نداشته باشد! وحتی تا ٤٠ سال هم این حق را از نسلهای آینده واز مجالس مقننه سلب کند !؟ چرا در ترکیه این اجبار وجود ندارد ولی در ایران ما مجبوریم این وضع را قبول کنیم ؟! آقایان این تاجرهای معصوم آقای دکتر امینی از طرفی حق السهم ایران را مالیات حساب میکنند واز طرف دیگر سلب حقوق مالکیت ملی مارا تضمین برای حقه بازیهای خود قرار میدهند که کم وبیش در کشور های خودشان نیز تعدیلی در پرداخت مالیات بدست آرند برای توجه آقایان حق ایران و مالیاتی را که شرکت سابق درسالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹٤۸ میپرداخته بعرضتان میرسانم حالا وضع مابا کنسرسیوم همان آش وهمان کاسه است :

سود شرکت سابق	مالیات بردرآمد بریطانیا	حق ایران
۱۹۳٦ ۹ر٦۲٤ر٤۳٦ لیره	۹۱۰ر۵۵۹ لیره	٦۳۷ر۸۷٤ لیره
۳۸ ۱۰ر۵۸۳ر۹۸۵ »	۱ر۱۵۷ر۰۹۲ »	٦۷۱ر۲۵۰ »
٤٤ ۱٦ر۳۲۱ر۹۹۹ »	۱۰ر٦۳٦ر٤۵۷ »	٦۷۱ر۲۵۰ »
٤۵ ۱٦ر٤۷۷ر۲۱۱ »	۱۰ر٦۸۱ر۳٦٤ »	٦۷۱ر۲۵۰ »
٤٦ ۱۹ر۹۱۲ر٤۳٤ »	۱۰ر۲۷۹ر۲٤۱ »	۱ر۰۷٤ر۰۰۰ »
٤۷ ۳۳ر۸۳۱ر۸۷۹ »	۱۵ر۳٦٦ر٦٦۵ »	۱ر۰۷٤ر۰۰۰ »
٤۸ ۵۲ر۷۸۲ر۲٤۱ »	۲۸ر۳۱٦ر۳۵۲ »	۱ر۰۷٤ر۰۰۰ »

حالاهم همان وضع است دولت ایران ازخود سلب حق قانونگذاری کرده ولی دولت انگلستان ۹۰ درصد مالیات بردرآمد وضع میکند واخذ میکند ولی ما ملعبه میشویم که شرکت سابق بتواند ازحق مالیات پرداختن در آنجاهم کم وبیش معاف باشد تاباهمان پولها بتواند بیشتر مارا تحت تأثیر خود قرار بدهد .

درآخر ، اینجا بیك نکته اشاره میکنم که دراین مجلس آقایان بحق اظهار نگرانی کردید که در آینده اختیاراتی کـه حق مجلس قانونگذاری است به شخصی هرچند به‌بزرگترین سیاستمدار ایران باشدوا گذارنشود اما باید توجه داشت همانطور که مجلس نبـاید اختیار قانونگذاری را بیك شخص تفویض کند همچنین برای منافع بازرگانی یك تاجر هم نباید اختیار قانون گذاری را ازخود واز مجالس آینده سلب

کند (یك نفر از نمایندگان ـ چند ساعت دیگر وقت میخواهید ؟) بنده تاهفت‌هشت ساعت دیگر اینجا هستم خسته هم نمیشوم (شوشتری ـ ماهم می‌نشینیم) .

رئیس ـ نخیر بنده الان تنفس می‌دهم وبعدهم مجلس را تشکیل میدهم شما بفرمائید پنجدقیقه دیگر صحبت کنید .

درخشش ـ بنده قبلا هم درآن‌مقدمه‌ایکه بعرض مجلس‌شورای ملی‌رسانیدم عرض کردم که در شرایط فعلی باوضع فعلی که ما داریم میتوانیم قراردادی بهتر از این قرارداد ببندیم وعلتش را الان عرض میکنم .

باشرائط موجود حل مسئله نفت باشرائط مساعدتری امکان پذیر است :

نظری باوضاع کنونی جهان‌نشان میدهد که اعمال نفوذ دوقطب نیرومندجهان درملل ضعیف ویاعقب مانده بخصوص در دوران صلح ویا دوران جنك سرد بوسیله شرکتهائی استکه در کلیه آنها اصل تنصیف منافع قبول شده است ولی ادارهٔ صنعت وامتیازاتی مشابه در دست شرکتهای بزرك است دولت نیرومند شوروی کـه این همه دادسخن درباره مبارزات ضد استعماری میدهد خود بوسیله همین نوع شرکتها کـه اصل تنصیف منافع را قبول کرده اند در کشور های دست نشانده بالکان نفوذ خودرا اعمال میکند . حتی جنگهاهم مقدمه ای برای‌همین تقسیم جهان بین قدرتهای‌بزرك ازلحاظ سوءاستفاده اقتصادی است ارتش سرخ ببهانه اینکه صلح هنوز در اطریش‌و آلمان مستقر نشده است وخودشوروی باعث این عدم استقرار صلح است ارتش‌سرخ را در کشورهای بالکان نگاهداشته است ولی چه استفاده از استقرار ارتش سرخ در کشور های بالکان میکند .

رئیس ـ آقای درخشش تأمل کنید مـاده هفتاد آئیننامه قرائت میشود بعد بیست دقیقه تنفس میدهم و دو مرتبه بموجب همین مـاده جلسه تشکیل خواهـد شد (ماده ۷۰ بشرح زیر قرائت شد) .

ماده ۷۰ ـ حداقل مدت هرجلسه سه‌ساعت است مگر اینکه هیچ مطلبی‌چه برای مذاکره وچه برای رأی موجود نباشد درصورتیکه پس ازانقضاءوقت ، رئیس ، جلسه خصوصی اعلام کنددر اینصورت‌غیبت از جلسه خصوصی هم مشمول ماده فوق

خواهد بود و اگر جلسه علنی در وسط کار بعنوان تنفس تعطیل شود مدت تنفس نباید از نیمساعت تجاوز کند ورئیس مکلف است جلسه را ثانیاً تشکیل دهد وغائبین، مشمول جرائم مقرره خواهند بود .

رئیس ـ حالا بیست دقیقه تنفس میدهم و بعد از ۲۰ دقیقه جلسه تشکیل میشود (مجلس ساعت ۱۸ و پنجاه دقیقه بعنوان تنفس تعطیل و ساعت ۹ و ده دقیقه مجدداً بریاست آقای رضا حکمت تشکیل شد .)

رئیس ـ آقای درخشش بفرمائید صحبتتان را ادامه بدهید .

درخشش ـ تنهانتیجه اصلی واساسی عبارت ازاینست که شوروی روابطاساسی خودرا با کشور های بالکان روی تأسیس یك سلسله شرکت های مختلطی قرار داده است که صنایع کلید این کشورهارا دردست بگیرد دراین شرکت‌های مختلط هم اصل ۵۰ و ۵۰ ملحوظ است ولی مدیر عامل شرکت واکثریت هیئت مدیره ازطرف شوروری تعیین میشود وکاملا مشابه ماده ٤ قرارداد حاضر ، اختیاراتی بشرکتهای مختلف داده میشود که درقلمرو حاکمیت ملی دول بالکان راه سازی وهواپیمائی وکشتی رانی و غیره بوسیله شرکتهائی عملی میشود ، که نیرو وقدرت خودرا از کشوردیگری میگیرند و یا مطابق فورمول معمول درقرارداد حاضر ، آن شرکتها برحسب قوانین هلند و انگلستان تأسیس میشوند . اگر بتاریخ روابط شوروی و یوگسلاوی و طغیان اخیر تیتو بر علیه مسکو رجوع کنیم متوجه خواهیم شد که اختلافات آنطوریکه شوروی‌ها اعلام داشتند اصلاً وابداً مربوط باختلافات ویا انحرافات ایدئو- لوژیك نبود خود دولت شوروی از آن ایدئولوژی که مدعی ، داشتن آنست مدتهاست عدول کرده وبسیاست توسعه‌طلبی وتقسیم جهان بین قدرتهای بزرك دنیا گرویده‌است وبهمین‌مناسبت‌راست میگویند که معتقد بهمزیستی باامپریالیسم غربی برای‌خوردن جهان هستند واگر آنهاازاصولی که مدعی‌پیروی ازآنند منحرف نشده بودند هرگز بهمزیستی با رژیمی که آنها رسالت خود را از بین بردن آن میدانند معتقد نمیگردیدند .

درهرحال اختلاف یوگسلاوی وشوروی مربوط بهمین دعاوی بود که‌شوروی

خواست شرکتهای مختلط دریوکسلاوی بوجود آرد و آنهائی را که بوجود آورده بود توسعه دهد کتاب سفیدی حاوی اسناد قابل توجه مربوط بهمین موضوع از طرف وزارت خارجه یوکسلاوی منتشر شده که قسمتهائی از آن مربوط بطرح اختلافات بین دولتین است که درمجامع بین‌المللی مطرح شده ویا درداخله کشور مطرح بوده از این کتاب سفید نسخی نیز درایران منتشر شده وترجمهٔ قسمتهائی از آن درمجلات ایران نشر گردیده است دولت یوکسلاوی پروازهواپیماهای این شرکتها را وهمینطور ورود وخروج کشتیهای این شرکتها را درآبهای یوکسلاوی مخالف حاکمیت و استقلال ملی خود اعلام کرد وبالاخره انحلال بعضی ازاین شرکتها را رسماً بشوری اعلام کرد واینها باعث اختلاف این دو کشور و کناره گیری شجاعانه یوکسلاوی ازبلوك شرق و اعلام استقلال ازهردوبلوك گردید . درآنروزها شوروی میخواست یك شرکت نفت درست مشابه شرکت مختلطی که درایران طرح آنرا ریخته بودند در یوکسلاوی نیز تأسیس کندوحتی‌دولت یوکسلاوی دربحث ومذاکره بشرائط شرکت مختلط فرضی ایران وشوروی نیز اشاره کرده بود که بالاخره باکناره گیری یوکسلاوی از کمینفرم تشکیل آن شرکت نیزمنتفی گردید . آقایان باید توجه داشت که تغییر دادن اسم، ماهیت را تغییرنمیدهد این عبارت پردازی‌ها و بلند پروازی‌های کمینفرم که کلمات و اصطلاحات مترقی را وسیله‌ای برای استثمار زحمتکشان کشورهای بالکان و وسیلهٔ استعمار کشورها قرارداده‌اند ماهیت قضیه‌را تغییرنداده است شرکت مختلط نفت‌ایران وشوروی هم نتوانست ماهیت این امتیازاستعماری را که شوروی میخواست درایران بدست آرد بپوشاند وبهمین مناسبت مجلس شورای‌ملی ایران این ماسك را برداشت و واقعیت امتیازوممنوع بودن قانونی آنرا اعلام داشت اگراسم این قرارداد را نیزلایحهٔ فروش‌نفت گذارده‌انداین ماسك‌محال‌است‌ماهیت‌واقعی آنرابپوشاندخیلی شرافتمندانه‌بود که‌آقایان حقیقت امررا بمجلس بیان می کردند و این امتیازعیان راکه حاجتی بـه بیان ندارد سعی بیهوده نمیکردند درزیرماسك فروش‌نفت بپوشانند بعضی ازآقایان میفرمایند این‌قراردادرا ازلحاظ اجباربرای حفظ استقلال کشورقبول میکنیم وبهمین مناسبت از مبارزه باکمونیسم بحث بمیان میآرند من با دقت علوم ریاضی و به بدایت

دودوتا چهارتا ، نشان میدهم که این قرارداد منشاءِ مبارزه با کمونیسم نخواهد شد بلکه منشاء وموجب تشویق وترویج کمونیسم مسکوئی خواهد شد میگویند ما با داشتن عایداتی از نفت وضع اقتصادی‌را بهبودی می‌بخشیم وطبیعتاً کمونیسم ریشه کن میشود وخیلی مُد شده است وهمه میگویند که منشاءِ کمونیسم فقروبدبختی‌است دراینجمله هسته‌ای ازحقیقت وجود دارد ولی نه‌تمام حقیقت دراول کار، فقر وبدبختی بود که کمونیسم را بوجود آورد ولی حالا کمونیسم مسکوئی آن عاملی که واقعاً فقر و بدبختی را ازبین ببرد نیست ما می‌بینیم در نقاطی ازجهان که فقر و بدبختی نیست و یا لااقل باگرفتن عایدات نفت ما هرگز نخواهیم توانست وضع اقتصادی خودرابهتر از آن کنیم بازهم کمونیسم نفوذ دارد آمریکا وانگلستان را مثال زده ومقایسه میکنیم وضع اقتصادی آمریکا ازهمه‌نقاط جهان‌تقریباً بهتراست معذلك داد وبیدادامریکائیها از کمونیسم بیشتربلند است تا مال انگلستان ، در انگلستان کمونیسم ممنوع نیست آزاد است معذلك بمناسبت وجود حزب کارگرهرگز رُشد و نُموی نکرده وخطری را تشکیل نداده است وبا وجود فقرومحرومیت نسبی درانگلستان میدانی برای رشد کمونیسم وجود ندارد .

درهرحال بهبودووضع اقتصادی‌ایران‌بی شك عاملی درجلو گیری از کمونیسم است ولازم‌است ، ولی ابداً کافی نیست بلکه یك سلسله اقدامات دیگری نیزلازم است که متأسفانه بمخیله اولیاء امورما خطورنمیکند ومن درموقع خود نظریات خودرا مشروحاً بعرض مجلس خواهم رساند ولی بمناسبت مسئله مانحن فیه عرض میکنم که عدم توجـه براه حلی که اینجانب عرض خواهم کرد و توجه به راه حلی که دولت پیشنهاد میکندبهترین وسیلهٔ‌تشویق توده‌ایها ودادن زمینه‌برای رشدوتکامل آنهااست تصویب قرارداد باین شکل و پشت پا زدن باصول واقعی ملی شدن، مطلوب طبع توده‌ایها و اربابان آنها است آقایان توده‌ایها مطابق سیاست کلی جهانی مرکز اصلی خودشان دردرجه اول ترجیح میدادند ومیدهند که مسئله نفت ایران همواره بشکل مسئلهٔ لاینحل بماند و متأسفانه در گذشته عده ای دیگر نیز بدون توجه و اراده از این سیاست منفی توده ایها پیروی کرده‌اند و وضع حاضر بوجود آمده ثانیاً در

صورتیکه توده‌ایها مخیرباشند بین‌قبول دوراه حل که یکی راه حلی که قراردادحاضر تعیین میکند ودیگری راه حلی که با ملی شدن واقعی تطبیق کند توده‌ایها این راه حل راکه قرارداد حاضرحاکی از آنست قبول‌دارندزیرا این راه حل دوفایدهٔاساسی برای آنها دارد اولاً اینکه لااقل امید بیهوده‌ای برای اربابان آنهامیدهدکه بکمك انگلستان بتوانند حقوق مشابهی بدست آرند وثانیاً بطورمطمئن اصول این قرارداد برای آنها بازار گرمی برای تبلیغات و زمینه بی‌اندازه مساعدی برای جلب مأیوسها ونومیدها تهیه میکند .

برای جلب توجهٔآقایان و برای بقاء درتاریخ ، این مطالب‌را عرض میکنم هر چند تلگرافات تبریکی از خارج دربارهٔ عقد این قرارداد رسیده است هرچند حزب حاکم درآمریکا وانگلستان این قراردادرا موفقیت احزاب خود تلقی کرده وتبلیغات انتخابات دربارهٔ آن برای حزب خود میکنند ولی درداخل ایران بین‌مردم عادی‌یك وضع یأس ونومیدی پیدا شده است وآنها دارند کم کم باین عقیدهٔ خطرناك معتقـد میشوندکه‌گویا غیرازاین قشرفاسد ومنحط جامعه ، ازطرفی وتوده‌ای‌ها ازطرف‌دیگر راه حلّی وجود ندارد (دکتر بینا ــ این همان حرف توده‌ای‌ها است) و این عقیده خطرناك محصول تصویب قرارداد باین شکل حاضرخواهد بود هرچند که درموقـع سیرنزولی نهضتها اینگونه ضعفا دیده میشود ولی خوشبختانه قشرهای مصمم وجدی بین‌روشنفکران‌ونسل جوان‌ما وجوددارد که با این افکار نومید کننده مبارزه‌میکنند ولی شکی نیست که قبول قرارداد بشکل حاضرزمینه خیلی مساعد برای تبلیغـات منفی بافانه بوجود خواهدآورد ودرست بهمین مناسبت است که‌حزب توده منفی‌بافی وحل نشدن مسئلهٔ نفت را درابتدای امرهدف خود قرارداد سران خائن این حزب با سوءِاستفادهٔ ازدستگاه تبلیغاتی وسیعی که با منابع مادی بیگانه ودزدی ازدستگاه دولتی مثل بانك ملی دماوند اداره‌میشد بزرگترین هدف خودرا مبارزه بانهضت‌ملی قرار دادندکـه از ملی شدن واقعی صنعت نفت جلوگیری کنند آنهـا مدتی بدون ماسك نهضت ملت ایران را مورد طعن و کارشکنی قراردادند و بگفته خود هر روز حادثه‌ای تراشیدند وخواستند نهضت ملی را دربن‌بست قراردهند و پس از آنکه با

این روش موافقت پیدانکردندروش خودرا برای رسیدن بهمان هدف اولی که شکست نهضت، وملی نشدن صنعت نفت است درلباس دوستی ودرلباس تشکیل جبههٔ واحدضد استعمارتعقیب کردند متأسفانه بمناسبت عدم آشنائی سران نهضت ملی ما بروش‌های محیلانهٔ کمینفرم که مورد سوءاستفادهٔ شرکت سابق نفت نیزقرار گرفته بود بالاخره توانستند نقشهٔ شرکت سابق را عملی ساخته وروش‌هائیرا تحمیل کنند که همانهاباعث شکست نهضت گردیده نارضایتی ونومیدی ازاین وضع مختص مردم عادی وروشنفکران مقیم ایران نیست ایرانیان مقیم خارجه بی‌اندازه ازاین وضع ناراضی وعصبانی هستند اینك بعنوان نمونه اشاره بیك مورد می‌شود .

نامهٔ یکفرد مطلع ایرانی از آمریکا

آقایان نمایندگان محترم با تماسی که با مردم ایران دارند میدانند که میان مردم متوسط این کشورجزعده‌ای انگشت‌شمار فردی وجود ندارد که این قرارداد را موافق با مصالح سیاسی واقتصادی ملت ایران و منطبق با اصول عدالت و انصاف تلقی نمایند برای اینکه آقایان محترم ازطرزتفکر ایرانیان مقیم خارج از کشورهم اطلاع حاصل‌نمایند . لازم‌میدانم نظریهٔ یکفردمطلع ایرانی مقیم آمریکا را که پس‌ازمطالعه متن اعلامیه‌های منتشره تحت‌تأثیراحساسات میهن‌پرستانه قرار گرفته و نظریات‌خالی از بُغض و غَرَض خودرا بیکی از دوستان ایرانی خود نگاشته است بعرض میرسانم و ضمناً عرض کنم که نویسندهٔ این نامه دارای عالی‌ترین تحصیلات واطلاعات در امور اقتصادی بوده واکنون درصف محققین اموراقتصادی درخارج از کشور قراردارد که متأسفانه مطالعات ومعلومات‌ایشان مورداستفاده ملل دیگر قرارمیگیرد . اشتباه‌نشود این محصل ازمحصلینی نیست که با ارز دولت ایران رفته‌اند و درخارج علیه دولت و ملت ایران تبلیغات بکنند و با جاسوس‌ها همکاری بکنند خدا نکند که این محصل جزءآنها باشد (دکتربینا — بمحصلین توهین نکنید) توهین نکردم بشما چه .

رئیس ـ ساکت باشید بشخص این جانب است شما حرفتان را بزنید .

درخشش ـ برای ضبط نظریهٔ این‌ایرانی میهن‌پرست درتاریخ‌ایران‌لازم‌میدانم که متن نامه‌را دراینجا بخوانم (شوشتری ـ اسم این شخص چیست) بعد عرض میکنم

تا نسل‌های آینده بدانند نه‌تنها افراد مقیم این کشور بلکه آنهائیکه هزاران فرسنگ دور از میهن خود بسر می‌برند بسرنوشت خود و آیندهٔ میهن عزیز خویش علاقه‌مند بوده و با وجود فشارهائیکه امروز بر ملت ایران وارد میشود دست از انتقاد و اعتراض بر نمی‌دارند.

اینك قسمتی از نامه :

« ..... باری راجع باوضاع ایران هنوز که جزئیّات بدست ما نرسیده‌است (این نامه مال وقتی‌است که هنوز قرارداد منتشر نشده فقط اعلامیّه منتشر شده بود) ولی راجع بکلیّات‌هم ایراداتی وارداست بعقیدهٔ من اگر ایران قدری بیشتر پافشاری میکرد میتوانست شرایط بهتری‌را بدست بیاورد مثلاً راجع باصل تقسیم بالمناصفه منافع، معلوم نیست که چرا آنرا شامل تصفیه نمیکنند و بااختلاف پایهٔ قیمتهای نفت تصفیه‌شده وخام خاورمیانه تقریباً تنی بین ٤ الی ٥ دلارسهم منافع مارا نمیدهند وبعلاوه ۱۲/٥ درصد نفت سهم ایران‌هم خام خواهدبود وایران نمی‌تواند آنرا (بااستفاده ازظرفیت اضافه آبادان) تصفیه کرده و بفروشد در ونزوئلا اولاً سهم دولت ۱٦/٦٦ در صد است ودر ثانی‌از منافع تصفیه دولت‌مالیات بردر آمد می گیرد درمنطقه بیطرف عربستان سعودی هم اگر (پاسیفیك‌وسترن) پالایشگاه ایجاد کند بیست درصد ازمنافع آنرا بعربستان خواهد داد و از قضا مجبورهم هست که پالایشگاه دایر کند مسئله دیگر مربوط به قیمت است که اصلاً (قیمت اعلان‌شده) در خاورمیانه معنی ندارد بایستی ما ببینیم که آرامکو وشرکت نفت کویت وشرکت نفت عراق و شرکت نفت قطر که قیمتهای خودرا درمحلات نفت اعلام میکنند نفت خودرا بکی میفروشند؟ اگر بصاحبان سهام بفروشند (و درحقیقت‌هم همه‌اش را بآنها و یابشرکتهای تابعه‌آنها میفروشند) دیگر این یك مسئله محاسباتی برای آنهاست درحالیکه حقوق مارا تضییع میکنند در کتاب (کارتل بین‌المللی نفت) در قسمت کویت در یکی از حاشیه‌ها دیدم موقعیکه شل و شرکت (گلف) باهم قرارداد خرید و فروش نفت می‌بندند توافق‌میکنند که چون یك قیمت حقیقی و عملی در خاورمانه وجود ندارد از اینرو شل مقداری از نفتهای (گلف) را می‌فروشد وهرچه عاید شد مخارج را کسر می کنند ومنافع را باهم تقسیم

میکنند بعلاوه مجلات نفت ، نفت درجه ۳۶ را تحویل راس التنوره ۱/۹۷ دولار اعلام میکنند ولی صحبت از نفت ایران که میشود مثل اینکه پائین تر از آن میخواهند حساب کنند خلاصه ایران بایستی خیلی مواظب باشد اصلاً سرخود موضوع تقسیم بالمناصفه وطرز اجرای آن حرف هست وانگهی خیلی جالب خواهد بود که شرایط ایران را باونزوئلا وهمچنین قانون اسرائیل مقایسه کنیم باز چندروز پیش یك گزارش ازلیوی راجع بنفت ونزوئلا می‌خواندم دیدم که کمپانیهای نفت درحدود صدی‌بیست از سرمایه‌شان نفع میبرند ولی در ایران درسال سوم منفعت ازتولید نفت خام برای کمپانیها ۲۴۰ درصد خواهد بود (سهم آنها ۶۷ میلیون‌لیره میشود وسرمایه گذاری نفت خام ۲۸ میلیون لیره . پالایشگاه را هم جدا کرده‌اند و میتوان منفعت آنرا هم علیحده حساب کرد که اگر باتمام ظرفیت کار کنند جمعاً درحدود ۲۰۰درصد میشود) و بعلاوه وقتیکه درونزوئلا کمپانیها عایدی‌را بدست آورند ازمملکت بیرون نمیبرند بلکه مقدارزیادی را هم آنجا بکار میاندازند که سهم منافع دولت ونزوئلا و کمپانیها بنفت ۷۲و۲۸ برای سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸ شده است یکمطلب جالب که چندروز پیش متوجه شدم این است کمپانی ریچفلد (که دو کمپانی سینکلر وستیز سرویس دارنده سهام آن هستند در یك مزایده امتیاز اراضی نفت در امریکا شرکت کرده و پیشنهاد کرده که ۸۰ در صد از تولید خود را حاضر است بعنوان (حق‌الامتیاز) بدولت بدهد زمین مال دولت بوده این خبر در (پلاتزایل گرام) بتاریخ ۵ اوت و یا ۶ اوت چاپ شده ومن اگربتوانم یك کپی از آن میگیرم وبخدمت میفرستم (جهت توجه آقایان باید عرض کنم که این جوانان ایرانی علاقمند بسرنوشت کشور خود بمنظور تایید اظهارخویش یکروز پس‌ازارسال این نامه یعنی روز ۲۶ ماه اوت رونوشت خبر مذکور در مجله پلاتزاویل گرام را با پست هوائی ارسال داشته »

بعرض آقایان رساندم که بلوك غرب وشرق هردونفوذ خودرا نسبت به مللی که ازلحاظ‌صنعتی‌عقب مانده‌اند توسط شرکت‌هائی‌اعمال میکنند که اصل تنصیف منافع ازطرف همه‌آنها قبول شده ولی علاوه بر تنصیف منافع بکمك دردست‌گرفتن اختیار اعمال نفوذ سیاسی و اجتماعی را نیز عملی میسازند ولی یك فرق اساسی بین بلوك

شرق وغرب دراینست که دربلوك شرق تمرکز بیشتر وجود دارد وغیر از اراده دولت شوروی هیچ دولت و یا ملت که درآن بلوك است حق اظهارنظر ندارد ولی در بلوك غربی الاستیسیته بیشتروجود دارد وحتی دول نسبتاً متساوی الحقوق در این بلوك هستند معذلك نفوذ اقتصادی مقتدرترین این دول که امریکاست غیرقابل انکار است که کم و بیش نفوذ سیاسی را نیز به دنبال دارد رفتار بلوك غربی با دولی که وارد بلوك آنها نیستند و یاهستند بستگی بدرجه استقامت و بدرجه شخصیت سیاستمداران مربوط دارد ، مثلاً ملاحظه فرمائید مندس فرانس در عمل ، خود را یکی از برجسته‌ترین شخصیتهای پس از جنك فرانسه نشان داد که انتظار میرود بعکس گذشته یك دولت ثابت و نیرومند را بوجود آورد سیاستمداران دیگر فرانسه که تسلیم شرایط قبلی میشدند آنهاهم میهن‌پرست‌بودند ولی توجه نداشتند که بامقاومت بیشتر بهتر میتوانند آرزوها و آمال ملی فرانسه را محفوظ نگاهدارند ، من با اصل موضوع مورد اختلاف در فرانسه کار ندارم بلکه روش نخست وزیر فرانسه را از لحاظ سرسختی و مقاومت درمقابل امریکا وانگلیس مورد مطالعه قرار میدهم پس از جنك اخیر کمونیستهای فرانسه تمام دولتها و شخصیت های فرانسه را که با بلوك غربی همکاری می کردند نوکران امریکا قلمداد میکردند و مدعی بودند که کمك‌های مالی و نظامی امریکا خواهی‌نخواهی آنها را بعمال امریکا تبدیل کرده‌است چون کمونیستها بنظر مندس فرانس در مسئله هندوچین آشنا بودند اعلام کرده بودند که نسبت باو رأی موافق خواهند داد ولی مندس‌فرانس اعلام کرد که اوا کثریتی‌را که‌فقط بکمك کمونیستها بدست آید قبول نخواهد کرد پس از حل‌شدن قضیه هند و چین و رد پیمان ارتش اروپائی عده‌ای سیاست اورا بنفع کمونیست‌ها معرفی کردند و ردپیمان‌ارتش‌اروپائی را موفقیت کمونیستها اعلام کردند ولی جریانهای بعدی نشان‌داد که رد شدن پیمان ارتش اروپائی و تشکیل کنفرانس لندن و محقق شدن آمال ملی فرانسه و اینکه فرانسه روش‌مستقل ازامریکاوانگلستان پیش گرفت منجر بیك‌اتحاد پابرجاتر گردید و سیاست کمونیستها در فرانسه بیشتر مردود گردید .

صحیح است که کشور ما باندازه فرانسه نیرومند نیست ولی موقعیت ایران

شبیه کشورهائی است که دول غربی وسازمان ملل متحد برای حفظ آنکشورها بیشتر از ده ها میلیارد دلار و ده‌ها هزار نفوس امریکائی و اروپائی را فدا کرده‌اند ما باید ازطرفی بخطرات ومشکلات موقعیت خود وازطرف دیگر بامکانهائی که این موقعیت جغرافیائی برای‌ما پیش‌آورده توجه کنیم شکی نیست که مقاومت وسرسختی سیاست مداران ما در مقابل شرکتهای نفت و دول پشتیبان آنها حدی دارد، ما نمی‌توانستیم هرچه میخواهیم و حتی آنچه واقعاً حق ماست در دنیای حاضر بدست آریم ولی میتوانیم با ابراز شخصیت و با پی‌بردن به ارزش و اهمیت، موقعیت خودمان به‌آمال و آرزوهای ملی خود اقلاً نزدیك‌تر شویم. من معتقدم که قرارداد حاضر نه تنها بنا بگفته آقایان سپهبد زاهدی و دکتر امینی ایده‌آل نیست؛ بلکه حداکثر منافع ممکن الحصول در شرائط حاضر را نیز تأمین نمیکند دلیل تجربی من اینستکه حد مقاومت و سرسختی ما و تسلیم شدن دول بزرك غربی بشناختن حق ما در موضوع نفت عملاً در دوره دولت گذشته واضح شده است امروز تصدیق‌میشود که پیشنهادات زمان دولت گذشته مساعدتر ازقرارداد کنونی‌است (شوشتری - پس‌همانهارا بیاورند؟) خدا کند همانها را بیاورند شما نفع بیشتر نخواهید.

رئیس - آقای شوشتری بنده مجبورم بشما تذکر بدهم سؤال ندارد و بعلاوه مطابق ماده آئین‌نامه سؤال نماینده از نماینده ممنوع است.

درخشش - و این غیرقابل انکاراست زیرا پیشنهادات بانك بین‌المللی باوجود اینکه آنطوریکه باید بـا قوانین ملی شدن تطبیق نداشت معذالك از هرحیث باین قرارداد مرجح بود زیرا مدت آن دوسال و یك‌عمل موقتی‌بود که بدولت وقت فرصت میداد که از لحاظ اقتصادی وضع را بهبودی بخشد و بتواند در این فرصت مسئله را بطور نهائی حل کند. دوپیشنهاد بعدی ترومن - چرچیل ومخصوصاً پیشنهاد هندرسن برای خرید ۲۰۰ میلیون‌تن نفت خام درمدت ده‌سال هم با اصول ملی‌شدن وفق‌میداد وهم مقادیر قابل‌ملاحظه وکافی عایدات برای‌ما بوجود میاورد که حتی بدون‌احتیاج بکارشناسان خارجی میتوانستیم صنعت نفت را زنده نگاهداشته و بجریان اندازیم. آزمایشهای تاریخی آن زمان و وقایع بعدی نشان داد که حد استقامت و پافشاری‌ما

و تسلیم شدن امریکا در مقابل حقوق حقه ما در آن پیشنهادات تجسم یافته بود یعنی با در نظر گرفتن امکانات داخلی وخارجی عملاً ـ در آنموقع به نتیجه بهتر از آنکه در پیشنهاد اخیرهندرسن موجود بود نمیتوانستیم برسیم نتیجه عمل نشان داد که حق با آنهائی بود که در دولت گذشته میگفتند باید واقع بینانه کنار آمد نه آنهائیکه به منفی‌بافی و حق‌طلبی مطلق عقیده داشتند که نتیجه‌آن اینست که مشاهده میکنیم .

ولی مسئله مهم اینجاست که اگر سرسختی دولت سابق برای خودش و رژیم او مضر بود و باعث سقوط او گردید برای دولت حاضر میتوانست مفید باشد . اگر دولت‌حاضر اعلام میکرد که درمورد نفت هیچ پیشنهادی‌را که نامساعدتر ازپیشنهادات قبل‌باشد قبول نخواهد کرد و واقعاًهم پافشاری میکرد میتوانست نسبت به‌پیشنهادات زمان دولت گذشته امتیازات نوینی بدست آرد . دولت میتوانست بگوید که شما میگوئید دکتر مصدق بلشویك(!) بود ویامیگوئید به‌توده‌ایها میدان داده بود خیلی خوب دولت حاضر نه بلشویك است ونه بآنها میدان داده‌است ولی‌میخواهد استیفای حقوق ملی باندازه کافی ولازم بشود، بدون‌شك اگراین‌دولت این‌سرسختی وپافشاری را بکار میبرد موفقیت پیدا میکرد . ممکن بوده و هست که کنسرسیوم تسلیم نمیشد ولی دول مربوط بالاخره چاره نداشتند که باحقاق حق ما اقلاً تا حدی تسلیم شوند بفرض اینکه تسلیم نمی‌شدند فرضاً این دولت کنار میرفت دولت دیگر جانشین او میشد درصورتیکه تمام سیاستمداران‌ما درمسئله خارجی‌وعلاقه باستقلال‌ملی پافشاری میکردند یقین بدانید که اگر نمایندگان کنسرسیوم قهر میکردند ومیرفتند امریکا قهر نمیکرد که برود بالاخره دنیا بنفت احتیاج داشت ماهم لیاقت استخراج نفت‌خام را هرقدربخواهند ونفت تصفیه شده را تاحدی داشتیم وبمناسبت‌اصول‌سیاست عمومی و استراتژیك دولت‌امریکا تسلیم سودجوئی تراستها نمیشد ولااقل شبیه پیشنهاد اخیر هندرسن سالی ۲۰ میلیون تن نفت خام و بیشتر از ما خریداری میکردند .

درهرحال چه‌لزومی داشت دولت یکسال‌صبر کند ووضع مالی‌ایران‌را دانسته یاندانسته به‌بدترین‌وضع برساند آقایان بنده عرض کردم باز تکرارمیکنم که اقتصاد بدون‌نفت برای‌همیشه غلط ومنحط است وهمچنین اقتصاد بدون‌نفت برای‌مدت‌دراز نیز

برنامه منحط وعقب‌مانده‌است ولی‌سیاست اقتصادی سالم بدون درآمدنفت برای مدت کوتاهی که‌دولت باواقع‌بینی به‌نتیجه مطلوب‌برسد لازم‌بوده‌است که متأسفانه درمدت یکسال‌وخرده‌ایکه‌این‌دولت‌سرکاراست توجهی‌بآن‌نشده‌است وبطورمعکوس‌درجهتی که ما را دردامن کنسرسیوم میانداخت عمل شده است من گفتار آقای دکتر پیرنیا راکه نه‌بلشویك است ونه توده‌ای دراینجا شاهد میارم خود آقایان سخنرانی مفصل ایشان را درنظر دارید محض‌یاد آوری چند سطر آنرا عیناً نقل میکنم . آقای‌دکتر پیرنیا در ضمن سخنرانی مفصل خود راجع بسیاست اقتصادی دولت و آقای دکتر امینی ازجمله فرمودند :

« بودجه مخارج سال ۱۳۳۲ و سالهای ۳۰و۳۱ درحدود ده میلیارد ریال بوده پیشنهاد ۱۷ میلیارد ریال برای سال ۳۳ چه موجبی‌دارد؟ آیا تنظیم چنین بودجه‌ای تعبیر باینکه دولت ایران برای تأمین بودجه احتیاج بدریافت کمك از خارج دارد نخواهد شد ؟ آیا تنظیم چنین بودجه ای لطمه بمذاکرات دولت با شرکتهای نفت نزده ؟ وشدت احتیاج دولت بپول موقعیت‌اورا درمقابل این شرکت‌ها تضعیف‌نخواهد کرد ؟ دولت را درسیاست خارجی ضعیف جلوه نخواهد داد ؟ بودجه ای که خدمت آقایان پیشنهاد شده است درآمدش ۸۰۰ میلیون تومان و مخارجش ۲۰۰۰ میلیون تومان‌است کسر بودجه،آن هزارو دویست میلیون تومان‌است برخلاف ششصدمیلیون تومان که جناب آقای وزیر دارائی فرمودند ؛ هیچ‌وقت ملت ایران نخواهد توانست از زیربار این بودجه قد علم کند و درطریق نیل بهدف ها و آمال ملی خودش قدم بردارد . برعکس این بودجه سنگین از هرنوع حرکتی و از هر نوع جنبشی از هرنوع نهضتی ازطرف‌ملت ایران جلوگیری خواهد کرد .ووضع‌مملکت و آزادیهای سیاسی و اقتصادی مملکت را دستخوش هوی و هوس‌دستگاه‌های خارجی اعم‌ازعادی ویا دولتی‌خواهد کرد که بخواهند با قطره‌چکان در دستگاه‌های شما قطراتی بریزند و آنها را نگهدارند .... دولت هم باید از این افکار استفاده کند نه‌اینکه یك بار سنگین را درست کند و بیاورد بگذارد روی دوش مردم برای‌اینکه زیر بارسنگین اینها از هرجنبشی ازهرحرکتی و ازهراظهار وجودی محروم بشوند » .

این بود قسمتی از نطق آقای دکتر پیرنیا راجع ببودجه که استفاده کردم.
متأسفانه سیاست که طرف دولت حاضر از بدو کار درپیش گرفته سیاست مقاومت و ابراز شخصیت در مقابل خارجی نبود (پورسرتیپ ـ اینطور نیست) و الا سیاست اقتصادی و مقاومت مربوط به آن، همانست که آقای دکتر پیرنیا بآن جلب توجه کردند اگر ارتباط این سیاست اقتصادی را باسیاستی که دولت درمقابل مسئله نفت پیش گرفت ویا میبایستی پیش بگیرد درنظر بگیریم باهمیت نکاتی که آقای دکتر پیرنیا در آن سخنرانی اشاره کرده‌اند بهتر پی خواهیم برد. درنتیجه این سیاست اقتصادی غلط، امروز دائماً تکرار میکنند که مجبوریم. آقایان دولت گذشته احیاناً اشتباهی یا اشتباهاتی داشته؛ نمیتوان تمام اشتباهات حاضر ویا خطاهای بدتر از اشتباه را باتوسل باشتباهات آندولت توجیه کرد. برای قابل تحمل کردن این قرارداد بملت ومجلسین میگویند دنیای غرب احتیاج به نفت ما ندارد! و در نتیجه اشتباهات دولت گذشته بازار های نفت از بین رفته است باین شکل محرومیت‌ها و فداکاریهای چند ساله ملت ایران را میخواهند ازبین ببرند! آقایان دولت عوض اینکه بوسیله اداره تبلیغات ورادیو این مطالب بیهوده و ساخت کارخانه کنسرسیوم رابمردم بگوید میبایست ازمردم نیرو بگیرد ویك سیاست مقاومت و ابراز شخصیت درمقابل خارجیها پیش بگیرد ودر آخر هر ماه چشم بدست دولت آمریکا ویا کنسرسیوم ندوزد. (یار افشار ـ اسکناس چاپ کنند؟)

اگر آنطوریکه ادعا میکنند دنیا به نفت ما احتیاج نداشت وغرب بحل مسئله نفت علاقه نداشت بمجرد اینکه ما میخواستیم که با قبول شرائط سنگین حاکمیت ملی ما را ازبین نبرند قهر میکردند و میرفتند پس چرا حل نفت ایران را دنیای غرب یك موفقیت بزرگ تلقی کرد، پس چرا آنرا جبران شکست در هندوچین تلقی کردند ما که تجربه داریم تنها آقای پیچ نبودند که فرمودند همین استکه هست وباید بی‌چون وچرا تصویب شود! والا ما تا ابد وقت مذاکره نداریم. درقرارداد گس گلشائیان هم فرموده بودند همین استکه هست یك پنس هم زیاد نخواهیم کرد ولی بعدها اصل ۵۰ و ۵۰ را قبول کردند اضافه براصول ملی شدن وغیره. آقایان قضیه درست عکس آنچیزی استکه آقایان دولتیها میفرمایند، مخصوصاً از لحاظ سیاسی

دول غرب بحل مسئله نفت ایران ارزش زیاد قائلند آقای آیزنهاور حل‌شدن‌مسئله نفت‌ایران را پیروزی بزرگی درجریانهای جهان حاضر توصیف کرده‌اند آقای‌هوور بپاس خدماتی که در مورد حل این مسئله مهم کرده بمقام معاونت وزارت خارجه رسیدند و تمام سیاستمداران آمریکا و انگلیس ازلحاظ حزبی این موفقیت راوسیله بدست‌آوردن افکار عمومی درمبارزه‌انتخاباتی قرار داداند مجله «تایم‌اندتاید» مینویسد: «از نقطه نظر سیاسی قرارداد آخرین حلقـه زنجیری بشمار میآید که کشور های خاورمیانه را با سرنوشت اتحاد باختری متصل‌میکند» مجله سپکتاتور انگلیسی‌زیر عنوان «واقعه سرورانگیز» مینویسد: «قراردادی که با دولت ایران بسته‌شد برای مدت چهل سال ظاهراً منافع همه را تأمین میکند» البته منظور آنها از همـه، همه شرکتهاست منافع همه غیر از منافع ملت ایران . مجله مذکور ادامه میدهد.

«قراردادی که باایران بسته شد یك نتیجه بزرك هم دارد و آن‌اینکه صنعت نفت را از نظر کلی و بین‌المللی نجات میبخشد . وضعی که در پایان بوجود آمد از بسیاری‌لحاظ بهتر ازوضعی‌است که درابتدای شروع آن وجود داشت» اینهااظهار نظر جراید خارجی است آیا اینها بهترین دلیل این نیست که پافشاری و استقامت بیشتر ایران نتیجه‌بهتری‌میداد؟ مجله مذکوو برای‌اثبات گفته خوداضافه میکند: «بسیاری از مطلعین اقتصادی معتقدند که از این پس یعنی پس از امضای این قرارداد ارزش حقیقی سهام شرکت نفت ایران و انگلیس درحدو بیست لیره میباشد» باید در نظر داشت که بهای سهام شرکت سابق هرگز از ۱۱ لیره‌ونیم تجاوز نکرده و یکسال پیش دربورس لندن بهای سهم یك لیره ۵ لیره بوده و برای هریك سهم در نتیجه این قرارداد ۱۵ لیره اضافه شده و رویهم آنطوری که قبلا بیان شد سه‌هزار میلیون لیره قیمت پیدا کرده واین ارزش‌تماماً از نیروی بازوی زحمتکشان ملت ایران درگذشته و باعتبار نیروی بازوی نسلهای آینده استکـه برای این شرکتهای بزرگ کار خواهند کرد.

تایمزمالی قرارداد را برای انگلستان ازهرحیث رضایت بخش تلقی کرده‌است که در شماره ۳۳۰ پست تهران ترجمه شده ولی نیویورك تایمز آن را برای ایران

«باندازه کافی رضایتبخش» میداند ژورنال‌اوف کومرس قراردادرا «یك پیروزی بزرگ درجنك سرد» میداند.

هرچند جرائد اروپا آزادانه درباره مسئله نفت ایران اظهار نظرمیکنندولی آقایان مطلع‌اند که محیط کنونی ایران چطور است وموضوع عدم آزادی مطبوعات ومحیط اختناق دراین مجلس‌طرح شده ومتأسفانه تا حالافرصت رسیدگی پیش‌نیامده. چندی پیش بعرض آقایان رساندم کــه من بعنوان یك نماینده مجلس شورای ملی نتوانسته‌ام تا حالا اجازه انتشار روزنامه مهر گانرا که سوابق ملی آن و مبارزه آن با بیگانه پرستان، معروف خدمت آقایان است، بدست‌آرم. ولی خوشوقتم که‌آقایان اجازه فرمودند عرایض خودرا در اینجا تا حدود امکانهای موجود و مصلحت کشور بعرض برسانم و امیدوارم تا خاتمه نیز باحوصله بعرایض اینجانب درباره این مسئله مهم توجه فرمایند. و در عین حال باین نکته که شهربانی علیه من بجامعه سازی و حزب بازی دست زده‌است توجه فرمایند.

پیشنهاد من:

وقتی ما بدولت این ایرادات را میکنیم آقـای دکتر امینی میفرمایند تقصیر از دولت سابق‌است اگر اوآن پیشنهادات را می‌پذیرفت بهتر بود ولی حالاکار از کار گذشته‌است و بهترازاین غیر ممکن است؛ میگوید ما باید جریمه اشتباه دولت سابق را بپردازیم (وزیر دارائی ـ بنده چنین چیزی نگفتم عرایض مرا تحریف نکنید) جواب اینستکه نه خیر جریمـه عدم واقع بینی را خود دولت سابق پرداخت آنچه دولت لاحق‌خواهد پرداخت نتیجه اینست که دولت‌پافشاری بحدکافی برای استیفای حقوق ملی درحدود امکان نمیکند از زمان آخرین پیشنهاد هندرسن بدولت سابق چند ماهی نگذشته بود که این دولت سر کار آمد در اینمدت دو ماه تغییری دروضع دنیا پیدانشده بود که بگوئیم آنوقت‌آن پیشنهاد امکان پذیربود و بعدها وضع عوض شده بود کـه در زمان دولت حاضر نمیشد آن پیشنهادات را عمل کرد مگر آنکه یکسال عمداً کار را عقب انداخته باشند و بگویند در مدت این یکسال وضع عوض شده ولی همانطور که باتکیه بارقام و اطلاعات دقیق عرض شد ایران ده درصد ذخیره

مطمئن دنیا را دارا میباشد و ۲۰ درصد احتمالی ذخیره جهان را دارد و از هرحیث احتیاج و تشنگی مبرم بنفت ایران هست ولی همانطور که یاد آوری شد کنسرسیوم علی‌رغم این تشنگی بی مانند برای بدست آوردن ذخیره نفت ایران با تکیه بقدرت بی‌مانند خودمیتواندبرای چندسال‌هم‌از نفت ایران‌صرفنظر کند تا باشرائط مساعدتر بدست آرد ولی دول بزرگ ذینفع بمناسبت موقعیت ایران و سیاست عمومی و استراتژیك راضی نخواهند بود که برای چند سال ایران از عوائد نفت محروم بماند بنابراین حالا که دولت بارزش و اهمیت این موقعیت بین‌المللی ما توجه نکرده است خوب است مجلس این را جبران کندوبدون‌اینکه وقفه زیادی‌وغیر قابل تحملی پیش آید راه حلی را پیش بگیریم که هم قدرت و نفوذ کنسرسیوم ملحوظ شده باشد وهم آمال ملی ما بقدر کافی ودرحدود امکان‌های موجود درنظر گرفته شده‌باشد پیشنهاد بنده این استکه تمام منافعی که برای کنسرسوم ما در نظر گرفتیم بتمام این منافع تسلیم نشویم همان پنجاه‌درپنجاه را رعایت بکنیم غرامت را بپردازیم تمام این اعمال را بکنیم ولی اکتشاف و استخراج دردست ما باشد مدیر عامل هم ازخارجیها باشد ولی زیرنظردولت ایران باشندمتخصصین هم بحد ضرورت ازخارج باشند منتهی‌فقط وفقط نظراین استکه استخراج وتصفیه بدست خود ما صورت بگیرد وتمام پیشنهادات دیگر مربوط بامور مالی را قبول میکنیم.

اگر دولت بمناسبت‌مشکلات‌سیاست، که متأسفانه خودش پیش آورده نمیتواند لایحه را پس بگیرد؛ مجلس آنرا بدولت‌توصیه کندکه با پس گرفتن‌لایحه‌سعی‌و کوشش دراستیفای بیشتر حقوق‌ملی بعمل‌بیاوردولی‌اصول آن‌نوعی‌تعیین‌شود که‌بازهم‌در آینده اختلاف‌نظر پیش نیایدبنظراینجانت‌وباتوجه‌بتاریخ چندسال اخیر و تجربیات نیم‌قرن خودمان‌و آزمایشهای‌تاریخی‌دوقرن‌اخیرتاریخ‌بشر که‌کم‌وبیش‌دراینجااز آنها‌بحث‌شده ملاك‌ومعیاری که‌بایدبدولت‌داده‌شود که‌لایحه‌تنظیمی‌نفت‌موردموافقت کامل اکثریت واقلیت‌قرار گیرد وغیراز بیگانه‌پرستان‌تمام‌قشرهای‌جامعه‌از آن‌بتوانندپشتیبانی کنند: اینست که لایحه واقعاً تبدیل بلایحه فروش نفت بکنسرسیوم شود نه‌لایحه انتقال اختیار اکتشاف و استخراج وتصفیه وبهره‌برداری. آقایان این شرکتها بکشور عراق

می گویند بشما بیشتر از ۵۰ درصد نمیدهیم بدلیل اینکه بایران نیز نخواهیم داد بما هم میگویند اگر بشما دادیم بآنهاهم باید بدهیم این مانند اینست که من بمناسبت قدرت انحصاری ومنحصر بفردی که دارم بیك دکاندار بگویم که باید این کالای خودت را بنصف قیمت بمن بفروشی بدلیل اینکه ازهمسایه‌ات هم‌بهمین قیمت میخرم وبهمسایه‌هم‌همین حرف‌رامیزنم . بما میگفتندشما محکوم باین هستیدکه تنصیف‌منافع کنید ، بدلیل اینکه عربستان سعودی هم این کاررامیکند والاشکست میخوریدحالا که ما را باین وضع دچار کرده‌اند به عربستان سعودی خواهند پرداخت که چرا جرأت کرده وبایك مؤسسه آزاد که جزء شرکت‌های بزرگ نیست قرارداد حمل ونقل منعقد کرده است . واقعاً این آزادی دردنیای‌آزاد تراستها فرقی باآن آزادی خواهی دنیای کمینفرم ندارد ! در هرحال‌خوب حالا بفرض که ما تسلیم این تنصیف منافع شدیم آنوقت‌میگویند ماباید بیائیم وشخصاً فرماندهی صنعت شمارا در دست بگیریم وبرتق وفتق امور بپردازیم .

بعقیده من یك کمیسیون نفت مرکب از اقلیت واکثریت مجلسین بوجود آید که دولت بانظارت ومشورت این کمیسیون یك پیشنهاد متقابله به کنسرسیوم بدهد وازراه سیاسی‌نیز اقداماتی برای موفقیت‌آن بعمل آرد آقایان‌حالا که زورما نمیرسد و بدلیل اینکه ؛ نصف منافع دیگران را می‌برند ماهم مجبوریم بپردازیم خیلی خوب مانفت‌را بدست شرکت‌ملی استخراج‌می کنیم‌ویك‌تخیف قابل ملاحظه که‌کنسرسیوم راازلحاظ سود راضی کند قائل میشویم غرامت تأسیسات‌را با درنظر گرفتن حقوق حقه طرفین نیز میپردازیم ویك قرارداد فروش برای مدت ده‌تا پانزده‌سال می بندیم و قیمت قسمتی از آنرا برای براه انداختن صنعت نفت نقد میگیریم ولی فرماندهی صنعت نفت که کلید صنایع دیگرایران است دردست شرکت ملی باقی می‌ماندحتی مانعی‌نداردکه عدهٔ از کارشناسان‌درجه‌اول‌نفط بعنوان‌هیئت مدیره شرکت‌ملی‌ازطرف دولت ایران دعوت شوند وحتی مدیر عامل شرکت ملی نفت درصورت لزوم یك‌کار شناس امور اقتصادی نفت از کشور بی‌طرف ویا با طرفی باشد ولی خود دولت ایران آن‌را دعوت بکند باین شکل آن‌ها ازلحاظ فنی مطمئن خواهند شدکه جریان

نفت بطور منظم ادامه خواهد داشت (وزیر دارائی ـ بچه مقدار ؟) بهر مقداری که متخصصین استخراج بکنند بهر مقداری کـه قرارداد تعیین میکند عرض کردم کـه بدست خارجیها باشد هم‌مدیرعامل از خارجیها باشد تمام متخصصین از خارجیها باشد ولی زیر نظر دولت ایران کار کنند این پیشنهاد تازگی ندارد در زمان دولت سابق پیشنهاداتی چندی که اصول آنها بااین پیشنهاد مطابقت داشت داده شده است وهیچ دلیل ویاعامل تازه‌ای بوجود نیامده است کـه روش دول بزرگ نسبت بوضع کنونی نامساعدتر ازوضع آنها نسبت بدولت گذشته‌باشد. شاید بعضیها تصور کنند که توجه مجلس برای استرداد این لایحه ودادن پیشنهاد متقابله براین اساس کـه لایحه واقعاً یك‌لایحه فروش نفت بکنسرسیوم باشد شکستی برای دول غربی باشد درصورتیکه عکس آن کاملاصحیح است همانطور که بعرض آقایان رسید رد پیمان ارتش‌اروپائی در ابتدا تصور میشد شکستی برای دول غربی و موفقیتی برای کمونیستها است ولی آزمایش بعدی عکس آنرا نشان داد تبدیل این‌قرارداد بیك لایحه فروش نفت واقعی آنطوریکه بعرض رسید بزرگترین عامل برای‌شکست توده‌ایها وبهترین روش‌برای مبارزه بافساد خواهد بود آقایان اعلیحضرت همایونی دائماً توصیه برای مبارزه بـا فساد فرموده‌اند ودیگر سیاستمداران مسئولیت‌دار کشور دائماً دم از مبارزه بافساد زده‌اند ومیتوان گفت بشکل معجز آسا عوض اینکه عملا مبارزه با فساد شود رفته رفته فساد وانحطاط بیشتر شده است زیرا عاملی دراینکشور وجود داشته و با زنده شدن شرکتهای‌نفت دوباره زنده وتقویت خواهدشد که نگذارد سطح صنعت‌وتمدن وفرهنگ،ازاین‌بالاتر باشد. برای‌اینکه‌مابتوانیم یك‌موقعی‌دریك‌مدت‌معینی کوشش کنیم کار اساسی تهیه بکنیم دردانشگاههایمـان بتوانیم متخصصینی تهیه بکنیم و بتوانیم ازمردمی که نفط را اداره می کردندوالان هم میخواهند اداره بکنند بی‌نیاز باشیم: لازم‌است که فرهنگ ما پیشرفت بکند این کاملا واضح وروشن است‌ازطرفی برای‌آنکه شرکتهای‌نفطی نفع‌بیشتر ببرند وبعدازچهل سال دیگراگرنفطی‌داشتیم بازهم نفط ببرند از لحاظ تجارتی (منظورم از لحاظ سیاسی نیست) از لحاظ اینکه سود بیشتری ببرند ازلحاظ تجارتی کوشش میکنند که ما از لحاظ فرهنگ درجا

بزنیم یعنی نتوانیم جوانانی تحصیل کرده تحویل اجتماع بدهیم همانطوری که الان می‌بینید در دانشگاه ما عده زیادی از جوانان تحصیل میکنند ومیآیند در اجتماع بیکار میگردند وبدرد مملکت بهیچ وجه نمیخورند مادام که فرهنك ما باروش فعلی پیش برود مانخواهیم توانست متخصص کافی برای نفت وسایر صنایع تهیه بکنیم و خودمان‌را از خارجیها بی‌نیاز سازیم نفع یك شرکت خارجی بسیاسیش کاری ندارم یك شرکت خارجی برای اینکه‌بیشتر بتواندازیك مملکتی نفع ببرد ازاین پیشرفت جلوگیری میکند در موقعیکه قرارداد دارسی امضاء شد درآنموقع آمدند بما گفتند که ماحاضریم نفت‌را بشمابدهیم همانطوری که حالاهم میگویند که ماحاضریم نفت‌را بشما بدهیم ولی شما ظرفیت صنعتی ندارید درست هم میگفتند الان هم همین حرف را میزنند میگویند شما نمی توانید باندازه کافی نفت استخراج کنید و ظرفیت صنعتی‌ندارید ولی یك نکته هم‌هست آیا شرکت‌سابق گذاشت که ما ازخودمان بجای آنها مهندس بگذاریم ؟ آیا ما توانستیم افرادی دراین مملکت تربیت بکنیم و ظرفیت صنعتی خودمان‌را قوی‌تر کنیم ؟ شرکت سابق نگذاشت و چهل سال دیگر هم موقعی که این قرارداد مدتش تمام شد فرزند فرزند بنده وفرزند فرزند آقایان درآنموقع که‌خواستنداززیر باراین‌قرارداد بیرون بیایندبآن‌نوه‌های ما بآن‌اولادهای ماخواهند گفت که شما ظرفیت صنعتی ندارید شما نمیتوانید نفط استخراج کنید و باز باید اکتشاف واستخراج دردست ماباشد وما مباشر خواهیم بود از طرف شما و ملك طلق شماست این معادن ومادامی که این‌معادن استفاده میدهد متعلق بشماست ولی نفعش راما خواهیم برد !!

مادامیکه مادرقید این گونه قراردادها قرارداریم نه‌ظرفیت‌صنعتی‌ما ونه‌درجه معلومات نسل جوان‌ما ونه ارزش کارشناسان ما ازسطح معینی ازلحاظ کمیت‌وکیفیت بالا نخواهد رفت یعنی یك قدرت غول‌آسا باوسائل مختلف ازآن جلوگیری خواهد کرد یعنی یك‌دور وتسلسل لازم میاید مادام که آنها هستند نخواهند گذاشت‌ظرفیت فنی‌ما بالارود و مادامی که این ظرفیت فنی بالا نیست بهانه خواهند گرفت که ما نمی‌توانیم باطمینان شما نفت بمشتریان بفروشیم ! **باید این حلقه جائی‌شکسته شود**

یعنی ملت ایران حلقه‌های این زنجیر راشکست ولی قرارداد حاضر میخواهد دوباره این قیدرا برای مدت چهل‌سال بر دست وپای ملت ایران بگذارد .

ازطرفی بما اطمینان میدهند چون کنسرسیوم حاضر یك‌شیئی بینظیر استو چون چند شرکتند باهم رقابت دارند نخواهند توانست مانندسابق اعمال نفوذکنند ولی درعین‌حال ماده‌ای در قرارداد می‌گنجانند که همهٔ سهام دیگران‌را یکی میتواند بخرد یعنی شرکت سابق و یـا شرکت نیرومندتر دیگر عملا میتواند تمام سهام را بدست آرد .

واقعاً این کنسرسیوم باضافه این‌قرارداد یك شیئی بی‌مانند وبینظیراست‌ولی آیا این بی‌مانندی‌بی‌نظیری بنفع ماست ؟ نه‌خیرمارا درقید وبند بی‌مانند وبی‌نظیری‌دارند مقید میسازند ، آقایان اگر این‌شرکت‌ها باهم رقابت‌داشتند که تمام‌وسائل حمل‌ونقل وتولید دنیارا نمیتوانستندبخود اختصاص‌دهند وهر شرکت ویا کشوری را که بخواهد درکار آنها دخالت ویادر مقابل آنان‌مقاومت کند ورشکست کنند وهر صاحب نفتی راکه بخواهد دست‌از پاخطاکند بسرنوشت مـا دچار کند ـ دوره رقابت تراست‌ها گذشت این‌قدرتهای بینظیر وبی‌مانند درنتیجه‌عدم‌رقابت‌جهان‌رابین‌خودتقسیم کرده‌اند ازاواخر قرن نوزده رقابت آزاددرحقیقت آزادی رقابت‌را ازبین برده است وامروزما دردوران تراست‌های متحده زندگی میکنیم کـه درمقابل نیرو وقدرت نامرئی ولی ملموس ومحسوس آنها ، سرحدات ملی مانعی نمیباشند .

درمقابل لوله‌های نفت تراستها وسایر وسایل حمل ونقل‌آنها وقدرت آنهاهیچ مانعی تـاب مقاومت ندارد وقتی انسان تاریخ نشو و تکامل این قدرت‌های عجیب وبی مانند وغول آسارا درصدها کتاب که دراین قرن منتشرشده میخواند واخطار آقای دکتر امینی‌را بیاد میآرد بغیراز یك لبخند جواب دیگری‌را شایسته‌آن نمیداند .

دکتر امینی ـ متوجه نشدم دوباره بفرمائید .

درخشش ـ درمقابل لوله‌های نفط تراستها وسایر وسایل حمل ونقل آنهـا و قدرت آنها هیچ مانعی تاب مقاومت ندارد وقتی انسان تاریخ نشو وتکامل این‌قدرتهای عجیب وبی‌مانند وغول‌آسارا درصدها کتاب که در این قرن منتشر شده می‌خواند و

اخطار آقای دکتر امینی‌را بیاد میآورد بغیراز یك لبخند! جواب دیگری را شایسته آن نمیداند (دکتر امینی ــ آن زبونیتان هم یادتون باشد چون بنده عرض خواهم کرد) بنده سخنرانیهای آقایان‌را در اینجا بیان میکنم وجواب میدهم.

سخنرانیهای جنابان آقایان سپهبد زاهدی ودکتر امینی

آقای سپهبد زاهدی درسخنرانی خود در موقع تقدیم لایحه مدعی میشوند که «امتیازی بکسی داده نشده وعهدنامه‌ای تنظیم نگردیده است» ایشان از «حل مشکل نفت» بحث فرمودند و ایرانرا «مالك بلامنازعه تأسیسات عظیم و پر قیمت نفت» معرفی کردند واقعاً اگر منظور بازی باکلمات نیست و بواقعیات بیشتر اهمیت میدهیم تابحقایق تحریف شده اگر محتوی مهم‌تر از شکل وقالب‌است واگر واقعیت دنیای‌خارج ملاك‌عمل‌است ونه‌تکان‌دادن‌زبان. میپرسم آیا امتیاز وقراردادی که‌امتیاز اکتشاف واستخراج وتصفیه وبهره‌برداری برای یك شرکت نیرومند خارجی میدهد شاخ ودم دارد!؟ اگر بگوئیم که بلی‌امتیاز‌شاخ‌ودوم دارد؛ اطمینان‌میدهم که‌این‌قرارداد هم هر گونه شاخ ودمی را میتواند پیدا کند کشور عراق معترف است کـه امتیازی داده او فقط منابع نفت زیر زمینی خود را بعنوان سرمایه بصاحب امتیاز داده این امتیاز حوزه عملیات دارد که وسیع تر از سابق شده شرائط دارد کـه درقرار دادی مندرج استوحق السهم معروف پنجاه وپنجاه دارد تمام اصول این امتیاز درقرارداد حـاضر نیز گنجانده‌شده وحتی اگر تجربیات تلخ درسایر جاهای خاور میانه‌کردند وبرای آنها وما مجال‌نفس ومفری بود، دراینجاآنراهم گرفته‌اند بعنوان نمونه‌تهران مصور که ازروزنامه های ضد توده‌ای است در۹ مهرماه ۱۳۳۳ زیر عنوان (قرارداد جدید نفط واوناسیس) مینویسد:

(روزنـامه فایناتسنال تایمز مالی) که از جرائد مؤثر لندن بشمار میرود در آخرین شماره خود چنین مینویسد: «درماده ۳۵ قرارداد نفت ایران مطالب بسیار مفیدی گنجانده (خوب توجه فرمائید این فقط یك نمونه است که من و شما توجه نداشته ایم والا بگفتهٔ تایمز مالی مطالب بسیار مفیدی گنجانده شده) کـه برای شرکت هـای عضو کنسرسیوم اثر خوبی خواهد داشت در این ماده اشعار شده کـه

کنسرسیوم میتواند نفط محصول ایران را بهرجا وبهروسیله که میل داشته باشدحمل کند وبهر قیمت که میخواهد بفروشد مفهوم این ماده آنستکه ایران نمیتواند مثل دولت عربی سعودی قرارداد هائی بـا کسانی نظیر اوناسیس منعقد کند وحمل ونقل محصول ایران بآنها واگذار کند »

آقایان اوناسیس نام یك سرمایه‌دار ثروتمند یونانی است که دچار این اشتباه شده است وتصور کرده است کـه دردنیای آزاد بازرگانی نیز آزاد است تراتسهای متحد فعلا نقشه‌ای راکه جناب آقای ایز نهاوردرباره ایران داشتند درباره اوناسیس و عربستان سعودی دارند که پس‌ازفراغت ازکار نفت‌ایران، بآندولت عربی‌فضول یك گوشمالی بدهند .

جناب آقای سپهبد که میفرمایند امتیازی وقرارداد امتیازی درکار نیست در جلسه کمیسیون نفط فرمایشاتی فرمودند که درجراید منعکس شده وفرموده‌اند که اگر من ۳ درصد احتمال موفقیت وفرار از خطری کـه مارا تهدید میکند می دادم باین قرارداد تن درنمیدادم جناب آقای زاهدی کـه همواره خودرا سرباز میدانید و هرسربازی پیوسته باسرخود بازی میکند باید توجه فرمایند که ازترس یك خطر آینده تسلیم یك خطر حتمی وفعلی میشوند کـه تاچهل سال سرنوشت فرزندان و فرزندان فرزندان ایرانرا مسجل میسازد .

(مشایخی ـ اینطور نگفتند آقای درخشش مطلب را باین صراحت‌نگفتند) در تمام جراید اینطور منعکس‌شده بود خوب بودتکذیب می کردند چون عین این جمله را بنده ازجراید درآوردم .

رئیس ـ ایشان دارند خارج از مطلب صحبت میکنند ولی من می خواهم در مجلس شورای ملی بحد کامل آزادی بیـان را حفظ بکنم (احسنت) و گرنه مطابق ماده ۴۲ خارج ازموضوع نباید صحبت کنند جراید در دنیا بسیار است ایشان ترجمه کرده میخوانند (شوشتری ـ ایشان میخواهند توهین کنند تمام توهین است) من بشما چیزی نگفتم شمانامهٔ یکی ازپاریس ومندس فرانس وآمریکا وسیاست‌فرانسه را خواندید من بشما هیچ نگفتم شما باید در خصوص نفط مـا صحبت کنید نه وضع

سیاست فرانسه انگلیس و آمریکا وشوروی من هیچوقت حق ناطق مخالف را نمیگیرم بنشینند تاایشان صحبت هایشان را بفرمایند . بفرمائید .

درخشش - من بطور مشروح فعلا وارد این بحث نمیشوم که خطر حادی فعلا مارا تهدید نمیکند که سربازی مانند آقای سپهبد زاهدی که خود در حبس متفقین بوده اند واز طرف انگلیسها در معرض آنهمه رنجها قرار گرفته اند بقول خودشان (زیر باراین قرارداد) بروند ژنرال چیانکایچك ازخطر میترسید (بعضی از نمایندگان بماچه ،) (شوشتری - توهین است آقا) .

رئیس - آخر چیانکایچك درفرمز بماچه میدانم شما هم باید بخوانید بفرمائید بفرمائید .

درخشش - پس بنده همش بگویم نفط نفط ژنرال چیانکایچك ازخطری میترسید ومعامله‌ای باآمریکائی‌ها کرد که آن روش نه تنها خطررا ازبین نبردبلکه آنخطر را حادتر کرد وبالاخره شد آنچه نمی‌بایست بشود ولی درهندوستان ازحول حلیم دردیك نیافتادند گاندی ونهرو وبراساد رئیس جمهور کنونی وامثال آن‌هاازترس خطر کمونیسم دردامن انگلیس‌ها وسایر متفقین اونیفتادند وحتی بخطر فاشیسم آلمان نیز درجنگ گذشته اعتنا نکردند وزمانی که کمونیست های هندوستان از زندانها بیرون آمده و با دولت دست نشانده انگلستان همکاری میکردند گاندی و پیروان او بزندانها نقل مکان کردند ولی پس ازجنك ، همین ملیون ، مستقل ازدوبلوك آن‌ملیونی که ازترس آن‌در دامن این وازترس این دردامن آن نمی‌افتادند توانستند هندوستانرا نه‌تنها ازقید استعمار بریتانیا بلکـه در عین حال ازقید کمونیسم نیز نجات دهند در هندوستان باوجود آنکه قوانین غلاظ و شداد وحتی قانون ساده برای منع کمونیسم نیست ودرمجلس هم راه‌دارند معذلك درهندوستان کمونیسم‌خطری را تشکیل‌نمیدهد ولی درچین زمام امور رادردست گرفتند تنها فرق هندوستان وچین دراین است کـه در چین رهبران از ترس کمونیسم دردامن خطر دیگری افتادند وهمین خطر مردم را بطرف کمونیسم راند درصورتی که در هندوستان یك نهضت اصیل ملی کـه تسلیم هیچ‌بیگانه نمی‌شده وجود داشت ومانندجناب آقای سپهبد زاهدی بفرموده‌خودشان

ازترس خطری زیر بار این قرارداد چهل ساله نمی‌رفت وازهر دوخطر رهائی یافت.

آقای سپهبد زاهدی ، شما که سرباز هستید ، درمیدان جنگ شجاعت‌دارید اگر در میدان سیاست هم شجاعت دارید بیائید واین لایحه را مسترد کنید و مانند مندس فرانس نخست وزیر شجاع وبا شخصیت فرانسه بدولی کـه خودرا دوست ما مینامند اعلام کنید که ما حاضریم یك قرار داد واقعی فروش نفط با شما ببندیم و فرماندهی صنعت‌نفت را مانند فرماندهی ارتشمان دردست خود نگاه میداریم‌وازشما کارشناس دعوت میکنیم و تمام امور فنی را دولت زیر نظر کارشناسان فنی خارجی میگذارد همانطور که دروزارت جنك از کار شناسان استفاده میکنیم در صنعت نفت هم استفاده میکنیم وتقسیم بالمناصفه سودرا (که درحدود سی درصد تخفیف میشود زیرا هزینه تولید بعهده خود ماست) وغرامت را درحدود حفظ حقوق حقه طرفین قبول داریم . **اگر آقای سپهبد زاهدی این اقدام سیاسی را بعمل آرند بی شك درعین حال بزرگترین‌ضربه را بحزب‌توده میزنند وفردای روزی که این‌اقدام را کردند بدون حکومت نظامی و بدون فلك الافلاك و خارك میتوانند با** تکیه باکثریت بزرك ملت‌ایران حکومت راادامه‌دهند. آقایان‌جریانهای نهضت‌ملی ووقایع متعاقب آن‌ضربه بزرگی‌بحزب توده درداخل خود زده است فقط نقاط‌ضعف وضع حاضر ونارضایتی مردم است که دوباره به‌آنها استحکام می‌بخشد وجبران‌مافات میکند اگر باپیروی ازاصول پیشنهادی‌که بعرض رسید نهضت ملی ایران‌را دوباره در جاده صحیح و واقع بینانه زنده کنید ، حزب توده لطمه‌ای میخورد که دیگر نتواند هرگز قدعلم کند من شك‌ندارم‌که بعضی‌ها درقلب خود این عرایض من وباین‌پیشنهاد من میخندند و آنرا مسخره میکنند ولی یك ضرب المثل آلمانی میگوید هر کس آخر بخندد بهتر میخندد شما بروید وقتی آقای تقی‌زاده ازمسافرت مصلحتی خود برگشت ازایشان سؤال کنید که آیا عرایض من خنده آوراست ویاگریه آور زیرا ایشان یکبار شخصاً این آزمایشی را که ما امروزدچار آن هستیم آزموده اند ومی‌دانند آزمودن آنچه آزموده شده‌است جز ندامت سودی ندارد . آیا بهتر نیست (از تجارب گذشته که به بهای عمر وقیمت زندگی عزیزحاصل شده) پند گیریم ؟!

من از آقای سپهبد زاهدی این سؤال ساده را میکنم که اگر شما حق امتیاز سی و هشت ساله شرکت سابق را که بموجب قوانین ملی شدن سلب شده بود دوباره باو باز نگردانده اید اگر شرکت سابق درست مانند امتیاز گذشته تامدت چهل سال حق استفاده از آنچه امتیاز نفت باو داده بود ، ندارد ؛ پس این ۶۰۰میلیون دولار که شرکتهای نفط درازاء بدست آوردن شصت درصد آن حقوق ازشرکت سابق میگیرند چیست ؟

در چهار مهرماه در کیهان مقاله‌ای باتکیه باظهارات « یك منبع مطلع وابسته بکنسرسیوم » نوشته‌شده ومعلوم میشود که کنسرسیوم ۱۵ درصد این ششصدمیلیون دولاررا نقد وبقیه را تاچهل سال درمقابل هربارل ده‌سنت بپردازد .

اگر شرکت‌سابق واگذار کننده شصت درصد امتیاز خودش بکنسرسیوم‌نبود در ازاء هربارل نفتی که به‌دست ایرانیان از قلمرو حاکمیت ملی ایران استخراج میشد بچه مناسبت این بیگانه از بیگانهٔ دیگر باج میگرفت ؟ اگر آقای سپهبد زاهدی جواب سؤال را نمیتوانند بدهند اگر آقای دکتر امینی از همان حرفهای کنسرسیوم مآبانه ، از سرقفلی کسب وکار و غیره بحث کنند واز دادن جواب سرباز زنند تاریخ ایران ، تاریخی که خیلی دیر نخواهد پائید واطمینان می‌دهم که به‌چهل سال‌نخواهد رسید؛ همانطور که قرارداد ۳۳ نیز نرسید جواب‌این سؤال را خواهدداد. آقایان باید وسعت نظر تاریخی داشت‌باید کاری کرد که در پیشگاه ملت ایران‌آری بقول آقای دکتر امینی درپیشگاه ملت بزرك ایران درآنروز روسیاه نباشیم .

سخنرانی آقای دکترامینی (لاری ـ آقایکقدری بلندتر بنده محرومم) .

سخن رانی آقای دکتر امینی پراز تناقضات بود ایشان درضمن بحقایق‌زیادی اشاره فرمودند ولی تمام آنحقایق برای پوشاندن قبح یك اقدام قبیحی است که در قرارداد تسلیمی وماده واحده منعکس است .

بزرگترین تناقض مربوط بآقای دکتر امینی تناقض در حرف و عمل است حقائقی که ایشان در سخن رانی خود گفتند جزء هواشد ولی قرار دادی که برای تصویب تقدیم مجلس کردند وماده واحده‌ای که باید ناسخ قوانین ملی‌شدن وقوانین

ضدادن امتیاز گردد باقی مانده. از تناقض های دیگر عمل آقای دکتر امینی، مرده اعلام کردن شرکت سابق در حرف وزنده کردن او در عمل است در قرار داد اصطلاح انگلیسی شرکت نفط انگلیس وایران رابکار برده اندوجرأت نکرده اندفارسی آنرا بکار ببرند آقای دکتر امینی از عظمت روح آزادمردویا آزادمردانی بحث کرد که درمقابل عظمت روح آن آزادمردان در حرف سر تعظیم فرود آورد که بتوانند در عمل ودر ضمن قرارداد تمام مساعی آزادمردان و تمام محرومیتهای چندسالهٔ ملت ایران را نابود کنند و غُل وزنجیری راکه نیم قرن بدست و پای ملت ما بسته شده بود برای چهل سال دیگر تجدید کنند و آقای دکتر امینی «خلع ید از کمپانی سابق» را که ایشان لاحقّش کرده‌اند یك «جهشی» نامید که «ملت ایران را بطرف کمال وارتقاء» سوق میدهد ولی با تقدیم قرارداد با وضع ید شرکت سابق وشرکاءِ آن جهش ملت ایران را میخواهند خنثی کرده وبدست کنسرسیوم نیرومندتر از شرکت سابق، ایران را بطرف انحطاط وپستی سوق میدهند. ایشان درحرف مدعی شدند که با فروختن ۱۲/۵ درصد نفت سهم خودمان تجربهٔ تجارت نفت بدست می‌آریم ولی عملاً نه‌تنها با این قرارداد امکان فروش آن دوازده ونیم درصد را نخواهیم داشت بلکه تاچهلسال حق استفاده ازاین تجربیّات را اقلاً دربارهٔ تقریباً نود درصد محصول نفت ایران از ما بموجب قرارداد سلب میکند وپس از چهل سال عمر صنعت نفت باحتمال قوی تمام میشود ایشان درحرف ازهم کاری «کارشناسان وجوانهای ورزیده وتحصیل کردهٔ ایرانی برخود میبالند» ولی عملا نه‌تنها ارزش آن کارشناسان جوان و تحصیل کرده امروزی را درضمن قراردادعملا نفی میکند بلکه امکان استفاده ازارزش آنها رابرای ادارهٔ صنعت‌برای نسلهای‌آینده‌تا چهل‌سال دیگر بموجب قرارداد نفی وسلب‌میکنند ایشان درسخن‌رانی‌خود که‌پا درهواست وجزء هوا میشود مدعی‌شده‌اندکه «خواستیم شرکت ملی نفت این مؤسسهٔ ملی را بهرتدبیراست حفظ کنیم» ولی عملا در ضمین قرارداد خواسته‌اند تا چهل سال شرکت ملی نفت را از دخالت درامر نفت منع کرده وآنرا تبدیل بیك مؤسسهٔ خدمتگذار کنسرسیوم کنند و عملا قسمتی از هزینه‌های کنسرسیوم را بایران تحمیل کنند وهر گونه وسیله زمین ومؤسسه‌ای را لازم دارند

بدست این مؤسسه موسوم بشرکت ملی نفت، مفت و ارزان ومناسب و سریع بدست آرند واین خدمتگذاری شرکت ملی نفت را برای کنسرسیوم درمواد متعددی وبطور مشروح وچهارمیخه تسجیل کرده‌اند . ایشان در سخن‌رانی خود مدعی میشوند « که زیربارعدم‌النفع نرفتیم » ولی‌درعمل ودرضمن‌قرارداد عدم النفع را بوجودالنفع‌تبدیل میسازند ایشان درحرف مدعی میشوند که حقوق ایرانرا حفظ کردیم ولی در عمل و درضمن تصفیه حساب با شرکت سابق جریمه عملی را که شرکت سابق مرتکب شده وصنعت نفترا تعطیل کرده‌اند ازجیب ملت ایران بمبلغ ۶۶ میلیون لیره می‌پردازند ودعاوی حقهٔ ایران را بکلی از یاد برده اصلا اسمی از آنها نمی‌آرند . ایشان مدعی میشوند که «قراردادیکه برای فروش نفت‌تنظیم شده است چیزی جزانعکاس مطالبی که عرض کردم نمیباشد »ولی‌عمداً فراموش میکنند که ازمفهوم‌مادهٔ٤ وموادمشابهی که امتیازمانع‌اللغیرا کتشاف واستخراج وتصفیه وبهره‌برداری را برای مدت چهلسال بشرکت سابق وشرکاء تسلیم کرده درسخن‌رانی خودشان سخن بمیان نیاورده وبدون سروصدا آنرا با مادهٔ واحده وقرارداد تقدیم مجلس کرده‌اند .

مشایخی ـ آقای رئیس این صفحه تکراردارد میشود .

رئیس ـ خود تُندنویسها بمن تذکردادند که ازسرشروع نکردند بفرمائید (تیمورتاش ـ چند صفحه است کلاآقا) چه سؤالی است که میکنید هزارصفحه‌است. بخوانید آقا (درخشش ـ این صفحه ٦١ است که می‌خوانم) بشما چه که میپرسید . بخوانید آقا بفرمائید .

درخشش ـ ایشان‌درحرف ودرضمن‌بحث‌از کارشناسان‌ایرانی‌درسخن‌رانی‌ایکه جزء هواشده است میگویند « کارشناسان‌ایرانی . . . . که همسنك بهترین کارشناسان خارجی میباشند دراداره امورا‌ستخراج و تصفیهٔ نفت وجودشان موجب مفاخر ایران ومظهررشد علمی وفرهنگی ما خواهد بود » واظهارامیدواری میکنند که فعالیت‌مجدد دستگاه باعث پرورش آنها واستفاده ازوجود آنها برای ایران گردد ولی درعمل و در ضمن قرارداد امکان استفاده از این کارشناسان ایرانی همسنك با بهترین کارشناسان خارجی را غیرممکن میسازند زیرا فؤاد روحانی‌ها ودکتر فلاّح‌ها که درحدود چهل

تا چهل و پنج سال داشته باشند پس از چهل سال ، مگر در قبر از تجربیات نوین آنها برای ایران بتوان استفاده‌ای کرد و آنگهی من باور نمیکنم همه این کارشناشان حتی آنهائی که از لحاظ اداری و برای دادن توضیحات فنی در کمیسیون حاضر شده‌اند از همکاری با آقای دکتر امینی مفتخر باشند . ایشان مدعی میشوند که این قرارداد از تمام قراردادهای امتیاز نفت خاورمیانه با صرفه‌تر است ولی عمداً فراموش میکنند که بموجب قراردادی که بمجلس میدهند با وجود اینکه هم منابع زیرزمینی سرمایه ما میباشد و هم ما مالك مؤسسات عظیم نفت در استخراج و تصفیه هستیم سهم ما مانند عراق فقط پنجاه درصد است درصورتیکه عراق و سایر کشورهای خاورمیانه فقط با سرمایه منابع زیرزمینی همین سهم را میبرند ولی مطابق قرداد ما علاوه بر منابع زیر زمینی آلات و ابزار صنعت عظیمی را که مالك هستیم مفت و مجانی در خدمت کنسرسیوم میگذاریم بدون اینکه از مالکیت خودمان کوچکترین فایده‌ای ببریم که کشورهای دیگر خاورمیانه بدون داشتن مالکیت آن تأسیسات میبرند .

ایشان در سخنرانی خود مدعی میشوند که گویا در نتیجهٔ تعطیل کردن صنعت نفت، دنیا دیگر احتیاجی بنفت ایران ندارد ولی واقعیات دنیای خارج ، غیر از این میگوید در هزار و نهصد و چهل و هفت آقای شارل دنر کارشناس نفت وزارت خارجهٔ آمریکا یك مه‌موراندم تسلیم وزارت خارجهٔ آمریکا میکنند و پیش‌بینی میکنند که در سال هزار و نهصد و شصت و پنج مصرف نفت آمریکا روزانه ۸۵۰۰۰۰ تن خواهد بود درصورتیکه تولید درخود آمریکا در آن تاریخ فقط ۵۰۰۰۰ تن روزانه خواهد بود یعنی در سال ۱۹۶۵ آمریکا مجبور است سالیانه از ۱۲۵ تا ۱۵۰ میلیون تن واردات نفت داشته باشد و با در نظر گرفتن مصارف نظامی آمریکا در آنسال باید دویست میلیون تن سالیانه نفت وارد کند . بهمین مناسبت است که دولت آمریکا و وزارت خارجهٔ آن دولت بمسئلهٔ نفت و ذخیره کردن آن برای آینده بیشتر اهمیت قائل است تا شرکتهای نفت که بمناسبت داشتن قرارداد مخفی با شرکت سابق پاتوی کفش آنها نمیکنند .

ایشان در اعلامیه و در سخنرانی از استقلال اقتصادی ایران بحث میکنند ولی در قراردادی که میبندند و سهم ایرانرا با لیره دریافت میکنند تا چهل سال دیگر ما را

دچارسر نوشتی میکنند که در گذشته با قرار گرفتن در گروه استرلینك مزه آنرا چشیده‌ایم ولی اینبارما را با یك «جنتل منت اگریمنت» خوشحال میسازند یعنی منافع مارا یك تعهد اخلاقی تأمین میکند ولی منافع بریتانیا را یك تعهد رسمی در قرارداد. آقای تیجنر مستشاربازرگانی سفارت انگلیس میگوید (کیهان ۱۱ شهریور): «مادام که کالاهای مورد نیازایران در گروه استرلینگ موجود است ایران برای خرید از این کشورها احتیاج بدلارنخواهد داشت بهرحال ایران درمورد خرید کالا از گروه دلارهمان مزایائی را خواهد داشت که خود انگلستان فعلاً داراست و ایران نسبت بانگلستان ارجحیّت نخواهد داشت» (دکترمشیرفاطمی ـ ما نمی‌شنویم).

درخشش ـ بفرمائید رفقایتان صحبت نکنند تا بشنوید (بعضی از نمایندگان بلندتر آقا ما نمیشنویم) فکربنده را هم بفرمائید که بایستی ۶ ساعت صحبت بکنم.

عبدالصاحب صفائی ـ بفرمائید که چقدر میخواهید صحبت بکنید اندازه قائل شوید که چقدرمیخواهید صحبت کنید.

درخشش ـ بنده عرض کردم که اینقدر ساعت میخواهم یکساعتش را امشب صحبت کنم باقی را هم‌فرداحالا که میفرمائید بنده امشب صحبت کنم تا صبح‌دراختیار آقایان هستم (بعضی از نمایندگان ـ تا صبح همه دراینجا هستیم).

رئیس ـ اینجا سابقه‌داردمنشیها میخواندنداگر خسته‌شدید؛ اگرخسته‌باشید. مال آقای دکترمصدق‌مال دیگران را خوانده‌اند حالا اگرخسته‌شدید بدهیدبخوانند

درخشش ـ چند صفحهٔ دیگر می‌خوانم اگر خسته شدم میدهم بخوانند (شوشتری ـ این‌روش‌شما توهین بپارلمان است بدانید) بنده توهین‌نمیکنم (شوشتری بله یواش یواش میخوانی مسخره میکنی) یعنی چه؟هر کس یك‌لحن سخن‌دارد،

رئیس ـ آقای‌شوشتری‌اگرخسته شدید تشریف ببرید منزل آقایان، بیمزگی نکنید بگذاریدبخواند بفرمائید.اینجاشب مانده‌اید برای کارمهمی‌چرا این‌صحبتهارا میفرمائید؟ (صحیح است).

درخشش ـ درحرف وسخنرانی ومراسله بما میگویند، پس‌ازسه‌سال، تولید کم نخواهد شد ولی برای روزمبادا این جملهٔ مبهم را درقرارداد رسمی وارد میکنند

که « ازسال سوم ببعد خطمشی اعضاءِ کنسرسیوم با توجه بمساعد بودن اوضاع اداری واقتصادی ایران براین اساس خواهد بود که میزان تولید خودرا در ایران بامقادیری که ازلحاظ وضع عرضه وتقاضای نفت‌خام درخاورمیانه منصفانه میسر باشد وفق دهند » اگر درنظر بگیریم که متن انگلیسی قرارداد درموقع بروزاختلاف معتبراست وبمتن انگلیسی که این جملات مبهم از آن ترجمه شده (زیرا میدانیم که خود آقای دکتر امینی دریك مصاحبه‌فرمودند تا حالاما خودمانهم متن قرارداد را ندیده‌ایم وبنابراین قرارداد کنسرسیوم تهیه کرده است ودیکته کرده وهیئت نمایندگی ایران آن را نوشته وبفارسی ترجمه کرده وبرای تصویب آورده‌اند) باین شکل معلوم خواهد شدکه درصورت لزوم از این عبارات مبهم برای فشارآوردن بما؛ چه سوءِ استفاده‌ها خواهد شد بخصوص درصورتیکه سیاست اقتصادی فعلی ادامه پیدا کند ودرآخرهرماه چشم ما برای پرداخت حقوق کارمندان دولت بدست کنسرسیوم باشد .

شاهکارتناقض گوئی جناب آقای دکترامینی درسخنرانی خودشان ، آنجاست که ازطرفی ما را زبون می‌نامند که از آن تاجرهای معصوم وبی‌ضررمیترسیم که در کارها مانند شرکت سابق دخالت کنند ولی در جای دیگر عیناً این طور میفرمایند « روزی ما میتوانیم نفت خودمانرا » مورد استفاده قرار دهیم که بگفته خود آقای دکتر امینی « که بازار های فروش در انحصار شرکت های بزرگی که از طرف قدرت های بزرگ بین‌المللی پشتیبانی میشود در دنیا وجود نداشته باشد » بنابراین بگفته آقای دکتر امینی معلوم میشود که ایشان هم از آن تاجر ها که عبارت از « شرکت های بزرگی هستند که از طرف قدرت های بزرگ بین‌المللی پشتیبانی میشوند » نگرانی دارند فقط مازبونها نیستیم که ازاین مداخلات نگرانیم . دراینجا آقای دکترامینی چاره درد را ذکرمیفرمایند که خیلی قابل دقت است ایشان عیناً اینطورادامه داده‌اند : « وبشردوستی آنها بآن درجه برسد که فقط بخاطرحقیقت و کمك بباز کردن راه کسب وکاریك ملت بدون در نظرداشتن منافع مادی و مجرد از مبارزات اقتصادی و تحصیل سود بازرگانی بکمك یکدیگر بشتابند ولی متأسفانه درشرایط موجود مبانی اخلاقی وبشردوستی تا این درجه ترقی نکرده

ست و امور جهان دردست فرشتگان عالم بالا نیست بلکه کسانی مانند من و شما با تمام اغراض و منافع نظریات خاصی که دارند جهانرا اداره میکنند » آقای دکتر امینی دراین قسمت ازسخنرانی خودشان «حصول راه حل ایده آل» وهمچنین موعد «استفاده ازنفت خودمانرا بروزی موکول میفرمائید که «بشردوستی آنها بدرجه‌ای برسد که فقط بخاطرحق و حقیقت . . . .» وبرای «خاطرمبانی اخلاقی وبشردوستی» بیایند وبرای «کمك بباز کردن راه و کسب و کاریك ملت » بما کمك کنندکه نفت، استخراج و تصفیه کرده و ببریم با آنها بقیمت گزاف بفروشیم .

پس از آن اخطار آقای دکتر امینی که اعضاء کنسرسیوم در کارما دخالت نکنند این پند واندرزحکیمانه ایشان دومین شاهکاراست که انشاءالله آنها را بمبانی اخلاقی و بشر دوستی آشنا خواهند ساخت که از سود بازرگانی و مبارزه برای اقتصادیات دست بکشند و جناب آقای دکتر امینی میتوانند برای تحقق بخشیدن باین آمال وآرزو برای مؤثر کردن این پند و اندرز های حکیمانه ازجمعیت تسلیحات اخلاقی نیز کمك بگیرند ودرسایه این پند واندرزهای حکیمانه و ثمن بخس که بماخواهند پرداخت ایران را بهشت برین کرده ودرایرانی که شاید شبیه آن شب هزارویکشبی باشد که برای اعضاء کنسرسیوم درست کرده بودند پس از صرف قلیانهای کذائی از این خیال‌بافی‌ها استفاده فرموده وپند واندرزهارا در آنشب، بخورد رؤسای کنسریوم و خانم ها و خانواده های ایشان بدهند !

ولی تاریخ چند هزار ساله بشر و تکامل تاریخی آن بخصوص در دو قرن اخیر نشان داده‌اند که صاحبان صنایع عظیم با پند واندرز و تعلیمات اخلاقی ومبانی بشر دوستی از سود بازرگانی صرفنظر نمیکنند راه حل خاتمه دادن باین جنایات را مخصوصاً قرن اخیر در ملی کردن صنایع بزرگ تلقی کرده است و بارزترین خصیصه صنعت ملی شده هم این است که سرمایه‌دار وصاحب صنعت خصوصی درازدیاد سود ذینفع نباشد همانطور که قبلا بعرض رسید صنعت‌ملی شده‌را تاریخ این دوقرن بوجود آورده و آنرا این طور تعریف کرده است که اداره کنندگان صنعت یعنی اکتشاف واستخراج کننده وبهره‌بردار، صنعت را برای سود بازرگانی وازدیادآن اداره نکنند .

بلکه بعنوان یك سرویس اجتماعی بدست دولت اداره شود . همان مفهوم که قوانین ملی شدن صنعت نفت بمعنی اینکه اکتشاف واستخراج وتصفیه و بهره‌برداری دست دولت ایران باشد آنرا تثبیت کرده بود و قرارداد حاضر آنرا لغو ومنتفی میسازد .

آقای دکتر امینی در این سخن‌رانی پر از تناقض خود در عین حال بحقیقتی نیز اشاره کرده‌اند که از آن نتیجه نمی گیرند و یا نتیجه معکوس می گیرند ایشان میفرمایند : « عزت و ذلت اقوام بدست راهبران و راهنمایان جامعه ها و ملتهاست » این نکته کاملا صحیح است آقای چرچیل درباره درجهٔ تأثیر راهبران و راهنمایان جامعه‌درجریان حوادث عبارت پرمعنائی گفته است «قرن نوزده قرن مردان بزرگی بود که‌بامسائل کوچك روبروبودند وقرن حاضرقرن مسائل‌بزرگی است که بامردان کوچك روبروهستند» برای درك مسائل مهمی که قرن ما قرن آنمسائل است باید با وضوح وروشنی کامل مسائل اجتماعی را درك کرد نه‌اینکه با افکار وعقاید متناقض مغز خود را پر کرد ویا برای هدفهای کوچك مسائل بزرگ را فدا وقربانی ساخت. آقای دکتر امینی که از طرفی با پند و اندرز میخواهند تاجر های بی‌ضرررا بمبانی اخلاقی وبشردوستی آشنا سازند تادنیای بهتری بسازند(!؟) درعین‌حال درجای دیگر میفرمایند«برای غلبه براین عوامل موجود دنیا ورسیدن بایده‌آل ملی نه‌فریاد وناله مؤثر است ونه التماس واستغاثه بکارمیآید وفقط وفقط چاره آن تحصیل زور وقدرت مادی و معنوی است که تنها رسیدن بمقصود همین است و بس» حالا باید توجه کرد که‌آقای دکتر امینی که دراین قسمت از نطق پرازتناقض خودچارهٔ غلبه برمشکلات دنیای موجود را برای رسیدن بایده‌آل ملی فقط وفقط « تحصیل زور وقدرت مادی ومعنوی» میداند باعملیکه میکنند واین لایحه را باماده واحده تقدیم مجلس میکنند واقعاً در صدد « تحصیل زور و قدرت مادی معنوی » هستند و یا با این عمل زور و قدرت مادی ومعنوی ایران‌را برای مدت چهل سال دیگر بلامنازعه تسلیم دیگران میکنند . توجه سطحی باوضاع سیاسی و اجتماعی قرن اخیر نشان میدهد که این قرارداد سند مالکیت « زور و قدرت مادی و معنوی » است که دست خلقت منبع آن زور و قدرت را در زیرخاك پربرکت ایران بودیعت گذارده است ودولت حاضر

ازما انتظار دارد که آنسند مالکیت‌را دودستی تسلیم آنهائی کنیم که با تحصیل اینگونه اسناد مالکیت از دیگران یك نیروی افسانه‌ای برای خود بوجود آورده‌اند.

امیل‌راشه یك نویسنده آلمانی که بمسائل سیاسی و اجتماعی جهان‌حاضر آشنائی کامل دارد کتابی درباره مردان و قدرتهای بزرگ دنیا که دراطراف نفت دور میزند نوشته است این نویسنده درموقع بحث ازعظمت تراستهای نفت باتقلید از ناپلئون که نویسندگان را که افکارعمومی دنیارا میسازند «پنجمین‌قدرت بزرگ‌جهان» نامیده این نویسنده، نفت را یك‌قدرت بزرگ اتونوم جهان و بالاخره «ششمین قدرت جهان» مینامد او کتاب خود را نیز که مربوط بنفت خاور میانه است ششمین قدرت بزرگ جهان نامیده من با استفاده از تشابه لفظی در مقابل پنج قدرت بزرگ جهان امروز نفت خاور میانه را ششمین قـدرت بزرگ جهان مینامم اگر صاحبان واقعی این منابع زیر زمینی که نیروی محرکه قسمت اعظمی از صنعت زمان صلح و جنگ را تشکیل میدهند متّحد بودند. حرکت نیرو های موتوریزه زمینی و هوائی و دریائی قسمت بزرگی ازجهان‌را درید وقدرت خود داشتند و بدون شك درجنب پنج قدرت بزرگ جهان حاضر ششمین قدرت جهان را تشکیل میدادند. امیل‌راشه در کتاب ششمین قدرت بزرگ جهان مینویسد مورخین صنعت نفت در مطالعه تاریخ قرون معاصر با حقایقی بر میخورند که ثابت میکنند تراستها و قدرتهای ناشی از صاحبان نفت، تاریخ‌جهان حاضر را بیشتر تحت تأثیر قرار داده‌اند تا سیاستمدارانیکه خیال میکنند درپشت سکان نشسته‌اند درصورتی که آن سیاستمداران فی نفس‌الامر بمنزله ابزار کوچکی در موتوری هستند که چرخ تاریخ را بحرکت در میآورند اجازه میفرمائید یك موضوعی را بنده بگویم. راجع به خارج از موضوع نفت است؟

رئیس ــ بفرمائید.

درخشش ــ چند نفر ازرفقا وهمکاران نامه‌هائی نوشته‌اند که بنده چند ساعت وقت لازم دارم که برای فردا بقیه وقتم را استفاده کنم (بعضی از نمایندگان ــ فردا نیست امشب است) عرض شود اگر این ساعت با اجازه جناب آقای رئیس و آقایان نمایندگان محترم جلسه ختم شود بنده قول میدهم که درجلسه آینده بیش از ۳ساعت

صحبت نکنم (بعضی از نمایندگان ـ ما تا صبح مینشینیم) .

(۴ ـ تعیین موقع و دستور جلسه بعد ـ ختم جلسه)

رئیس ـ من عقیده‌ام این است موافقت بکنید که دو ساعت صحبتشان را بعد بکنند ایشان قول دادند آقایان هم موافقت کنند بهمین ترتیب این جلسه را بنده ختم میکنم فردا جلسه خواهد بود چون برای سؤالات جلسه داشتیم فردا جلسه خواهد بود ساعت ۹ صبح

(ساعت ۹/۵ بعد از ظهر جلسه ختم شد)

رئیس ـ وارد دستور میشویم ، آقای درخشش دنباله مذاکرات خودشان را میفرمایند ، دیشب که آقای درخشش بیانات خودشان را میفرمودند به بعضی از آقایان نمایندگان که اظهار مخالفت میکردند گفتم چرا فرصت نمیدهید ایشان اوراق خودرا بخوانند ، البته از کلمه گفتن اوراق نظری نداشتم بنده همیشه هر نماینده‌ای را درابراز عقاید وافکار خوداعم ازموافق ومخالف ، اکثریت واقلیت آزاد میگذارم (صحیح‌است) وبعقیده اوهم احترام‌میگذارم . همه آقایان همین کار را خواهند کردوامیدوارم انشاءالله درهرمورد این آزادی را ولو موقع خیلی سخت باشد حفظ کنم وحالا آقای درخشش به بیانات خودشان ادامه میدهند .

درخشش ـ ازجناب آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی تشکر میکنم . قبلامیخواستم مطالبی بعرض برسانم ولی بامطالبی که ایشان فرمودند بنده دراینباب دیگرعرضی نمیکنم . قبل ازشروع به بیاناتم عرض کردم که بنده باستثنای یك دستهٔ بخصوص در این مملکت کسی را خائن نمیدانم ومردم میخواهند باین مملکت خدمت کنند (یکنفرازنمایندگان ـ آن دسته بخصوص کیست؟) عرض کردم دسته بخصوص حزب منحله توده است که میخواهد از نیروی مردم این مملکت استفاده کند و بنفع یك دولت بیگانه خیانت بمملکت میکند ، مطالبی که بنده‌اینجا عرض کردم ازابتدا تا انتها موضوعی که عرض کردم این است که وضع فعلی بما اجازه میدهد که حق بیشتری برای ملت ایران کسب کنیم و آنچیزیکه گفتم این بوده است که حالا هم خواهم گفت مقاومت دولت در مقابل فشار کنسرسیوم کم بوده واگردولت مقاومت

بیشتر داشت بیشتر میتوانستیم حق خودمان را وصول کنیم موضوع دوم که میخواستم عرض کنم راجع بطول دادن جلسه بود که یکی‌دو نفر از آقایان همکاران محترم مراجعه فرمودند، و فرمودند چون سخنرانی شما طویل است اینطور حس شده است که میخواهید جلسات را طول بدهید بنده فکر میکنم که هیچ دیوانه ومجنونی حتی در شرایط فعلی و در اوضاع فعلی چنین خیالی را نداشته است و علاوه بهیچوجه این عمل مستحسن نیست والا آن‌هم هر کسی این کار را بکند جز جنون و دیوانگی چیز دیگری را نمیشود باو نسبت داد و بنده چنین خیالی را نداشته و ندارم فقط چون میخواهم بیك لایحه‌ای بیك قراردادی که سرنوشت ملت ایران را تعیین میکند رأی بدهم یا مخالفت کنم توضیحاتی در اینباره دادم و عجالتاً خیلی مختصر بعرض آقایان نمایندگان برسانم (فرامرزی ـ یعنی سرنوشت نفت این مملکت نه تمام این ملت) موضوع سومی را که میخواستم عرض کنم اینستکه بنده چندین بار برطبق ماده ۵ بازداشت شدم وچندین بار ازمن بازجوئی شده‌است ولی‌درهیچیك ازاین بازجوئیها؛ مشکلتر و سخت تر از جریان دیشب بمن سخت نگذشته است ومن با داشتن سیاتیك و سردرد مجبور شدم مثل یك متهم درحدود ۵ ساعت ونیم صحبت کنم و دراین مدت لااقل ده‌لیوان آب‌خوردم که بایستی میرفتم بیرون وبر گردم(خنده حضار)اهانت‌هائی اگر ببنده بشود یا نشود بنده بهیچوجه اهانت نمیکنم و اجازه نمیدهم بخودم که بکسی‌اهانت کنم وچون وکیل اقلیت هستم البته‌فکرمیکنم که‌اینمراحل را بایستی طی کنم من میدانم که برخلاف جریان آب شنا میکنم و بایستی این جریانات باشد اما آقایان بدانند که اگر من قصد وکالت آینده یا وزارت داشتم هیچوقت بعنوان مخالف دراینجا این مطالب رابعرض آقایان نمیرسانیدم، فقط یك منظور دارم از گفتن عرایضم وآن این‌است موقعی که شب دررختخوابم میخوابم باوجدان راحت استراحت میکنم و اگر احیاناً میخواهم عملی را انجام بدهم میخواهم در یك مملکت مستقلی زندگی کنم که اهالی آن مملکت یکیش‌هم من باشم خوب زندگی کنیم وسعادتمند باشیم و هدف من فقط و فقط این است و هیچ هدف دیگری ندارم ویك فردمستقلی هستم و در هرشغلی که باشم مستقل فکر میکنم :

نه بر اشتری سوارم — نه چو خر بزیر بارم
نه خداوند رعیت — نه غلام شهریارم

فردی هستم مستقل و خودم فکر میکنم و آنچه که عرض میکنم عقاید شخصی خود من است (همهمه نمایندگان) .

رئیس ـ آقایان چرا نمیگذارید ناطق صحبت خودش را بکند .

درخشش ـ موضوع دیگری که بنده میخواستم عرض کنم این‌است که یکی دو نکته را در مطالب گذشته‌ام تصحیح میکنم مثلا مالیات ایران را حق الامتیاز خواندم البته یکی دو قسمت را بعد در صورت جلسه تصحیح میکنم جناب آقای حائری زاده اینجا فرمایشاتی فرمودند که بنده کاملا استفاده کردم البته بنده نظرم از دادن غرامت این‌است که غرامت داده شود و نفت ملی باشد و امتیازی بکسی داده نشود . ولی باشرایط فعلی اگر بنا باشد امتیاز داشته باشیم غرامتی نباید بدهیم .

قسمت‌هائی‌را دیشب قرائت کردم بقیه‌را حالا ادامه میدهم اگر آقای دکتر امینی واقعاً چاره غلبه برمشکلات عصر حاضر را فقط وفقط «داشتن قدرت مادی ومعنوی» میدانند چرا بضمیمه این سخنرانی خود سند مالکیت ؛ این منبع زور وقدرت مادی و معنوی را تسلیم بیگانگان میکنند . آقایان داشتن منابع زیرزمینی زور وقدرت مادی ومعنوی نمیآورد بلکه فرماندهی صنعت نفت زور مادی ومعنوی میآورد ، انگلستان درقلمرو حاکمیت ملی خود منابع نفت ندارد ولی به قسمت اعظم منابع زیر زمینی جهان حکومت میکند زیرا فرماندهی آن صنایع را بدست آورده . آن قیمت ناچیزی را که بصاحبان اصلی نفت میپردازد دوباره با در دست داشتن قدرت پس میگیرد یعنی بلوك استرلینك درست میکند سهام ایران را بالیره میپردازد . معاملات بدون تضمین ! تاریخی لوکوموتیوها و تسلط بردستگاه سازمان برنامه و غیره دارد که گذشته نمونه ای از آنست .

آقایان ، بت پرست باطلای خودش با طلائیکه از نتیجه زحمت خود بدست آورده بت میسازد و آنرا می‌پرستد این شرکت سابق قدرتی شده است و ما امروز در مقابل قدرت او خود را ناچیز میدانیم وبقول آقای سپهبد زاهدی زیر بار این قرارداد میرویم .

قدرت انگلستان ناشی از این نوع شرکتهـا و قدرت شرکت نفت از منابع قدرت مادی و معنوی است که در اعماق ودامنه‌های کوه بختیاری موسوم به اسماری در طبقه معرفت الارضی موسوم به اسماری جاری میباشد آیا پس از نیم قرن که‌این منبع قدرت مادی و معنوی بغارت رفته است پس از آن هیجانها و جشن ها و پس‌از آن خلع ید و پس از آن حرکت کشتی های جنگی و عقب نشینی تفنگـداران دریائی و چتر بازان که همه با نفت و بنزین ایران حرکت میکرده‌اند سزاوار است که دوباره این منبع زور و قدرت مادی و معنوی را در اختیار آنها بگذاریم ؟!

آقـای دکتر امینی بما اطمینان می‌دهند که باین تاجر های محقر و بی‌ضرر اخطار !کرده‌اند که دخالت در کارما نکنند واعلام میکنند که هر کس نسبت بعمل این تاجرها دغدغه‌ای بخاطر خود راه دهد دچار زبونی‌است من وقتی این لقب‌تاجر را که آقای دکتر امینی بصاحبان این قدرت های نوین صنعتی میدهد میشنوم بیاد آن سیاستمداری میافتم که‌برای خاطر آب‌شور نمی‌خواست همسایه رااز مابرنجاند !

آقایان همه ما ها مردمان عادی هستیم که برسردو راهی تاریخ رسیده‌ایم بنا بگفته‌آن نویسنده یا هنرمند سرنوشت بدرخانه ما میکوبد مردانی هستیم کوچك‌یا بزرك ولی در هر حال در مقابل مسئله بزرگی قرار گرفته‌ایم یکلحظه بتمام معنی تاریخی ، درآینده ما ها نخواهیم بود ولی قضاوت ما رفتار ما در تاریخ باقی خواهد ماند هر کدام از شما ها و یا عده‌ای از شما ها فرزندان ۱۸ ساله و بیست ساله در خانهٔ خود دارید و یـا اغلب شما ها فرزندان کوچك و معصوم در خانه خود دارید شما پس از قضاوت در باره این مسئله بزرگی که در مقابل شماست بخانه های خود میروید با فرزندان رشید و نا بالغ و معصوم خود روبرو میشوید پس از چهل سال بیست ساله هـا شصت ساله و طفلان معصوم امروز مردان رشید چهل و چند سالـه خواهند بود پس از قضاوت در این مجلس کـه با آن فرزندان خود روبرو میشویم کاری کنیم که دراعماق قلب خود از آنها خجل و شرمنده نباشیم خود راگول نزنیم تاریخ بالاخره قضاوت صحیح خواهد کرد. اگر بعضی ازفرزندان ما امروز هم آن طوریکه باید درك نکنند در مدت این چهل سال قضاوت صحیح خواهند کرد آنها

درك خواهند کرد که ما حق نداشتیم منبع زور وقدرت مادی و معنوی این سرزمین پربرکت را برای مدت‌چهل‌سال برای مدت زندگی فرزندان بیست ساله وشیرخواره خود بدیگران واگذار کنیم .

آقایان در این روز های تاریخی در این روز هائیکه سرنوشت نسلهای‌آینده خود را تعیین میکنیم در این روز هائیکه سرنوشت خوشنامی و بدنامی ما ها تعیین می‌شود خود را از حب و بغض ها از خود خواهی ها دمی نجات دهیم و اگر رحمی بخود نمی کنیم توجهی‌بآینده فرزاندان خود کنیم‌آقای نخست‌وزیر همواره بسربازی خود میبالند همه ما میگوئیم چو ایران نباشد تن ما مباد اگر دولت حاضر و مجلس حاضر فرماندهی صنعت نفت خودرا ببیگانگان ندهند این دولت‌نباشد، دولت‌دیگر بیایداو هم حاضر نشود و مجلس حاضر مانند مجالس گذشته اعطاء امتیاز استخراج و اکتشاف را تحریم کند چه‌خواهد شد کنسرسیومی ها قهر میکنند ومیروند سفارت خانهٔ های خارجی قهر میکنند و میروند و از نفت صرف نظر کرده و ما را به پشت بزده آهنین میفرستند ؟ نه ! ما حرف منطقی وحسابی میزنیم ما منفی بافی نمیکنیم ما با واقعیات روبرو هستیم واقع‌بین‌هستیم اقتصاد بدون‌نفت نمیخواهیم . آنها میگویند ما زور و قدرت داریم هر چند این زور و قدرت را از میلیونهاکار شبانه روزی‌زحمت کشان ایران از خوزستان بدست‌آورده‌ایم و نفت کشهائی که جهانرا بهم می پیوندند و مراکز قدرت را با نفت سیراب میکنند از دسترنج ایرانیان زحمتکش ساخته‌ایم باید نصف شود حاصل از نفت را برداریم . خیلی‌خوب ؛ تسلیم هستیم ؛ غرامت‌تأسیسات را می‌پردازیم ولی اختیار اکتشاف و بهره برداری را ازشرکت ملی نفت سلب‌نمی‌-کنیم و ازکارشناسان شما برای اداره شرکت ملی نفت برای هیئت مدیره‌آن‌دعوت میکنیم . آقایان بارزش و اهمیت موقعیت خود پی ببریم برای‌ما دراین موقعیت‌جهان و زمان ؛ رسیدن باین هدف ممکن الوصول است .

آقایان از سر نوشت همین تریبون مجلس عبرت بگیرید در پشت این تریبون سیاستمداران خوشنام و بد نام که اسامی‌آنها در تاریخ باقی میماند صحبت کرده‌اند نخست وزیران ووزراء دارائی مختلف و متناقض با هم‌صحبت کرده‌اند من محض‌عبرت

محض آنکه هیچکس نگوید متوجه نشدم ، اشاره بتاریخ سیاستمداری؛ میکنم که دو بار از پشت این تریبون صحبت کرده است هر بار که صحبت کرده نماینده نوعی از تاریخ بوده است هر دوی آنها قابل تکرار است . امروز یکی از آن تاریخها تکرار میشود آقای تقی زاده یکبار بعنوان وزیر دارائی از پشت این تریبون صحبت کرده است امروز تاریخ تکرار شده است یك وزیر دارائی دیگر مانند آنروز آقای تقی زاده از پشت این تریبون تاریخی‌صحبت میکند او از قرارداد ۱۹۳۳ دفاع کرد وزیر دارائی امروز از قرارداد حاضر دفاع میکند ولی پس از مدتی آقای تقی زاده ، در موقعیت تاریخی دیگری ؛ صحبت دیگری از پشت این تریبون کرد که برای تذکر آقایان قسمتی از آنرا میخوانم چون خود آقای تقی‌زاده تشریف ندارند شکی‌نیست که‌این غیبت مصلحتی نتیجه تجربه تاریخی ایشانست از گفته ایشان و تجربه تاریخی ایشان عبرت بگیریم اینك قسمتی از سخنرانی تاریخی ایشان در مجلس شورای ملی که برای ما نیز یك عبرت تاریخی است .

آقای تقی‌زادهٔ در پشت همین تریبون فرمودند ولی بنده فکر نمیکنم که عمر جناب آقای وزیر دارائی کفایت کند که ۴۰ سال دیگر بیایند فرمایشاتی بفرمایند (بعضی از نمایندگان ـ انشاء الله عمر ایشان کفایت میکند) .

(وزیر دارائی ـ انشاء الله ۱۵۰ سال عمر کنم) (صفائی ـ بعلاوه مال آقای تقی زاده از وسطها اتفاق افتاد) (وزیر دارائی من سنی ندارم) اینك قسمتی از نطق تقی زاده .

« مسئله نفت جنوب ایران و امتیاز معروف دارسی و امتیاز نامه جدید ۱۶ سال قبل خود موضوعی است مملکتی ودخالت یکنفر از افراد ضعیف مثل بنده‌در آن و میزان دخالتش باز موضوع دیگری است که هر دو باید جدا جدا مورد دقت و مطالعه قرار داده شود . پس از دعوت‌بنده بایران از مأموریت‌ملی که‌افتخار نمایندگی این مملکت را در خارجه داشتم و بقدر مقدور برای حفظ حقوق و منافع ایران مستمراً کوشیدم از گاهی بگاهی بعضی آقایان محترم و دوستان ببنده تذکر دوستانه دادند که خوبست شرحی از ماجرای امتیاز نفط بواسطهٔ آنکه در آنموقع

شاهد آن بوده‌ام بیان کنم .

اینجانب با وجود دلائل و موجبات بسیار قوی بلکه اقوی که چنین بیاناتی را اقتضا میکرد و شاید دفاع از منافع وحیثیت شخصی من نیز مستلزم آن میشدتاحال بدلائل دیگری که قوی‌تر میپنداشتم خودداری نمودم زیرا که موافق مصالح ومنافع مملکت نمیدانستم و هنوز هم نمیدانم و لذا با هر گونه فداکاری شخصی که این خود-داری مستلزم آنست فعلا نیز مصلحت ملك و ملت را در بیاناتی علنی در این باب نمیدانم و بهمین جهت هم قصد عرض همهٔ ماجرا را در اینجا ندارم . ولی این را باید بگویم که هیچوقت مضایقه نداشته و ندارم کلیه آنچه را که بر من معلوم است بدون کتمان یك نقطه و یك حرف بهر شخص بی‌غرض خیر خواهی کاملاً و تماماً بنحو مستوفی واشباع ، بطور خصوصی بیان کنم و حتی بالاتر از این بهر هیئتی هم باز از اشخاص بیغرض که در یك محفل خصوصی و رسمی حضور بهمرسانند و یا آقای رئیس مجلس که دربیغرضی وصفای ضمیر ایشان شکی ندارم چنین هیئتی را تعیین فرمایند محض رفع هر گونه شبهه وحتی توهم آتی ، کاملا شرح بدهم وحاضرم قبل از شروع بیان مطلب در آن محفل بطریقی که آئین ما اقتضا دارد یعنی با یمان و مغلظه واستشهاد خداوند وقرآن شنوندگان را مطمئن کنم که آنچه گفته میشود باصطلاح معروف محاکم فرنگستان «عین حقیقت و تمام حقیقت است (نه قسمتی از آن) وهیچ چیزی جز حقیقت در آن نیست » تا حال هم من بسه یا چهار نفر از آقایان محترم هم بطور خصوصی شرح لازم دراین باب عرض کرده‌ام آنچه حالا میخواهم باجبار یکبار خدمت همکاران محترم که اکثریت عظیم آنان نسبت بشخص من جز حرمت و محبت صمیمی و لطف خالصانه تا امروز چیزی نشان نداده اند در اینموضوع چیزی عرض کنم هم از آنجهة استکه شاید انتظاری طبیعی و بحق واز راه خیرخواهی بینده برای این امر داشته باشند نه برائر انتقادات و حملات که با آنها هیچوقت رویه من جواب دادن نبوده و نیست .

«اعظم وقایعی که در سی سال اخیر بلکه دریك یا دو قرن اخیر دراین مملکت اتفاق افتاد ظهور شخص بااقتداری بود کــه درجه تسلط و قدرت او برهمه چیز این مملکت وحتی نفوس و اعمال و اعمال مردم آنروز بروز تزاید گرفت وعاقبت بجائی

رسید که اگر آقایان محترم دور از آن زمان بودند دریك روز تمام صحبت‌هم قادر برتصور کامل آن نمیشدند .

آنشخص اقدامات و اعمال خوب زیادی داشت و قطعاً وطن دوست وخیرخواه این مملکت‌بود لیکن این صفات خوب‌برحسب ضعف طبیعت بشری با بعضی نقصهای تأثیرآمیز که‌جز گرفتاری طبیعی‌وعدم شمول عنایت وتوفیق الهی نامی بدان‌نمیتوانم بدهم و ضمناً بابعضی اشتباهات هم توأم بود ومن نمی‌خواهم نه ازآن نقائص معدود و نه از آن اشتباهات که در مقابل اعمال عظیمه و تاریخی و شایسته تحسین ابدی او نسبتاً جزئی بود حرف بزنم خداوند او را رحمت کند و از هر تقصیر هم که داشته بگذرد » ما در گذشته هم مردان بزرگی داشتیم که صبت کارهای بزرگ‌و مفیدآنها هنوز باقی و بعضی‌جا ودانیست ولی نقص‌های آنهاوحتی بعضی تقصیرهای بزرگشان یا فراموش شده ویا از ذکر آنها خودداری میکنیم و چشم میپوشیم من این‌جمله را باقتضای حکم وجدان و انصاف عرض کردم نه برای خوش‌آمد ستایش گران واقعی ویا صوری غیرصمیمی آنمرحوم و خود میدانم که طرف دیگر با گفتن این چند جمله حق و انصاف پرستانه جمعی دیگر از متنفذین اعمال وی را کـه مردم خوب و صالح‌هم در میان آنها کـم نیست و بناحـق هم نیستند نا خوشنود میکنند خصوصاً آنانرا که مستقیماً صدمه دیده‌اند و از این طبقه اخیر باکمال خلوص عذر میخواهم و البته تصدیق دارم که یکی ازنقائص آنشخص بزرگ که لطمه برنام بزرگ او وارد آورد همین افراط در سخت گیری وصدمه زدن بکسانی بود که‌بجهتی از جهات حتی جهة خیلی جزئی از آنها ناراضی میشد واگر این صدمه دیدگان توجه باین مطلب نمایند که من‌خود نیز مورد بیمهری‌ایشان شدم واگر دردسترس‌بودم شاید موردنظر همان صدمات شده بودم از من نمیرنجند که خوبی‌ها و نقص ها هردو باید بانصاف و بیمبالغه ذکر شود وبرای سنجش حسنات وسیآت میزانی مقرر شده‌است شاه مرحوم بطور قطع و جزم مصمم بود کـه همه عهد نامه های نامطلوب و امتیازات خارجی و مداخلات خارجیان را در حقوق ومحاکمات اتباع خود در هر نوع حقوق کهنه شده را مانند وجود دو قطعه خاك در شمیرانات خارج از حیطه قدرت و حکم دولت این

مملکت فسخ و نسخ و باطل و ملغی سازد و این کار را کاملا بانجام رسانید تا آنکه نماند از آنها جز امتیاز دارسی پس اقدام باصلاح آن امتیاز کرد تا حقوق ایران بطور مطلوب استیفاء شود این اقدام داستان خیلی درازی دارد و چند سال طول کشید واسناد اوراق آن درضبط وزارت مالیه باید موجود باشد . عاقبت حوصله شاه تنك شد و شاید تعویق کار را حمل برمماطله مینمود و ضمناً میل نداشت حتی یك قیدهم از قیود قدیمه بشکل سابق برای مملکت باقی بماند یکروز بغتتاً مصمم شد امتیاز را فسخ کند وحکم برای این کار داد و واضح است که هم حکم او همیشه بدون تخلف و استثناء دریکساعت اجرا میشد وهم دراین مورد بالخصوص که بسیار و باعلی درجه خاطرش متغیر بود احدی را یارای چون وچرا و نصیحت باو نبود .

پس این کار اجرا شده اگرچه اتخاذ این طریق باین نحو بعقیده وزراء ورجال خیرخواه ایران در آنزمان صحیح نبوده و چنانکه بعدها از نتیجه کار دیده شد یکی از اشتباهات بزرگ آنمرحوم در مدت سلطنت وی بود. منظورم این نیست که امتیاز دارسی بایستی بهمان حال بماند ولی ترتیب الغای آن ناگهانی و بی‌مطالعه باعث بعضی زحماتی شد که این امتیازنامه جدید باmواد نا مطلوب آن محصول آنست .

موضوع منجر بشکایت کمپانی و حمایت دولت او و تقاضای حکمیت لاهه و تهدیدازطرف ایران بشکایت ازانگلستان بجامعه‌ملل وقبول آنها مراجعه امر رابجامعه ورفتن آقایان علاء وداور بژنوشد وتااین‌جاکار با وزارت خارجه‌بودو اقدامات بوسیله مرحوم فروغی بعمل میامد در جامعه ملل کار بجائی نرسید و قبل از صدورحکمی دراین باب وساطت و توصیه های مذاکرات مسقیم بمیان آمد وچون دولت ایران گفته بود که الغای امتیازبواسطه نامطلوب بودن‌شرایط مطلوب وموافق‌منافع ایران امتیاز جدیدی (البته برای بقیه مدت امتیاز سابق) بدهند حضرات بطهران آمدند تا سعی درحصول مقصود باین نحو نموده امتحانی بکنند واگر توافق حاصل نشد باز بجامعه ملل بر گردند وداوری بخواهند مذاکرات در تهران با مأموریت ٤ نفر برای اینکار یعنی مرحوم فروغی مرحوم داور وآقای علاء و اینجانب جریان یافت پس ازچند هفته مذاکره توافقی درشرایط حاصل نشد لکن این نتیجه حاصل شد

که اگر قدری گذشت از طرفین میشد طرح جدید بمراتب ازامتیاز دارسی بهترمیشد لکن وقتیکه حضرات ازتوافق باماًمورین ایرانی واسطه مذاکرات مأیوس شدندعزم عودت کردند وبشاه‌هم گفتند در اینوقت بود که وی ظاهراً از عاقبت کار اندیشناك‌شد وعزم برمیانه گرفتن‌شخصاً وسعی‌درکنار آمدن باحضرات کرداگرهم باهمان‌شرایطی که خود شرکت حاضر بقبول آنها شده بود ودر واقع همان شرایط فعلی امتیازنامه فعلی‌بود (غیرازموضوع‌تمدیدامتیاز) کارانجام میبافت امتیازنامه‌جدید بمراتب مرجح برامتیاز قدیم واگر کسی غیرازاین پندارد ناشی‌ازاشتباه‌وقلت تدقیق و مطالعه است لکن درروز آخر کاربناگهانی‌صحبت تمدید مدت‌را بمیان‌آوردند واصرارورزیدندودر مقابل هرنوع محاجه ومقاومت ازطرف‌واسطه‌های ایرانی‌مذاکرات درمنظورخودشان پافشاری‌وتهدید بقطع مذاکرات وحرکت فوری از ایران کردندوشد آنچه‌شد یعنی که ما چندنفر مسلوب‌الاختیار بآن راضی نبودیم وبی‌اندازه وفوق هرتصور ملول‌شدیم و ازهمه بیشتر شخص من‌وپس ازمن (محض‌یاد خیرباید بگویم) مرحوم داور ۰۰۰متاثرو متالم وملول شدیم لکن هیچ چاره نبود البته حاجت بآن نیست که عرض کنم که چرا چاره‌نبودزیرا زمان‌نزدیك‌است واغلب آقایان‌شاهد وقایع ووضع آن‌عهدبودندوحقیقت مسئله‌عیان‌است‌وحاجت‌به‌بیان‌نداردومیدانند که‌برای کسی‌دراین‌مملکت‌اختیاری‌نبودو هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه‌مقدور بودو نه‌مفید اوهم ظاهراً از عاقبت کار اندیشه کرد و حاضر بعقب رفتن و پس گرفتن حکم نسخ امتیاز سابق هم بهیچوجه نبود و شق ثالث هم‌وجود نداشت و کسی نمیداند که درصورت‌برگشتن طرفین بژنو چه حکمی میشد و نتیجه چه بود ولی باید عرض کنم که‌مقصود از این که گفتم چاره نبود تنها بیم اشخاص نسبت بخودشان نبود بلکه اندیشه آن ها نسبت بمملکت و عواقب نزاع بآن کیفیت نیز بود زیرا که‌بیرون آمدن از مخمصه‌ای که به ظاهر بن بست مینمود سهل نبودو در صورت اکتفا بمقاومت منفی تنها با بیم‌زحماتی قرین بوده و اصل نکته و همه جان کلام درین یك جمله اخیر استکهٔ میل ندارم‌زیاد شرح بدهم و بقول معروف برای دلهای بی‌غرض یك حرف بس است .

سر من از ناله من دور نیست لیك چشم وگوش را آن نور نیست

این کلمه را بطور اجمال گفتم وباز خود داری از توضیحات مفصل علنی دارم و آنچه هم قال قیل شود محض ملاحظه همین قدر باید بگویم که تاآنجا که من میدانم وخدا نیز شاهد است اصلا سوء نیتی از طرف هیچکس یعنی هیچ ایرانی ابداً نبوده است اما موضوع دوم یعنی سهم بنده دراین امر ازاول تاآخر که شایدبعضی اشخاص خالی ازبی‌غرضی دراین قسمت بیشتر علاقمند باشند تاباصل موضوع اولاً بایدعرض کنم که بنده دراین کار اصلا وابداً هیچگونه دخالتی نداشته ام جز آنکه امضای من پای آن ورقه است (خنده شدید نمایندگان ومخبرین جرائد) و آن امضاء چه مال من بود وچه من امتناع‌میکردم ومال کسی دیگر بود (ولابد حتماً یکی فوراًامضاء میکرد) هیچ نوع تغییری را درآنچه واقع‌شد وبهرحال میشدموجب نمیشدوامتناع یکی ازامضاءاگر اصلا امتناعی ممکن بود دراصل موضوع یعنی انجام آن امر هیچ تأثیری ولو بقدر خردلی نداشت بنده دراینمورد هیچ عرضی ندارم منتهی اینستکه شاید خود عمل امضاء اضطراری قصوریاتقصیری شمرده شود و من عرض نخواهم کرد که‌امضاء جعلی است وکسی دیگر امضاء را عوض‌من گذاشته بلکه هرتقصیری درآن عمل بسیط غیراختیاری باشد خداوند خواسته بود که آن تقصیرفرضی بجای آن‌سه نفر دیگر همراهان‌ما یاوزرای‌دیگر دامنگیر من شود ومن‌خود شخصاً بااقرار باینکه در صورت امکان بهتر بود ولو با فدای نفس هم باشد انسان از این تقصیر فرضی غیر اختیاری دور وبی‌دخالت درآن بماند فرق زیادی بین امضای قلمی اجباری و امضای باورقه سفید دادن در مجلس وتصویب اجباری صدنفر اشخاص محترم که وکیل ملت نامیده میشدند نمی‌بینم و اوضاع وقت بازبان صریح حقیقت و بتاریخ آینده خواهد گفت وفرق بین اختیار واجبارواضطرار را ثبت خواهد نمود وهم مشکل مملکتی که پیش آمده بودوکاررا اضطراری ساخته بود معلوم خواهدشد .

من شخصاً هیچوقت راضی بتمدید مدت نبودم و دیگران هم نبودند و اگر قصوری دراینکار و یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست بر گردد او خود هم راضی بتمدید مدت نبود و در بدو اظهار این مطلب ازطرف حضرات رو بروی آن‌هابتحاشی ووحشت گفت «عجب

اینکار که بهیچوجه شدنی نیست میخواهید که ما که سی‌سال بر گذشتگان برای اینکار لعنت کرده‌ایم پنجاه‌سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم» ولی عاقبت درمقابل اصرار تسلیم شد این دخالت منحصر بامضای غیراختیاری وبدون رضا وبانداشتن هیچ سهمی درکار مطلقا واصلا وابداً البته خیلی فرق دارد با چنان بدگمانیها ومنظورهای جاهلانه یا مغرضانه که جلوه داده شد که من از ابتدا عامل ومدیر وطرح ریزی عمدی این کار بوده وسعی درحصول چنان امری کرده یا خیالش را در خاطر پرورانده بودم‌تاچه برسد بآنکه باوسوسه شیطان‌مرا عامل اصلی یاعمده نشان‌بدهند این حملات هیچوقت ازروی فهم وخلوص نیت ووجدان وبیغرضی واقع نشده و فقط اگر نقشه‌های عمدی درامری بوده درهمین قصد تضییع اشخاصی بوده استکه عدم دخالتشان بایستی بدیهی باشد .

بنده خیلی ممنون میشوم اگر آقایان یکدفعه دریك جلسه تشریف بیاورند بنشینند آنچه که من میخواهم البته نه آنچه را که خدا میداند و من نمیدانم اول قسم میخورم که یك خردلی کتمان نکنم و آنچه هست بگویم تا بعد حکم وقضاوت بکنید کــه آیا راهی دیگر بود یا خیر ؟ اگر هم بوده است شاید ما اشتباه و تقصیر کرده‌ایم » .

آقایان چندی پیش که من در این مجلس متن وصیتنامه وارکاس رئیس‌جمهور متوفای برزیل را که فدای مطامع شرکت های بزرك نفت و غیره گردید میخواندم **بعنوان شوخی آقای امامی فرمودند که وصیتنامه تو را هم من در این مجلس خواهم خواند و نمایندگان محترم شدیداً خندیدند که درجرائد منعکس‌شد یکبار دیگر نیز جناب آقای فولادوند معاون پارلمانی نخست‌وزیر ازانتخابات زنجان بحث میفرمودند و اشاره به آزادی انتخابات این دوره کردند که همه آقایان خود شاهد آن بوده‌اند درآنروز نیز خنده‌شدید نمایندگان درجرائد اطلاعات و کیهان منعکس‌شد** . میگویند دراعماق هرموضوع خنده‌آور (کومیك) یك عنصر حزن‌آور (تراژیك) وجود دارد من چکار کرده‌ام که وصیتنامه من بزودی از طرف آقای امامی باید در اینجا خوانده شود ؟ هرچند این یك شوخی بیش نبود ولی منظور من اشاره بهمین عنصر تراژیك است که در آن خنده شدید نمایندگان

محترم وجود دارد که آن تراژدی با سرنوشت ملت ما و با سرنوشت مسئله‌ای که هم اکنون در دستور روز ماست تماس دارد با اجازه آقایان فقط چندسطر ازسخنرانی آقای تقی‌زاده را برای تکیه بیشتر باردیگر یادآوری میکنم که با موضوع ما نحن و فیه تماس بیشتری دارد :

« من خود شخصاً با اقرار باینکه درصورت امکان بهتر بود ولو بافدای نفس هم باشد انسان از این تقصیر فردی غیر اختیاری دور و بی‌دخالت درآن بماند (همانطور که خود آقای تقی‌زاده دور و بی دخالت مانده است) فرق زیادی بین امضای قلمی اجباری و امضاء قولی اجباری وامضای باورقه سفید دادن در مجلس و تصویب اجباری صد نفر از اشخاص محترم که وکیل ملت نامیده میشدند نمی‌بینم و اوضاع وقت با زبان صریح حقیقت را بتاریخ آینده خواهد گفت » .

آری باید این جمله اخیر نصب‌العین ما باشد که امروزوضع، برای همه روشن‌تر از آنروز است و اوضاع وقت با زبان صریح حقیقت را بما گفته است .

آقایان اگر این مجلس علیرغم سوابق و لواحق واقعاً در جریان حوادث بنفع ملت ایران دخالت کند و جریانهای اوضاع بین‌المللی‌را بنفع نهضت‌ملی ایران مورد استفاده قراردهد تمام ملت ایران این‌مجلس را ودولتی‌را که مورد پشتیبانی این‌مجلس باشد خواهد پرستید . منهم با آقای دکترامینی در این‌جمله کاملاً توافق دارم « که عزت و ذلت اقوام بدست راهبران و راهنمایان جامعه‌ها وملتهاست » شما که امروز در موقعیت راهبری وراهنمائی جامعه هستید اگر سرنوشت منبع زوروقدرت مادی و معنوی ملت ایران را دراختیار یك قطب قدرت جهانی قراردادید خواهی نخواهی مردم بطرف قطب دیگرمتمایل خواهند شد برای اجتناب ازاین کار، شما **راهبران و راهنمایان جامعه از دولت بخواهید که بجای این لایحه که مسترد بشود یك لایحه واقعی فروش نفت بیارد که منبع زور و قوت مادی و معنوی در دست دولت باقی بماند** در اینصورت شما راهبران و راهنمایان جامعه با ملت و قشرهای مختلف ملت یك وحدت ناگسستنی تشکیل میدهید و نهضت ملی ایران را این‌بار با واقع بینی و منطق بیشتر زنده میسازید .

تا اینجا که شماره ۷۲ است بنده از یادداشت‌های خود قرائت کردم دو فصل دیگر از سخنرانی بنده باقی است و فصل اول شروع میشود از شماره ۷۲ تا شماره ۱۲۱ فصل دوم هم هست و این فصل مربوط است بمقایسه قرار داد فعلی با قرار داد ۱۹۳۳ که مطالب بسیار حساس دراین فصل است ازجمله موضوع لیره و ارز است که اگر آقایان محترم روزنامهٔ اطلاعات دیشب را ملاحظه فرموده باشند در دو ایراد نوشته است ایراد اول ایرادی است که کاملاً بجااست وبایستی عملی کنیم که بمصائب گذشته دچارنشویم وهمینطورموارد دیگری‌را ذکر کرده‌ام ولی برای این که دیشب باقایان قول دادم ومجلس را مهیای آن نمی‌بینم که باقی عرایض بنده راگوش کنند و در این موضوع عجله دارند این است که بنده بقولم عمل میکنم (احسنت) و این قسمت را که قرائت نکردم در کتابی که بعداً اگر انتشار پیدا کند و اگر مطبعه‌ای درایران پیدا کنم که بتواند کتاب بنده‌را چاپ کند(صفائی ـ مطبعه بنده حاضراست پولش را هم از شما نمیگیرم) (نراقی ـ بنده برای شما چاپ میکنم) تشکرمیکنم در انتهای عرایضم بعرض آقایان نمایندگان میرسانم که هفت ساعت دیگر بنده برای قرائت‌بقیه عرایضم وقت لازم داشتم ازاین هفت ساعت صرفنظر میکنم بشرط اینکه آقایان هم از تصدیعی که بنده دادم عفو بفرمائید (احسنت).

قیمت : ۱۰ ریال

دورهٔ هیجدهم قانونگذاری

آبانماه ۱۳۳۳